



ایف بی سبنا محب



فرهنگ آینه و جامعه

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی

شماره ۱۳۹۹



کلام نخست

منتشرشده را بررسی کرده‌ایم تا هم ذائقه خوانندگان و ناشران ایرانی را بشناسیم و هم با بررسی مطالب گوناگون مجلات، دریابیم که این حسگرهای هوشمند یک جامعه، مهم‌ترین مسائل ایران را چه می‌دانند و از چه زاویه‌ای به آن می‌نگرند.

5. بخشی از این گزارش را نیز به بررسی تولیدات روز سینمای ایران و نقد و بررسی آنها از دید منتقدان اختصاص داده‌ایم. بر آنیم که یک کنشگر فرهنگی، لاجرم باید بتواند نبض تولیدات فرهنگی کشور را بگیرد و از روی آن به درکی دست‌کم کلی از وضع فرهنگی جامعه دست یابد. سینما یکی از مهم‌ترین رسانه‌هایی است که هم متأثر از فضای فرهنگی و اجتماعی است و هم این فضا را شکل می‌دهد و بر آن تأثیر می‌گذارد. بنابراین، شناخت دقیق مدیوم سینما، و دست یافتن به توانایی نقد صحیح فیلم، توانایی شناخت هرچه بیشتر و صحیح‌تر فرهنگ و جامعه را به کنشگران فرهنگی می‌دهد.

6. به مدد توسعه رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های مجازی، حجم اخباری که در طی روز به دست مخاطبان می‌رسد، آن‌قدر زیاد است که مخاطب از روی بسیاری از آنها بدون کمترین توجهی می‌گذرد. خبرهای فرهنگی، معمولاً خبرهایی‌اند که اگر با حاشیه‌های عمدتاً سیاسی همراه یا تأثیربرانگیز نباشند، توجه چندانی جلب نمی‌کنند؛ حال آنکه برای کار فرهنگی، توجه به آنها ضروری است. بنابراین، بخشی از این گزارش را به مرور مهم‌ترین خبرهای فرهنگی یک ماه اختصاص داده‌ایم.

7. این گزارش، هرگز کامل نیست؛ تنها تلاشی است برای شناخت بیشتر آنچه در فرهنگ و جامعه ایرانی رخ می‌دهد. بنابراین، ضمن پذیرش ضعف‌های بسیار خویش، انتظار داریم با نقدهای خود، ما را در شناخت این ضعف‌ها و گام برداشتن به سوی رفع آنها و تقویت ساختار و خروجی این گزارش یاری رسانید.

اینست‌نی‌هاب

آینه فرهنگ و جامعه

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی

زیر نظر: مهدی عباسی

همکاران: فریدون محمدی‌فام، علیرضا کلانتر مهرجردی، بهروز

اشرف سمنانی، مرجان ناصری، سوری ضیاعم، الهه ملارفع

طرح جلد: زینب یوسفی

خوشنویسی لوگو: محمد جاویدان

1. جامعه امروز ایران، چنان‌که جامعه‌شناسان بسیار گفته‌اند، جامعه‌ای بسیار پیچیده است؛ عوامل و متغیرهای مؤثر بر فرهنگ و جامعه ایرانی، چندان پر تعداد و گاه متناقض‌اند که تحلیل و تفسیر رخدادهای آن، گاه از عهده انسان خارج می‌نماید. باین حال، بدون نگاهی تحلیلی به مسائل جامعه، نمی‌توان به کنش فرهنگی و اجتماعی مؤثر پرداخت. هر کنش فرهنگی و اجتماعی اثربخش، نتیجه‌گرا، معطوف به حل مسائل و مشکلات، نیازمند شناخت درست جامعه‌ای است که بستر این کنش‌ها در آن شکل گرفته است. از این روی، کامیابی معاونت فرهنگی جهاددانشگاهی و معاونان فرهنگی واحدهای جهاددانشگاهی در سراسر کشور، در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای رویدادهای فرهنگی، مستلزم شناخت صحیح مسائل جامعه است.

2. این شناخت، از مجاری گوناگونی حاصل می‌شود. اگر بکوشیم از اخبار (داده‌ها) فراتر برویم و به تحلیل (اطلاعات) پردازیم، لاجرم باید پای صحبت صاحب‌نظران، تحلیل‌گران و ناظران علمی جامعه بنشینیم. جامعه‌شناسان، علمای سیاست، صاحب‌نظران فرهنگی و مانند آنها، مراجعی هستند که می‌توانند برای دستیابی به تحلیل‌های علمی از مسائل جامعه ایرانی، محل مراجعه باشند. از این روی، در بخشی از گزارشی که پیش روی دارید، به مرور مهم‌ترین و جدیدترین مواضع، دیدگاه‌ها و تحلیل‌های صاحب‌نظران ایرانی پرداخته‌ایم.

3. نیک می‌دانیم که آمار، داده‌هایی هستند که اگر درست باشند، می‌توانند نمایی گرچه نسبی از وضع یک جامعه به دست دهند. آمارها در بسیاری از حوزه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی نشان می‌دهند که جامعه ایران از منظر شاخص‌های گوناگون کجا ایستاده است، بیشتر کجا بوده و احتمالاً با همین دست‌فرمان به کدام سو می‌رود. براین اساس، در بخشی از گزارش پیش‌رو، مهم‌ترین و جدیدترین آمارهای رسمی مرتبط با شاخص‌های گوناگون فرهنگی و اجتماعی ایران را مرور کرده‌ایم.

4. اگر تصویر درستی از آنچه در عرصه فرهنگ کشور می‌گذرد، نداشته باشیم، در برنامه‌ریزی مسیر آینده خویش با دشواری‌های فراوان مواجه خواهیم شد. با هدف دست‌یافتن به درکی چندجانبه از اتمسفر فرهنگی کشور، در بخش‌های متعدد این گزارش، تازه‌ترین کتاب‌ها و مجلات

دیدگاه

- ♦ صورتک‌های بی‌چهره
- ♦ معضل کودکان بدسرپرست
- ♦ خشونت در حال تبدیل به وجه مشخص رفتاری در جامعه است
- ♦ احساس گناه و آستیگمای اجتماعی بیماران کرونایی
- ♦ عادی‌سازی مناسبات اجتماعی بازتولید فاجعه در وضعیت کرونا
- ♦ دموکراسی آخرین پروژه ایران است
- ♦ دولت مقتدر شرط لازم توسعه است
- ♦ اولویت صداقت بر امید در ارتباطات بحران
- ♦ سالخوردگی جمعیت عیب نیست
- ♦ هم پناهگاه مردم، هم منشاء تحولات
- ♦ دولت آینده توتالیتزر، تکنوکرات و علمی خواهد بود
- ♦ قطع ریشه اعتیاد چگونه امکان‌پذیر است؟
- ♦ سریال‌های لاکچری برای جوانان حسرت ایجاد کرده
- ♦ تعادل بخشی کمی و کیفی در جمعیت
- ♦ پرمصرف‌ترین روان‌گردان‌ها در ایران
- ♦ مدیریت بحران در ایران بسیار ضعیف است
- ♦ خشونت فرهنگی در جامعه ایران
- ♦ توصیه‌های کرونایی به تنهایی کافی نیست
- ♦ تکنولوژی از قدرت سیاسی خیلی جلوتر است
- ♦ فشار اقتصادی، معنویات را کمرنگ کرده است
- ♦ سیاست‌گذاری‌های حوزه ازدواج با واقعیت جامعه فاصله دارد



جهانی که کرونا در برابر ما قرار داده و در آن نمی‌توان حتی چهره‌های یکدیگر را از پشت صورتک‌هایی هرچه ضخیم‌تر ببینیم. چنین جهانی نه تنها ممکن و کاربردی نیست، بلکه یک ویرانشهر حقیقی به حساب

ایست‌نهایت

دیدگاه

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

صورتک‌های بی‌چهره

ناصر فکوهی

همه می‌دانند و همه می‌دانیم کروناویروس، نه نخستین ویروس و مصیبتی بوده که به سراغ ما انسان‌ها آمده، یا بهتر است بگوییم دعوتش کرده‌ایم و نه آخرین‌شان و اگر بتوانیم این بار آن را مهار کنیم و ولو با بهایی گزاف از سر بگذرانیم، باز هم همه می‌دانند و همه می‌دانیم بارهای دیگری وجود خواهند داشت که شانس، شاید حتی به اندازه این بار با ما همراه نباشد...

شاید بار آتی، مصیبت‌های بی‌نهایت بزرگ‌تری در انتظارمان باشد؛ شاید پایان بشریت؛ شاید سقوط درازمدت و عمیق تمدن‌ها به هزاران سال پیش؛ شاید مرگ‌هایی بسیار هولناک‌تر و دردآورتر؛ شاید حتی موقعیت‌هایی بدتر از مرگ که انسان‌ها را وادار کند دسته‌دسته به زندگی خویش پایان دهند و شاید حتی - در بدترین سناریوها - فاجعه در حلقه نسبتاً محدود آدم‌ها باقی نماند، بلکه همه حیات، همه موجودات و جانوران و گیاهان، دریاها و کوه‌ها و سبزهزارها و هر چیزی که می‌توانیم با واژه «زیبایی» مترادف بدانیمش را از میان برد و حال پرسش این است: آیا انسان‌ها واقعا از این مصیبت درسی را که لازم است، گرفتند و زندگی خویش را تغییر خواهند داد؟ یا همچون همیشه، آن را در کوتاه‌ترین مدت به دست فراموشی می‌سپارند و در قالب کتاب‌های تاریخی و گستره بزرگی از رمان‌ها و فیلم‌ها و ادبیات علمی‌فانتزی می‌کنند؟ این احتمال نیز هست که وقتی این واقعه به پایان برسد، «درس»ی بگیرند، اما نه درسی مفید برای جهان، بلکه درسی که خود می‌خواهند. به عبارت دیگر، همان کاری را بکنند که در طول هفت یا هشت هزار سال تمدن‌های بزرگ و کوچک خویش کرده‌اند: تعبیر و تفسیر آنچه «واقعیت» می‌نامند، در چارچوب چیزهایی که نام‌هایی دلخواهانه و توهم‌زا، کمابیش گنگ و بی‌معنا، اما برای خودشان و به زبان خودشان بسیار پرمعنا و عمیق و «عینی» باشند؛ مفاهیمی همچون «طبیعت» و «فرهنگ» و «شعور» و «انسانیت» و... که برای خود ساخته‌اند تا در یک پیچیدگی حیاتی غیرقابل رمزگشایی و در میان گره‌های بازناشدنی، کوره‌راهی برای خویش بکشایند

فروستانی که هرکدام ممکن است روزی به موقعیت فرادستی برسند، می‌توانستند لحظه‌ای در برابر عالم هستی، در برابر آنچه ابزارهای علمی خود ایشان، به آنها نشان می‌دهد، خُردبودن دانش و گستره اندیشه و مادیت و تأثیر انسان را در «کیهان» درک کنند، بی‌شک این نیز ممکن می‌بود که امید بسیار زیادی به آینده داشته باشند. اما افسوس که تاکنون تجربه‌هایی که انسان‌ها در طول قرن‌ها و قرن‌ها از سر گذرانده‌اند، نتوانسته به آنها اسطوره‌ای و افسانه‌ای‌بودن آن چیزهایی را که قدرت انسانی می‌پندارد به آنها نشان دهد: نه در اراده خُشونت‌آمیزی که بی‌رحمانه بر هموعان خود بر سایر موجودات و جهان اعمال می‌کنند، نه بهبودگی انباشت «ثروت»‌هایی که ابلهانه در اطراف خود گرد می‌آورند. همه آرزوی ما، آن بود و هست که می‌توانستیم در رویکردی مثبت نسبت به آینده انسان باقی بمانیم و به این پرسش که آیا هنوز فرصتی برای جبران ویرانگری انسانی باقی مانده، پاسخی ولو نسبتاً مثبت بدهیم. اما نباید به خود دروغ بگوییم و این پاسخ را به‌هیچ‌رو به سوی قاطعیتی که ابدا در آن وجود ندارد، ببریم

جهانی که امروز کرونا در برابر ما قرار داده، با نمادشناسی آدم‌هایی که نمی‌توانند به یکدیگر نزدیک شوند و یکدیگر را در آغوش بگیرند، ببینند و ببوسند و دل‌داری دهند و غمخوار هم باشند، جهانی که کرونا در برابر ما قرار داده و در آن نمی‌توان حتی چهره‌های یکدیگر را از پشت صورتک‌هایی هرچه ضخیم‌تر ببینیم. چنین جهانی نه تنها ممکن و کاربردی نیست، بلکه یک ویرانشهر حقیقی به حساب می‌آید که این بار شاید معنایی جز پایان انسان نداشته باشد، اما باید بدانیم اگر از تمثیل جهانی آکنده از انسان‌هایی بدون دست، بدون پوست و بدون چهره به‌حق وحشت داریم، باید تن به عشق و اخلاق و هنر در پدیده‌هایی انسانی بدهیم؛ جهانی که خود را بیش و پیش از هر کجا در کالبد‌های کودکانه و زنانه تعریف و بیان می‌کند؛ جهانی که در رویکردهای کلاسیک در آنچه روزگاری «انسانیت» نامیده می‌شد، قابل مشاهده بود؛ روشنایی دور نیست، تنها باید جسارت نزدیک شدن به آن را داشته باشیم.

و شاید راهی برای فرار بیابند و هستی‌شناسی تازه‌ای، ولو خیالین، برای خود دست و پا کنند. اما درنهایت، زمانی که انسانیت به «پایان-پایان‌ها» برسد و این زمانی است که هرچند شانس رسیدن به آن در آینده‌ای نه‌چندان دور ناگزیر نیست، اما بعید هم نمی‌نماید - شاید در آن زمان، سرانجام روشنایی نسبتاً کاملی بر رفتار و ذهنیت این «گونه زیستی» (انسان) در فرآیند تحولش بیفتد و «درس عبرتی» برای عالم هستی در معنای اسپینوزایی آن بشود. انسان‌ها، به امید زنده هستند و شاید بهتر باشد بگوییم به امیدهایی کاملاً واهی که دوست دارند واهی‌بودن آن را دائم به فراموشی بسپارند: مثل اینکه هر لحظه، گاه بدون هیچ دلیل و پیشینه و انتظاری ممکن است زندگی‌شان به پایان برسد. یا از آن بدتر، شاهد پایان موجودیت گونه انسانی به‌رغم میلیون‌ها سال برخورداری از ابزارها و صدها هزار سال برخورداری از تخیل زبانی، که حدی ندارد و گستره بی‌پایانش در عرصه اسطوره‌ها و ادبیات داستانی و تصویری چشم‌اندازی دور را می‌نمایاند، باشند. اما این ساختارهای زبان‌شناختی، این سازه‌هایی که منطق ریاضی و منطق فلسفی و دستوره‌های زبانی برای ما ساخته‌اند و ما همه امید خود را به آنها بسته‌ایم، همان‌گونه که بارها و بارها تاریخ نشان داده است، قدرت مقاومت چندانی در برابر گردبادها و سیل‌های غول‌آسا ندارند. پدیده‌هایی که عالم هستی میلیاردها سال است در خود شاهد تکرار آنهاست، می‌توانند کاملاً در چند لحظه به باد بروند. از این‌روست که فراموشی برای انسان شاید اهمیتی حتی بیشتر از حافظه و تاریخ، داشته و دارد. ساخت‌های فراموشی در بسیاری از موارد به کمک او آمده‌اند تا بتوانند ساخت‌های تاریخ و حافظه را براساس آنها به پا کنند. از این‌روست که اگر کروناویروس یا مصیبت‌های پیشین و پسین آن می‌توانستند و بتوانند درسی به انسان‌ها بدهند که دست‌کم آنها را به حد و مرز هوشمندی فرزانه‌گانی چون ژان ژاک روسو، ایوان ایلیچ یا کلود لوی استروس برسانند، به باور ما باید بسیار خوشحال باشیم و دلایلی واقعی برای تداوم‌بخشیدن به امیدواری در دل‌هایمان نگه داریم. اگر انسان‌ها، به‌ویژه فرادستان، اما همین‌طور



باید بپذیریم که مهارت کنترل خشم، روابط بین فردی، روابط موثر، راه‌های مقابله با هیجان و استرس را آنگونه که باید بلد نیستیم و آشنا نبودن به این مهارت‌ها به افزایش خشونت‌ها در جامعه منجر می‌شود.

اینست **پنجاه مطلب**

دیدگاه

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

خشونت در حال تبدیل به وجه مشخص رفتاری

در جامعه است

سید موسوی چلک

منشا هر خشونتی به عوامل متعددی در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد بستگی دارد. برخی خشونت‌ها از جمله خشونت خانگی ممکن است به دلیل مراجعه نکردن افراد در آمار ثبت نشود اما با این وجود، خشونت‌هایی که در دستگاه قضا بررسی و ثبت می‌شوند، شاخص بالایی دارند. آمارهای پزشکی قانونی نیز حاکی از افزایش خشونت‌های فیزیکی در سال 98 است که در برخی موارد به همسر و کودک آزاری، برخی در قالب خودکشی، سرقت و قتل‌های خانوادگی است. همه خشونت‌ها از جمله خشونت‌هایی که دیده نمی‌شود یا خشونت‌هایی که دیده می‌شود از جمله خشونت‌های فیزیکی، بر جامعه تأثیر منفی دارد و بی‌توجهی به خشونت در جامعه و نبود برنامه‌ریزی‌های کوتاه و بلندمدت ممکن است تبعات پرهزینه‌ای برای کشور داشته باشد. نقش مردم در این زمینه قابل توجه و مهم است. فراگیری مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی بسیار اهمیت دارد. امروز اتفاق‌هایی همچون قتل‌های خانوادگی که گاهی شاهد آن هستیم فقط نمونه‌هایی از مصادیق خشونت در جامعه است که رسانه‌ای می‌شود و طبق آمار خشونت‌ها در جامعه افزایش پیدا کرده است که جای نگرانی دارد. نه فقط در آمارهای پزشکی قانونی، بلکه بررسی آمارهای مراجع قضایی نیز نشان می‌دهد خشونت یکی از پرونده‌های قضایی با رتبه‌های آماری بالا در کشور ما است و پیشینه این موضوع به بیش از دو دهه قبل باز می‌گردد. تصمیم‌گیری و سیاستگذاری درست می‌تواند در کاهش و افزایش خشونت در جامعه تأثیرگذار باشد. حاکمیت، دولت و سیاستگذاران نقش‌هایی دارند که می‌توانند آرامش و فضای امن را

معضل کودکان

بدسرپرست

مهدی مال میر

خبری همین یکی، دو روز پیش بر خروجی رسانه نشست که شنیدنش روان هر آدمی را تیره می‌سازد. خبر دل‌لهایی که نوزادان را با بهایی ناچیز از پدران و مادران در مانده می‌خریدند و با بهایی بیشتر به خواستاران نوزاد که حاضر به سلفیدن قیمتی بالاتر از قیمت خرید بودند، می‌فروختند. خوشبختانه اما انگار بسیاری از این دل‌لان بی‌خبر از نام و ننگ گرفتار قانون شده‌اند و مساله همچنان در حال پیگیری بیشتر است. اما در اینجا و در این ماجرا دو مشکل فوری و فوری در برابر چشمانمان خودنمایی می‌کنند: نخست اینکه بسیاری از این خرید و فروش‌ها در رسانه‌های مجازی صورت نمی‌گیرد و در نتیجه، پیگیری و شناسایی دل‌لان کار آسانی نخواهد بود و دیگر آنکه، می‌شود حدس صائب زد که بیشتر قریب به اتفاق (اگر نگوییم همگی) مشتریان نوزادان از جمله

کسانی هستند که حتی از کمترین استانداردهای سرپرستی کودک که در قانون درج شده برخوردار نیستند و از این طریق قصد دارند با دورزدن هفت‌خوان رستمی که قانون به درستی در این باره بر آن تأکید دارد، صاحب زاد و رود شوند یا حتی بالاتر از آن از کودکان برگشته‌بخت سوءاستفاده کنند! یکی از شرایط سختگیرانه فرزندخواندگی، داشتن شرایط قابل قبول مالی است. والدینی که قصد سرپرستی کودکی را دارند، ضروری است تا حق نفقه و حتی بیمه عمر کودک را بپردازند و تازه، این یکی از شرایط سپردن کودکان به خانواده‌های درخواست‌کننده فرزند است و هزار نکته باریک‌تر از مو اینجاست. در نظر گرفتن سلامت والدین و اطمینان از سلامت روحی و اخلاقی آنها نیز از مراحل دشواری است که گذشتن از آنها به آسودگی دستیاب نیست. در کشور ما متأسفانه معضل بزرگ «کودکان بد سرپرست» هر روز تناورتر می‌شود آن‌چنان‌که بسیاری از کودکان سرگرم زندگی در پرورشگاه‌ها خود از خانواده‌هایی با سرپرستان نااهل می‌آیند. اما با همه این تفصیلات، چند مشکل ریشه‌دار نیز در این میان انکارناشدنی است. مشکلات مالی، گران‌شدن زندگی در شهرهای بزرگ، فقر فرهنگی در برخی جاها، سبب شده تا این پدیده دل‌آزار در جامعه ما رواج پیدا کند. هر چند می‌شود با پلیس و قانون، بندی بر این مشکل بست اما چنان‌که دانسته است، مشکل بیش‌وکم پابرجا خواهد بود و باید اعتراف کرد تا زمانی که مشکلات بنیادین اقتصادی و اجتماعی ماسر و صورتی به خود نگیرد، هستند در گوشه و کنار کشور والدینی که به سبب فقدان استحکام شخصیت، مشکلات مالی، برخوردار نبودن از آموزش کافی و صدها دلیل ریز و درشت دیگر حاضر خواهند بود جگرگوشه‌هایشان را به دل‌لان بدسگال واگذار کنند.

برای مردم ایجاد کنند. توجه به حقوق شهروندی به کاهش خشونت کمک می‌کند، به طور معمول ناکامی‌ها منجر به خشونت می‌شود و اگر به حقوق شهروندی توجه شود و به اجرای صحیح قانون و نبود تبعیض، اطمینان حاصل شود، بدون شک خشونت در رفتار مردم نیز کمتر نمود بیرونی خواهد داشت. البته توجه به ارتقای سلامت اجتماعی در جامعه وضع مناسبی ندارد که محصول کم‌توجهی و بی‌توجهی به سلامت روانی و اجتماعی است و همین امر تاب‌آوری روانی و اجتماعی را به حداقل رسانده است. در عین حال باید بپذیریم که مهارت کنترل خشم، روابط بین فردی، روابط موثر، راه‌های مقابله با هیجان و استرس را آنگونه که باید بلد نیستیم و آشنا نبودن به این مهارت‌ها به افزایش خشونت‌ها در جامعه منجر می‌شود. خشونت در حال تبدیل به وجه مشخص رفتاری در جامعه است که این موضوع نگران‌کننده است و باید برای آن تدابیر لازم اتخاذ شود.



محمد عاملی: از نتایج به دست آمده از آخرین نظرسنجی ایسپا و معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران می‌توان نتیجه گرفت جامعه وارد فاز عادی‌سازی دوران کرونا شده است، بدون آنکه هیچ دلیل موجهی برای آن وجود داشته باشد.

ایستادگی

دیدگاه

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهادانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

احساس گناه و آستیگمای اجتماعی بیماران کرونایی

هدی امامی

بسیاری از پیام‌هایی که ما در ارتباط با کرونا دریافت می‌کنیم مربوط به بهداشت فردی و سلامت جسمی است. حال آنکه همه‌گیری سریع این بیماری نشان از ابعاد اجتماعی یا بهتر بگوییم ضد اجتماعی بودن کووید نوزده دارد!

این روزها زیاد می‌شنویم که یک دیدار دوستانه، هم‌نشینی در جمعی ولو کوچک اما در مکانی مسقف و بسته، برگزاری مراسم‌های شادی یا عزاداری منجر به فاجعه و تشدید همه‌گیری کرونا شده است. پس از برگزاری یک مراسم عروسی، دایی جوان داماد بر اثر ابتلا به کرونا فوت می‌شود خانواده داماد، عروس را به علت اصرار در برگزاری مراسم مقصر می‌داند و خواهان طلاق می‌شود. در یک دوره دوستانه کوچک، مهمانان به کرونا مبتلا می‌شوند و دعوت‌کننده و اولین کسی که علائم را نشان داده دچار توبیخ و شماتت و احساس گناه شدید می‌شوند. بیماران کرونایی در قرنطینه از اضطراب آلوده کردن دیگران در چند روز نخست بی‌اطلاعی، آشفته بیخواب و ضعیف و مضطرب می‌گردند، دوستی‌هایی پایان می‌پذیرد، چراغ مهمانی‌ها خاموش می‌شود و فرزندان از والدین و بالعکس دوری می‌کنند تا مبادا عزیزشان به دست خودشان از میان برود و این صحنه‌ها گوشه‌ای از فعالیت‌های خارق‌العاده ضد اجتماعی بیماری کروناست. هم‌او که انسان‌ها را با هم نمی‌خواهد و هر تجمعی را برنمی‌تابد و مشتاق تعطیلی مکان‌های عمومی و تجربه‌های با هم بودگی است. چنانچه با قوانین سازگار نشوی یا از بیماری‌خواهی مردم یا از حس گناه یا داغ ننگ اجتماعی.

استیگمای اجتماعی سلامت، در ارتباط با بیماران کرونایی هر روز ابعاد جدیدی پیدا می‌کند. سازمان بهداشت جهانی سه عامل را پدیدآورنده وضعیت استیگمای اجتماعی حاصل از بیماری کرونا عنوان می‌کند: (۱) کووید ۱۹ بیماری نوپیدی است که هنوز ناشناخته‌های زیادی در مورد آن وجود دارد. (۲) ما اغلب از ناشناخته‌ها می‌ترسیم؛ و (۳) به‌راحتی این ترس را به دیگران منتقل و مرتبط می‌کنیم. ترس از اجتماع در افراد سالم به دلیل ناشناخته بودن پدیده، ناقلان بی‌علامت و بیماران و اعمال رفتارهای تبعیض‌آمیز، بی‌حرمتی و انگ‌زنی به فرد مبتلا در دایره استیگمای کرونایی قرار می‌گیرند. به دلیل مرموز و ناشناخته بودن کرونا، بیمار حتی در قرنطینه و به خصوص پس از طی دوران قرنطینگی و زمانیکه دیگر خطری برای انتقال ویروس به دیگران ندارد با داغ ننگ اجتماعی رو به رو خواهد بود. از این رو است که استیگمای سلامت می‌تواند برای مبتلایان و خانواده‌هایشان خسارت بار تر از خود بیماری باشد و حقوق انسانی و اجتماعی‌شان را تضییع نماید. برچسب زنی در موارد بسیاری، منجر به طرد فرد از محیط کار، تحصیل و حتی خانواده می‌شود و این می‌تواند منجر به مخاطرات جدی چون انکار و پنهان‌کاری بیماران کرونایی و عدم رعایت قرنطینگی توسط ایشان و به تبع آن گسترش روزافزون این اپیدمی گردد.

قوانین حمایتی از بیماران کرونایی منجر به مسئولیت‌پذیری، کاهش فشار روانی و افزایش صداقت در فرد مبتلا خواهد شد. رسانه‌ها همچنان و بدون وقفه باید در جهت آگاهی بخشی و فرهنگ‌سازی در جهت گذران روزگار کرونایی بازیگرانی فعال باشند. اگرچه کووید نوزده برای متخصصان سلامت نیز همچنان ابعاد ناشناخته بسیار دارد اما آگاهی بخشی از جنبه‌هایی که منجر به رفتار پیشگیرانه در افراد می‌شود و همچنین کنش همدلانه با بیماران را در سایه فهم بهتر از شرایط ابتلا و بهبود همراه خواهد داشت، برای سلامت روان افراد ضروری به نظر می‌رسد. اینکه فرد مبتلا زمان دقیق قرنطینگی را بداند و حتی در صورت بهبود، موعد مقرر را نگاه دارد مستلزم اطمینان او از پذیرش مجدد در میان افراد جامعه است. در نهایت این‌که زنده نگاه‌داشتن عشق به دیگری و امیدواری به آینده‌ای بهتر در قلب‌هایی که امروزه در تنهایی‌شان، ترجمان جدایی و گسیختگی شده‌اند، مفهوم مرکزی حفظ زندگی اجتماعی در شرایط کنونی است و عزم عمومی در پاسداشت این ریشه‌ها را می‌طلبد.

عادی‌سازی مناسبات اجتماعی بازتولید

فاجعه در وضعیت کرونا

سید محمد عاملی

نگرانی و هراس نسبت به یک تهدید، گام نخست مواجهه با آن خطر است و هر قدر این نگرانی بیشتر باشد، تبعاً می‌تواند نشان‌دهنده میزان اهمیت آن منبع خطر در ذهن افراد باشد. از این رو، میزان نگرانی افراد نسبت به شیوع ویروس کرونا و روند آن در چند ماه گذشته می‌تواند نشان دهد تا چه اندازه این بیماری فراگیر در سرایشی عادی شدن در زندگی شهروندان است. با کنار هم گذاشتن نتایج نظرسنجی‌ها مشخص می‌شود نگرانی مردم به تدریج با آغاز شیوع بیماری کرونا افزایش می‌یابد و در نیمه نخست اردیبهشت به اوج می‌رسد. اما از نیمه دوم اردیبهشت میزان نگرانی مردم سیر نزولی پیدا می‌کند و در نیمه دوم خرداد به پایین‌ترین حد خود می‌رسد.

از نتایج به دست آمده از آخرین نظرسنجی ایسپا و معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران می‌توان نتیجه گرفت جامعه وارد فاز عادی‌سازی دوران کرونا شده است، بدون آنکه هیچ دلیل موجهی برای آن وجود داشته باشد. شرایطی که در آن، افراد کمتر از ماه‌های نخستین ورود به دوران کرونا مسائل بهداشتی را رعایت می‌کنند، کمتر پیگیر اخبار کرونا و اساساً کمتر نگران بحرانی به نام شیوع ویروس کرونا هستند. در این میان، شاید نکته قابل توجه، نگرانی به نسبت بیشتر اقبال آسب‌پذیر جامعه (افراد مسن، افراد ساکن در مناطق کم‌برخوردار و زنان) در برابر بحران پیش‌روست. آمار نگران‌کننده افزایش کرونا در روزهای گذشته و جهش ناگهانی آن، بیش از هر چیز، بیانگر خطرناک بودن فرآیند عادی‌سازی روابط اجتماعی است. هیچ نظریه علمی تأییدشده‌ای دال بر کاهش خطر بیماری کرونا، تضعیف این ویروس یا کاهش احتمال ابتلا به آن وجود ندارد، اما آنچه عملاً شاهد آن هستیم نوعی خطرپذیری (بیشتر برای اقبال کم‌برخوردار) و سهل‌انگاری (از سوی اقبال برخوردار) فرآینده‌ای است که متأسفانه عملاً فرآیند مهار این ویروس را دچار وقفه کرده است. مسئله‌ای که در صورت تداوم آن، شاهد افزایش تصاعدی این بیماری و به تبع آن، افزایش تعداد قربانیان آن خواهیم بود.



آزاد: بنده بر این نظرم که اولین ضرورت، دستیابی به چارچوبها و الزامهای استقرار و نظم است. نظم است که در نهایت توسعه را می‌آفریند. توسعه نیز در نهایت نیروهایی اعم از بوروکرات، تکنوکرات و... تولید می‌کند و مناقشه میان آنها است

ایست بر نهادهای

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

دیدگاه

تقی آزاد ارمکی

دموکراسی آخرین پروژه ایران است

دموکراسی، آخرین پروژه ایران است، نه اولین پروژه آن. ما اصلاً از طریق دموکراسی به توسعه نخواهیم رسید؛ بلکه همواره چنین بوده که از دموکراسی به ایدئالیسم و رادیکالیسم و ایدئولوژی‌های رادیکال رسیده‌ایم. چنان‌که ۱۵۰ سال است که چنین مسیری را تجربه کرده‌ایم. ما ایدئولوژی‌سازی کردیم و جناح‌های رقیب سیاسی به سرکوب یکدیگر مشغول شدند. مسئله اساسی جامعه ایران، در وهله اول، نظم و استقرار است. پس ما در ابتدا به تئوری‌هایی نیاز داریم که جامعه ایران را مستقر کرده و پیوست آن را به لحاظ تاریخی با جهان توضیح دهد. پس از آن است که مسئله توسعه مطرح می‌شود، آن وقت است که این جامعه مستقرشده به نفس کشیدن، راه‌رفتن، مصرف کردن و... احتیاج دارد. این فرایند توسعه است. پس از توسعه است که شاید به دموکراسی برسیم؛ وگرنه کسانی که دموکراسی را به عنوان اولین پروژه می‌شناسند، نمی‌دانند که در حال بارکردن چه خطایی بر جامعه ایران هستند و چه پاشنه‌اشیلی را مستمر برای ایران ایجاد می‌کنند و ایران را در دام پرتگاه قرار می‌دهند؛ چراکه منازعات بنیادین مبتنی بر جهل برای دستیابی به دموکراسی وجود دارد. ما دموکراتیک‌ترین آدم‌ها را دیده‌ایم که سر آخر فاشیست از آب درآمده‌اند. نیروی دموکراسی خواه، حتماً اصلاح‌طلبی امروز نیز نخواهد بود. این نیروها اساساً دموکرات نیستند و کارشان نیز پیشبرد دموکراسی نیست؛ به‌همین دلیل هم هست که سیاست در ایران قفل کرده؛ چون انحصارطلبی وجود دارد. اگر پروژه ما به طور بنیادی، استقرار نظام، جامعه و فرهنگ باشد و از دل آن نیز توسعه درآید، آن وقت نیروهایی شکل می‌گرفتند که مناقشه‌های آنان، معنای دموکراتیک داشت و می‌توانستند از دموکراسی سخن بگویند. این روند به صورت مکوس، شدنی نیست؛ برای مثال، سیر آمریکا را مشاهده کنید. آمریکا در ابتدا مستقر می‌شود، سپس توسعه شکل می‌گیرد، بعد دموکراسی مبتنی بر نظام حقوقی جامعه از دل آن سر می‌زند. کشورهایی که خواستند اول دموکراسی را برقرار کنند، کشور خود را به جنگ کشاندند. هند، بهترین و شاخص‌ترین دموکراسی را در دنیا دارد. همه تلاش‌ها این است که خود را در میان لایه‌های متعدد اجتماعی، مستقر کند. همه مردم هند با آن تنوع دینی، اخلاقی، قومی و... در کنار هم زیست می‌کنند. دموکراسی باید نتیجه عمل باشد، نه اینکه خود مقدمه عمل شود. به طور خلاصه، بنده بر این نظرم که اولین ضرورت، دستیابی به چارچوبها و الزامهای استقرار و نظم است. نظم است که در نهایت توسعه را می‌آفریند. توسعه نیز در نهایت نیروهایی اعم از بوروکرات، تکنوکرات و... تولید می‌کند و مناقشه میان آنهاست که انواع مدیریت کشور یعنی دموکراسی‌خواهی را به نتیجه می‌رساند. این فرایند البته طولانی خواهد بود.

بمحمد فاضلی

دولت مقتدر شرط لازم توسعه است

بخشی از مصاحبه با

روزنامه شرق ۲۴ خرداد

۱۳۹۹

من جزو آن دسته‌ای هستم که فکر می‌کنم توسعه بدون دولت مقتدر، افسانه‌ای بیش نیست. البته دولت مقتدر شرط لازم است و شروط دیگری مانند قدرت جامعه هم ضروری است. عجم اوغلو و رایبسون در کتاب آخر خود «راه باریک آزادی» توضیح می‌دهند توسعه‌یافتگی کشورها نتیجه رقص متوازن تاریخی و نتیجه همکاری متوازن دولت و جامعه است؛ یعنی برای توسعه به یک جامعه مدنی قوی، بخش خصوصی قوی و دولت قوی نیاز داریم. البته متأسفانه هیچ راهکار شناخته‌شده‌ای در جهان وجود ندارد که بطور می‌توان همزمان این دو، یعنی دولت و جامعه را قوی کرد. این فرآیند حاصل یک درهم‌پیچ تاریخی دولت و ملت است. بنابراین جزو دسته‌ای هستم که معتقدم بدون دولت مقتدر یا دولت با ظرفیت و توانمند که خشونت آن کنترل شده باشد، توسعه ممکن نیست. تأکید بر ضرورت کنترل خشونت به این دلیل است که دولت‌های ظرفیت‌دار، ظرفیتی هم برای خشونت دارند و اگر ظرفیت یک دولت بالا باشد، اما خشونت آن کنترل نشود، فاجعه به بار می‌آورد. آلمان هیتلری دولت مقتدر و با ظرفیتی است که یکی از پیچیده‌ترین بوروکراسی‌ها را داشت. فرانسویس فوکویاما در کتاب «نظم و زوال سیاسی» درباره دولت آلمان می‌گوید بوروکراسی این کشور آنقدر قوی بود که حتی نازی‌ها نتوانستند مقامات بوروکراسی را عوض کنند و کارمندان و کارشناسان بوروکراسی، قبل و بعد هیتلر ۸۵ درصد ثابت باقی ماندند. این امر نشان می‌دهد دولت شدت قدرتمند است و توانسته است آلمان را از بحران اقتصادی بعد جنگ جهانی اول نجات بدهد، اما درعین حال قدرتی است که هیچ مانی جلودار آن نیست و فاجعه می‌آفریند؛ بنابراین ما باید دولت مقتدر و با ظرفیت ایجاد کنیم و همزمان با مهار خشونت آن، جامعه‌ای قدرتمند هم داشته باشیم. که هر لحظه هم امکان بازگشت وجود دارد.

هادی خانیکی

اولویت صداقت بر امید در ارتباطات

بحران

کرونا باعث شد جامعه به شرایط جدیدی پرتاب شود و حوزه‌هایی مانند اقتصاد و آموزش، خود را سریعاً برای فعالیت در این شرایط آماده



کند. در شرایط مقابله با شیوع کرونا، برای اطلاع‌رسانی و رساندن پیام نمی‌توان تنها به کشتگران رسانه‌ای دستورالعمل داد، بلکه باید به ساختارها و جامعه مخاطبان نیز توجه کرد. در این شرایط، باید بر سر چند اصل به توافق برسیم، جامعه ما به صورت خاص و جامعه جهانی به صورت عام، با دو مسئله بحرانی روبه‌روست؛ مسئله اول، بحران‌های طبیعی مانند کم‌آبی و گرم‌شدن زمین و زلزله و غیره و دیگری جامعه‌ای که همواره در معرض تهدید و دائماً دستخوش تغییر است، ما همیشه در مقطع حساس هستیم و لذا زیستن در بحران باید جزئی از زندگی ما باشد. با این قیدها، جامعه ما برای مدیریت بحران سه الزام بزرگ دارد؛ حکمرانی خوب (مدیریت درست تر شرایط)، توانمندسازی جامعه مدنی (تقویت جامعه مدنی و نهادهای مدنی) و تقویت شهروند مسئول.

در حالی که امروز چندگانگی فهم از خطر در جامعه وجود دارد. به‌عادل رساندن بیم و نگرانی در سطح جامعه، منجر به بدعملی و بی‌عملی می‌شود. عدم قطعیت‌های مرتبط با اپیدمی باید به درک مشترک در سطح جامعه تبدیل شود.

درستی‌آزمایی برای ارتباطات دوران کرونا و پساکرونا اهمیت بالایی دارد و در این میان، باید کل‌نهادهای دیگر مانند انجمن‌های علمی، نهادهای مدنی و شبکه‌های اجتماعی در کنار نهادهای رسمی و حاکمیتی به‌کار گرفته شوند.

هر پرتاب‌شدنی هم تهدید دارد و هم فرصت، به عنوان نمونه، دولت الکترونیک به دلیل اجبار و مقتضای شرایط کرونا شکل گرفت و در سه حوزه اقتصاد، مدیریت و روایی در جامعه ظرفیت‌های تازه ایجاد شد. در شرایط بحران کرونا، به عملکرد رسانه‌ها نمره قبولی می‌دهم. اجبارهایی در رسانه‌ها رخ داد، رسانه‌های نوشتاری در حوزه انتشار محدود و مجبور شدند خود را با شرایط جدید وفق دهند. امروز با نوع جدیدی از روزنامه‌نگاری مواجه هستیم و حتی صدا و سیما مجبور شد برخی از سیاست‌های گذشته خود را تغییر دهد.



ژاپن هم‌اکنون سالخورده‌ترین جمعیت دنیا را دارد و اتفاقاً از جمله پیشرفته‌ترین کشورهای دنیاست.

ایف‌بی‌سی

دیدگاه

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

محمد میرزایی

سالخوردگی جمعیت عیب نیست

شرق: ۴ تیر ۱۳۹۹

این روزها در مطبوعات و رسانه‌های تصویری و شبکه‌های اجتماعی غوغایی از قول برخی به‌اصطلاح کارشناسان یا نمایندگان مجلس و... در رابطه با جمعیت با تیرهای موهوم و معجول و با فاصله‌ای بعید از واقعیت به راه افتاده است که نسبتی با علم ندارد. غوغاگران به بهانه پیرشدن جمعیت هول و هراس در دل مردم و مسئولان می‌اندازند و هیئات از روزی که قرار باشد براساس این تحلیل‌های غلط مبتنی بر گزاره‌های باطل، قانون تصویب کنند. به همین خاطر، رسالت خود را در این دیدم که به‌عنوان یک معلم جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و به‌عنوان کسی که بیش از ۵۰ سال از عمر خود را مصروف جمعیت‌شناسی و جمعیت‌پژوهی کرده و کسی که دلش برای مُلک و ملت و دین می‌تپد، توضیحاتی روشن‌گر در این زمینه ارائه دهم.

روند تغییر و تحولات جمعیتی، پویایی و پیچیدگی‌هایی دارد که باید براساس مبانی علمی و توسط جمعیت‌شناسان خیره‌ارزیایی و درباره آنها اظهارنظر شود. کشور ما به خاطر انبوه متولدان دهه ۶۰، اینک در مرحلهٔ پنجرهٔ جمعیتی قرار گرفته که نوسانات ساختار سنی از بارزترین ویژگی‌های آن است. هنگامی که اواخر دهه ۱۳۸۰ موج دهه‌شصتی‌ها به نقطه اوج ازدواج و فرزندآوری (۲۰ تا ۳۵ سالگی) رسید، میزان ازدواج حدوداً دوبرابر شد و موالید هم سیر صعودی گرفت و به بیش از یک‌ونیم میلیون تولد در سال افزایش یافت.

از اواسط دهه ۱۳۹۰ دهه‌شصتی‌ها به رده سنی ۳۰ تا ۴۵ سالگی رسیدند و از نقطه اوج خارج شدند که علت اصلی کاهش ازدواج، موالید و به تبع آن میزان رشد سالانه جمعیت در سال‌های اخیر است و این پدیده‌ای کاملاً طبیعی است و مطلقاً معنی بحران ندارد. در سال ۱۴۳۰ دهه‌شصتی‌ها به‌طور طبیعی به سنین سالخوردگی و ۶۵ سال به بالا خواهند رسید. در این زمان ساختار سنی کشور سالخورده خواهد شد، نوسانات ساختار سنی فروکش خواهد کرد و به

رشد ذاتی جمعیت خواهیم رسید. به عبارت بهتر، انبوه متولدان دهه ۶۰ که هرم جمعیت کشور را دچار برآمدگی یا بیرون‌زدگی غیرطبیعی کردند، در مقطعی جمعیت نونهالان و خردسالان را به‌طور غیرطبیعی بالا بردند و مشکلاتی خلق کردند و در مقطعی جمعیت کودکان و نوجوانان را بالا بردند و کمبودهای شدیدی به‌ویژه در حوزه آموزش به وجود آوردند و در مقطعی - که تاکنون هم ادامه دارد - جمعیت جوانان را افزایش دادند و کمبودهای شدیدی در حوزه‌های اشتغال، سرمایه‌گذاری، مسکن و رفاه و... خلق کردند، طبعاً وقتی به سن سالخوردگی هم برسند، مشکلاتی به‌وجود می‌آورند و نهایتاً از آن سن هم عبور می‌کنند و دوباره ساختار سنی جامعه طبیعی می‌شود (از شکل هرمی به شکل استوانه‌ای و مطلوب تغییر می‌یابد).

نکتهٔ مهم اینجاست که راه اصلاح برآمدگی در هرم سنی این نیست که با هزار جور و جهد در افزایش زادوولد، برآمدگی غیرطبیعی دیگری در هرم سنی به وجود آوریم بلکه راه آن، ایجاد اشتغال پایدار، بالابردن سطح رفاه و شاخص‌های تعالی و منزلت انسان و توانمندکردن جمعیت در آستانهٔ سالخوردگی است.

فراموش نکنیم با افزایش ناگهانی رشد جمعیت، جمعیت سالخورده کاهش نمی‌یابد، بلکه به جمعیت نوزاد، نونهال، کودک و... اضافه می‌شود. چنانچه با برنامه‌ریزی، ایجاد اشتغال، امنیت اقتصادی و روانی - و نه روش‌های ناپجا و ناکارآمد پرداخت پول - ازدواج تسهیل شود و با ارتقای سطح سلامت فرهنگی و روانی جامعه، ازدواج‌ها «پایدار» شوند، در یکی، دو دهه آتی میانگین میزان باروری کم‌وبیش در سطح جانشینی حفظ می‌شود و به‌هنگام سالخوردگی جمعیت - که امری گریزناپذیر است - در ورطهٔ رشد منفی نخواهیم افتاد.

سالخوردگی جمعیت یک مفهوم آماری است، درحالی‌که پیری جنبهٔ بیولوژیک و فردی دارد. با هزار تأسف برخی جمعیت‌شناسی نخوانده‌های مدعی، به جای واژه «سالخوردگی» جمعیت، به غلط «پیری» جمعیت را به‌کار می‌برند.

ما به هیچ‌روی حق نداریم از سالخوردگی جمعیت هول و هراس بیافرینیم. همهٔ ما، حتی جوان‌ترین آدم‌ها، در زمانی نه‌چندان دور به ۶۵ سالگی می‌رسیم و طبق تعریف در زمرهٔ جمعیت سالخورده قرار می‌گیریم. آیا رواست ادبیاتی به کار بگیریم که انگار جمعیت سالخورده برای ملک و ملت حکم بار اضافه را دارند و خطرناک‌اند؛ آن هم در فرهنگی که این همه حرمت برای سالخوردگان و موی و ریش سپید قائل است؟

ژاپن هم‌اکنون سالخورده‌ترین جمعیت دنیا را دارد و اتفاقاً از جمله پیشرفته‌ترین کشورهای دنیاست. هیچ‌وقت هم در رسانه و مجلس و دولتش این چنین بلوا و هراس‌آفرینی و هوجوی‌گری به راه نمی‌اندازند. توجه داشته باشید طبق آخرین آمار فقط شش درصد جمعیت ایران در سن سالخوردگی هستند، درحالی‌که ۲۸ درصد جمعیت ژاپن در این سن قرار دارند. کشورهای قاره اروپا عموماً بیش از ۷۰ سال است که جمعیت سالخورده دارند.

در نیمه دوم قرن ۲۱ میلادی، همهٔ کشورهای جهان (حتی قارهٔ آفریقا) ساختار سنی سالخورده خواهند داشت و این اتفاقی کاملاً طبیعی است که کسانی که از دانش جمعیت‌شناسی بی‌بهره‌اند، از آن به‌عنوان بحران (!) یاد می‌کنند. بزرگ‌ترین دانشمندان ما، بهترین پزشکان ما، بادانش‌ترین استادان ما و اکثر مسئولان، سیاست‌مداران، مدیران، متفکران و علمای ما در سنین سالخوردگی‌اند و با انباشت دانش و تجربه به کشور و ملک و سرزمین و ملت خدمت می‌کنند. اصلاً روا نیست بی‌جهت مردم و مسئولان را از پدیده‌ای تا بدین‌سان طبیعی بترسانیم.



انتظاری: مناسک و نمادها، باورها و اعتقادات را نمایندگی می‌کنند. اینها ظرف اعتقاداتند. مناسک و نمادها و حرم‌ها در واقع ظرف دین هستند. برای تداوم هر اعتقادی حتماً نیاز به آن ظرف وجود دارد. حرم‌ها در طول تاریخ عملاً این نقش را بر عهده داشته‌اند. همین ظرف، ما را به تاریخ شیعه متصل کرده است.

ایستادگی و پایداری

دیدگاه

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

علی انتظاری

هم پناهگاه مردم، هم منشأ تحولات

دولت آینده توتالیتر، علمی و تکنوکرات

خواهد بود

ابراهیم فیاض

الان در حوزه‌های علمیه عده‌ای می‌گویند ما فقط طلبه‌ایم و بیش از این از ما انتظار نداشته باشید. پروتستان‌تیسیم همچنان طبعی داشت. پروتستان‌تیسیم سلفی‌گراتر از کاتولیسیم بود. پروتستان‌ها به کاتولیک‌ها می‌گفتند ما دینداری شما را قبول نداریم و می‌خواهیم برگردیم به دین اولیه. الان هم در قم عده‌ای می‌گویند ما باید به دین سلفی برگردیم تا بتوانیم دین را حفظ کنیم. اینها معتقدند دین عملگرا در حال فروپاشی است و باید دینی سلفی عرضه کنند تا سیاست به دین لطمه نزند. در سال‌های بعد از انقلاب، دینی عملگرا به وجود آمد و در واکنش به این پدیده، الان در قم نوعی پروتستان‌تیسیم در حال به وجود آمدن است که متضمن نوعی سلفی‌گری به قصد حفظ دین است و این رویکرد به زیان دین عملگراست. با کناررفتن دین عملگرا، نوعی تکنوکراسی بومی پدید خواهد آمد که کارگزارانش نسل جدیدی است که متدین اما تکنوکرات است. در این روند، پرخاشگری هم اوج می‌گیرد تا ما به یک رییس‌جمهور توتالیتر برسیم. این سرنوشت محتوم ایران است و من در این امر تردیدی ندارم.

مذهبی در طول تاریخ همواره منشأ تحولات و جریان‌های اجتماعی و پایگاهی علیه قدرت‌های مستبدی بودند که در طول تاریخ یکه‌تازی می‌کردند. نهاد حرم و نهادهای دیگر مذهبی، پناهگاهی برای مردم به منظور این مواجهه بوده‌اند.

گوهرشاد حمله می‌کند، نشان از این داشته که حرم پناهگاهی برای مردم جهت مقابله با جریان سیاسی حاکم بوده است که منجر به برخوردی می‌شود که حکومت با این نهادهای دینی می‌کند.

حرم می‌تواند منشأ ارادت مردم و مقاومت آنها در برابر استبداد باشد و می‌تواند الهام‌بخش قوه نقاد مردم باشد، همچنین چارچوب اصل اساسی امر به معروف و نهی از منکر که بیشتر متوجه نقد قدرت است را فعال می‌کند.

لذا حکومت‌ها همیشه نسبت به مساله حرم حساس بوده‌اند و تلاش می‌کردند به‌وجوه مختلف با آن مقابله کنند؛ یا آن را از بین ببرند یا به‌نوعی اهمیت آن را کم کنند و از میزان توجه مردم بکاهند. نقش این نمادها در جامعه این است که بتوانند باورها و ارزش‌ها را حفظ کنند. ما اگر بخواهیم جامعه را بشناسیم، با اقوال افواهی ممکن نیست، بلکه جامعه را با مناسک و نمادهایی که در جامعه وجود دارد می‌توان شناخت. آن نمادها، نمایشگر باورها و اعتقادات مردم هستند.

اگر دین باقی است به‌واسطه مناسک باقی است. در مسیحیت هم کلیسا دین را حفظ کرده است ولو اینکه با تحریف مواجه شده باشد. جامعه‌شناسان وقتی می‌خواهند در مورد باورها و اعتقادات یک جامعه مطالعه کنند روی نمادها و مناسک مطالعه می‌کنند.

مناسک و نمادها، باورها و اعتقادات را نمایندگی می‌کنند. اینها ظرف اعتقاداتند. مناسک و نمادها و حرم‌ها، در واقع، ظرف دین هستند. برای تداوم هر اعتقادی حتماً نیاز به آن ظرف وجود دارد. حرم‌ها در طول تاریخ عملاً این نقش را بر عهده داشته‌اند. همین ظرف، ما را به تاریخ شیعه متصل کرده است. اگر این ظرف نبود، این اتصال هم برقرار نبود. حیات دینی جامعه وابسته به ظرفی مانند حرم‌هاست. همین که مردم به‌صورت جمعی در حرم‌ها ادای احترام می‌کنند، باعث اتصال آنها به دین می‌شود. اگر اینها نبود تفکر شیعی ادامه پیدا نمی‌کرد. می‌توان گفت نمادهای

نهاد دینی نه فقط در جامعه ما بلکه در همه جوامع، در تحركات و جریان‌ها، محوری بوده و در شکل‌گیری سایر نهادهای اجتماعی نقشی فعال دارد. نهاد حرم براساس یک نیاز اجتماعی و تاریخی شکل گرفته است. چون براساس این نیاز به وجود آمده، قطعاً ارتباط وثیقی با جریان‌های اجتماعی دوره‌های مختلف پیدا می‌کند.

در طول تاریخ، بسیاری از حرکت‌ها از جمله شکل‌گیری انقلاب اسلامی و همچنین حفظ ارزش‌های دینی مردم وابسته به نهاد حرم بوده است. نظام شاهنشاهی شرایطی را برای نوسازی شبه‌غربی در ایران از سینما و تئاتر گرفته تا وضع پوشش و... به وجود آورده بود و تمام توان و بودجه و رسانه‌ها را در این مسیر بسیج کرده بود تا یک مدل غربی در ایران بسازد. با وجود همه این کارها که از دوره رضاخان آغاز شد و در دوره بعدی با شدت پیگیری شد، می‌بینیم که انقلاب با گرایش دینی شکل می‌گیرد و گرایش دینی مردم در قالب همین نهادهای دینی قوام می‌گیرد که مهم‌ترین آنها، همان مسجد و حرم‌های مطهر بوده است.

در طول تاریخ می‌بینیم که حرم امام حسین (ع) هم چنین ظرفیتی داشته است. راهپیمایی اربعین یک حرکت سیاسی بوده که همیشه دولت‌ها با آن مشکل داشته‌اند. پیاده‌روی به این منظور به وجود آمده بود که با اقداماتی که حکومت‌ها برای تضعیف علاقه و ارادت مردم به امام حسین (ع) انجام می‌دادند، مقابله کند. در دوره صدام پیاده‌روی اربعین ممنوع می‌شود و این ممنوعیت، در مردم مقاومت ایجاد کرده و وقتی که صدام سقوط می‌کند این پیاده‌روی تدریجاً رونق پیدا کرد که الان تبدیل به یک جریان خیلی مهم بشری شده که در تاریخ بشر سابقه نداشته است.

شبهه این اتفاق، در طول تاریخ، در ارتباطی که مردم با حرم داشته‌اند، رخ داده است؛ مثلاً وقتی مردم در حرم‌ها تحصن می‌کنند یا رضاخان به مسجد



کرمی: باید اعتراف کرد که دوربین سینمای ما ناتوان است؛ دوربین سینمای ایران در نمایش فقر پرت و خسته است. از سوی دیگر باید گفت که زیست لاکچری هم جزو جاذبه‌های سینما شده است.

امان الله قرایی مقدم

قطع ریشه اعتیاد چگونه امکان‌پذیر است؟



تلاش‌های اجتماعی برای برانگیزنده به اعتیاد گسترده است، عوامل بازدارنده، قدرت مانور کمتری دارند. عوامل برانگیزنده اعتیاد، یک منظومه متعددابعاد و اجزا با سطوح و جنبه‌ها و جلوه‌های گوناگون است که هر لحظه در حال تغییر چهره هستند، برای قطع ریشه‌های اختاپوس اعتیاد در جامعه، باید قدرت عمل و مانور عوامل بازدارنده افزایش یابد. وقتی عوامل برانگیزنده فرد به سمت اعتیاد از قبیل خانواده ناپایدار، فقر، بیکاری، نداری، دوستان ناباب، ضعف اعتقادات و باورهای زندگی، محل زندگی پرخطر و بسیاری موارد دیگر وجود داشته باشد؛ به‌درستی کاری از دست کسی ساخته نیست. در همه مناطق، احتمال معتادشدن وجود دارد اما در محله‌های پُرخطر، احتمال مصرف بیشتر می‌شود، شکی نیست که در مناطق پردرآمد و نسبتاً مطلوب هم اعتیاد وجود دارد، اما عوامل آن به‌نوعی فرق دارد. در مناطق به‌اصطلاح مرفه جامعه، عوامل برانگیزنده، برگزارکردن میهمانی و دورهمی‌های شبانه، اعتیاد و سیگار کشیدن والدین به خصوص مادر، نبود نظارت جدی بر فرزندان و دادن پول توجیبی‌های زیاد به آنان است. ضمن اینکه گروه دوستان و همسالان هم نقش بسزایی در تشدید این عوامل برانگیزنده دارند. وقتی دانش‌آموزی برای رفتن به مدرسه از کنار پارک هرندی می‌گذرد و هر روز شاهد صحنه‌های کشیدن مواد، افتادن

افراد در جوی آب و انواع ابزارآلات مصرف مواد مخدر است، چه انتظاری از او است که در کوچکترین تنگنای زندگی به سمت مصرف کشیده نشود. بیکاری، ام‌الافساد و بستر مهم اعتیاد است، اینکه شاهدیم مصرف مواد در میان جوانان افزایش یافته، بیکاری و نامیدی از آینده است. در کنار عوامل برانگیزنده از نوع مادر، پدر، نوع سرپرستی، اعتقادات، فقر، دوستان ناباب، عوامل بازدارنده همچون پلیس، دستگاه قضا و زندان نهادینه شده است، این عوامل بازدارنده نمی‌تواند جلوی عوامل برانگیزنده مقاومت کند، چراکه عوامل برانگیزنده از در و دیوار می‌ریزد، در نتیجه، نمی‌توان بدون درست کردن زیرساخت‌ها و بسترها، در مقابل این عوامل بازدارنده بود. به‌عبارتی دیگر، وقتی مهارت زندگی، قدرت نه گفتن، وظیفه‌مداری و مسئولیت‌پذیری را به جوانان نیاموخته‌ایم، چطور توقع داریم مانع و سد راه به‌خلاف کشیده نشدن آنان باشیم. عامل بی‌عمل‌ناشیم، ذات هیچ انسانی مجرم و جرم‌فطری، ارثی و نژادی نیست بلکه جامعه افراد را معتاد می‌کند. چنانچه در مورد تخریب و پاکسازی، محله‌هایی همچون خاک‌سفید دیدیم که فساد با بولدور از بین نرفت و از روی زمین به زیرزمین کشیده شد. پس تا بسترهای اجتماعی و عوامل برانگیزنده مصرف مواد مخدر درمان نشود، قوانین و اجرای آن، قدرت بازدارندگی خود را از دست می‌دهند.

محمدتقی کرمی

سریال‌های لاکچری برای جوانان حسرت ایجاد کرده است

تسنیم: ۷ تیر ۱۳۹۹

جامعه دارد می‌شود. این رویه باعث می‌شود که در آینده با یک موج واگرایی جوانان نسبت به زندگی مواجه خواهیم شویم؛ جوانی که خیلی از تخیلات و علاقه‌های ذهنی را می‌خواهد داشته باشد اما به دلیل آنکه نمی‌تواند، دچار عصیان و خوی خشن می‌شود. وقتی جوانی ببیند که فلان شخصیت در زندگی خود چیزهایی دارد که او در خواب هم نمی‌بیند، و او هم همان را دوست داشته باشد اما نمی‌تواند، دچار عصیان می‌شود و دست به سرقت و اغتشاش می‌زند. رویه عام سینمای ما این شده است هرکس که فقیر باشد از سرمایه فرهنگی و اخلاقی بدی نیز برخوردار است و طبقه بالاشهری جامعه که ثروت زیادی دارد از سرمایه فرهنگی و اخلاقی بیشتری برخوردار است. میزان خطر و نقصان این تفکر به‌حدی بالا است که تبعات فاجعه‌بار آن، به‌مرور خود را نشان خواهد داد. زمانی که یک جوان پایین‌شهری برای پیشرفت فرهنگی خود فکر می‌کند که باید ثروتمند باشد و زندگی لوکس داشته باشد، این یعنی بر ساخت غیراخلاقی فقر را در سینمای ایران. به‌عنوان مثال در همان فیلم آینه بغل، کاراکتر جوان فیلم که در شرف ازدواج است، آدم ابله فریب‌خورده‌ای است که به هر چیزی تن می‌دهد یا در سریال عاشقانه، زنی برای رسیدن به مقاصدش، زن صیغه‌ای یک مرد مسن ثروتمند می‌شود. درست است که به‌نوعی قهرمان بود، اما قهرمانی که سرمایه فرهنگی و اجتماعی بسیار کمی داشت و به‌جای آن، از سرمایه جنسی خود بهره می‌گیرد. هیچ خطری بالاتر از این نیست که شما نگاه غیراخلاقی به طبقات پایین شهر داشته باشید و طبقه فقیر جامعه را بی‌اخلاق نمایش دهید.

علت اینکه نمایش خانگی و سریال‌های آن مورد توجه زیاد مردم قرار گرفت و رواج پیدا کرد، برمی‌گردد به کم‌کاری صداوسیما در سال‌های اخیر. به‌نظرم واقعیت این است که صداوسیما با بحران تولید مواجه شده است و این بحران هم در شبکه‌های اصلی آن معلوم است، زیرا شبکه‌هایی مانند آی‌فیلم و شبکه نسیم و بعضاً شبکه‌های دیگر دارند با نمایش تولیدات دهه ۸۰ و ۷۰ مخاطب را پای تلویزیون نگه می‌دارند و برای نمونه می‌توان به آمار بالای مخاطب برای سریال‌های این دو دهه توجه کرد. این بحران باعث شده است که رقاباتی ایجاد بشود و در نتیجه شبکه‌های ماهواره‌ای و سریال‌های ترکیه‌ای و سریال‌های ایرانی که هم‌عرض آن‌ها تولید شده‌اند به‌خوبی دیده شوند. باید اعتراف کرد که دوربین سینمای ما ناتوان است؛ دوربین سینمای ایران در نمایش فقر پرت و خسته است. از سوی دیگر باید گفت که زیست لاکچری هم جزو جاذبه‌های سینما شده است. زمانی که بخواهید در سینما جذابیت داشته باشید، سینماگر طنز و اکشن به‌کار می‌گیرد، دوربین هم علاقه دارد که ترحمات را به تصویر بکشد، اما این موضوع نباید باعث شود که ما از تأثیرات مخرب آن غافل شویم. متأسفانه هرچقدر جامعه فقیرتر می‌شود اقبال به این فیلم‌ها و سریال‌ها بیشتر می‌شود، چون آدم‌ها بخشی از تخیلات خود را همپای آنها پیش می‌برند و این مسئله کنار آن پیامدهای بلندمدت خیلی خطرناکی خواهد داشت. صرف‌نظر از اینکه اساساً قناعت، از ارزش‌های بنیادین جامعه ما است، متأسفانه جامعه ما از این نظر دچار آسیب ضدفرهنگی شده است و گویا تجمل‌گرایی از محسنات



مشفق: ما باید گروه‌های هدفی که در فرزندآوری مسئله دارند یا میزان باروری کم آنها را شناسایی کنیم و از طریق برنامه‌های مختلف آنها را مدیریت کنیم که بروند به طرف ازدواج و فرزندآوری و آن سیکل تشکیل خانواده و فرزندآوری را اجرا کنند.

اینست‌نخبه‌ها

دیدگاه

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

محمود مشفق

تعادل بخشی کمی و کیفی در جمعیت

بعضی از دوستان جمعیت‌شناس یا متخصصین می‌گویند سالمندی اجتناب‌ناپذیر است. اما آیا چون یک پدیده اجتناب‌ناپذیر است ما باید دست روی دست بگذاریم و برای این دوره زمانی برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام ندهیم. بنابراین چون سیاست اجتناب‌ناپذیر است، باید در موردش فکر و برنامه‌ریزی کنیم. به نظر من، یکی از مهم‌ترین، اصلی‌ترین و در واقع، پرچالش‌ترین و پرتنش‌ترین مسائلی که ما در سال‌های آینده از همین امروز با آن مواجه هستیم بحث سالمندی جمعیت هست و باید واقعاً در این زمینه سیاست‌گذاری‌های قرص و محکمی داشته باشیم که در این زمینه در واقع ما گام برداریم. سیاست‌هایی که ما الان در بحث جمعیت می‌توانیم داشته باشیم، به نظر من، همان مطابق با سیاست‌های ابلاغیه مقام معظم رهبری باید باشد. از یک سو، ما باید برویم به بحث اینکه هرم سنی مان را نگذاریم از تعادل و توازن ساختاری خارج شود و میزان باروری کل را در سطح 1/2 حفظ بکنیم. البته بحث افزایش باروری باید به گونه‌ای هوشمندانه و حساب‌شده باشد، یعنی روی گروه‌های هدفی که باروری خیلی پایین دارند نه آن گروه‌هایی که هم در شرایط فقر به سر می‌برند هم اعضای خانواده آنها خیلی زیاد است که خودش مشکلات زیادی ایجاد می‌کند.

ما باید گروه‌های هدفی که در فرزندآوری مسئله دارند یا میزان باروری کم آنها را شناسایی کنیم و از طریق برنامه‌های مختلف، آنها را مدیریت کنیم که بروند به طرف ازدواج و فرزندآوری و آن سیکل تشکیل خانواده و فرزندآوری را اجرا کنند. از طرف دیگر، ما باید برویم روی بحث

سیاست‌های پیش‌دستانه و پیشگیرانه برای مواجهه با سالمندی جمعیت. هدف سیاست‌های ابلاغی، تعادل‌بخشی کمی و کیفی جمعیت است. ما نمی‌توانیم به‌صورت دوقطبی نگاه کنیم که آیا اول به افزایش جمعیت و کمیت جمعیت توجه کنیم یا کیفیت. اینها دو قطب متقابل هم نیستند بلکه دو قطب در کنار هم هستند. از طرفی ما باید برویم به سوی تعادل کمی و تعادل کیفی، زیرا هر دو آنها، روی هم تأثیر می‌گذارند، یعنی از یک سو کمیت جمعیت روی کیفیت تأثیر می‌گذارد و از طرف دیگر، کیفیت روی کمیت تأثیر می‌گذارد. برای مثال، زمانی که سیاست‌های کیفی جمعیت وجود دارد، می‌رود به سمت بهبود نسل، پیشگیری از ازدواج‌های فامیلی و بهبود تغذیه و مجموعه وسیعی از گزینه‌های دیگری که کمک می‌کند تا یک نسل از نظر توانمندی‌های جسمی و ذهنی و توانمندی‌های فرهنگی و اجتماعی ارتقا پیدا می‌کند. بحث کیفیت جمعیت از نظر آموزش هم مهم است، یعنی آموزش‌هایی که می‌تواند از انسان‌هایی که در ایران زندگی می‌کنند، آدم‌های موثر و مفید برای کشور و برای فرهنگ و برای اخلاق ساخته شود. بنابراین وقتی من دنبال افزایش ذخیره هستم (ذخیره سرمایه انسانی)، ذخیره چه چیزی را ببرم بالا، آیا آدم‌های کم‌توان و ناتوان و آموزش‌ندیده و بیمار که سربار جامعه هستند یا کسانی را باید افزایش دهم که آنها خودشان لیدر هستند و خودشان تحول‌آفرینند و هم زندگی خودشان و دیگران را مدیریت می‌کنند. بنابراین نمی‌شود بگوییم به کمیت بپردازیم یا کیفیت؛ هر دوی اینها به موازات هم باید پیش بروند و ما باید به هر دو بعد توجه کنیم.

پرمصرف‌ترین روان‌گردان‌ها در ایران

محمد زارع

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های کشورهای درگیر با مواد مخدر و اعتیاد تغییراتی است که در الگوی مصرف، میان دسته‌ای از مصرف‌کنندگان پدیدار می‌شود. ظهور مواد جدید، افزایش قیمت تمام شده مواد رایج (به دلایل مختلف)، مسدود شدن مسیرهای رایج ترانزیت و قاچاق، کشف پیش‌سازهای جدید و تغییر در فرمول شیمیایی مواد است. در سال‌های اخیر این روند در کشور به سمت مصرف مواد صنعتی و کاهش میزان مصرف مواد سنتی حرکت کرده است (اگرچه تریاک به عنوان ماده‌ای سنتی همچنان در ایران رایج‌ترین ماده مخدر است). با توجه به اقلیم، سبک زندگی و فرهنگ‌های متفاوت در مناطق مختلف، کانون‌های کشت، تولید و قاچاق جهان در هر منطقه ماده خاصی را که بازار بهتری دارد تولید و روانه بازار مصرف می‌کنند؛ برای مثال کشت خشخاش و تولید تریاک در افغانستان باعث شده بازار مصرف قابل توجهی در کشورهای پیرامونی آن شکل گیرد. در هر منطقه بسته به اینکه کدام یک از مواد قابلیت کشت دارد و از جذابیت بیشتری برای مصرف‌کنندگان برخوردار است. در ایران به طور سنتی مخدر تریاک رایج‌ترین ماده مصرفی بوده است. تریاک که طبق آخرین شیوع‌شناسی انجام شده در ایران در سال ۱۳۹۴ اندکی بیش از ۵۰ درصد مصرف کلی کشور را به خود اختصاص داده، همچنان در صدر جدول مصرف ایران قرار دارد. طبق این شیوع‌شناسی در حال حاضر دومین ماده پر مصرف در

کشور گل است که نزدیک به ۱۲ درصد مصرف‌کنندگان را مشغول به خود کرده و ماده محرک شیشه نیز با ۹ درصد در جایگاه سوم قرار دارد. ۳۰ درصد باقی مانده میان سایر مواد دیگر نظیر کراک، هروئین، حشیش و اکستازی تقسیم‌بندی می‌شود. با این وجود اگر به شیوع‌شناسی سال ۱۳۹۰ (یعنی تنها چهار سال قبل از آخرین شیوع‌شناسی انجام شده در کشور) نگاهی کنیم، تحول قابل توجهی را در الگوی مصرف ایرانیان خواهیم یافت؛ در سال ۱۳۹۰ محرک گل که در سال ۱۳۹۴ به جایگاه دوم رسیده، هنوز بین پنج ماده مصرفی نخست نیز نبوده است. در این سال تریاک با ۵۵ درصد در صدر جدول قرار داشته، اما شیشه با ۲۶ درصد در جایگاه دوم قرار داشته است و ۱۵/۹ درصد مصرف‌کنندگان نیز کراک مصرف می‌کرده‌اند. هروئین با ۹/۸ درصد، حشیش با ۶/۴ درصد و اکستازی با ۳/۱ درصد به ترتیب در رده‌های چهارم تا ششم قرار داشته‌اند. تحولاتی که در الگوی مصرف میان مصرف‌کنندگان ایرانی رخ داده اولاً نشان‌دهنده ماهیت متغیر بازارهای مواد در کشورهای مختلف است و از سوی دیگر نیز حاکی از حرکت فزاینده به سوی مصرف مواد صنعتی تر و کاسته شدن از مصرف مواد سنتی است. پیمایش‌ها و نظرسنجی‌های انجام شده در کشور نیز نشان می‌دهد، بخش مهمی از مصرف‌کنندگان گل، اعتقاد دارند این ماده اعتیادآور نیست. مصرف ۶ نوع ماده روانگردان جدید در کشورمان بیش از سایر NPSها گزارش شده که شامل دستمال، قرص‌های اکستازی، کمیکال، ال.اس.دی و نمک حمام می‌شود.



محدثی: خشونت فرهنگی، خشونت است که ریشه در عناصر فرهنگی ما دارد و به نوع نگرش، اعتقادات و باورها و رفتارهای ما مربوط می‌شود که از دل آن آشکالی از خشونت بیرون می‌آید.

ایستگاه

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

دیدگاه

مدیریت بحران در ایران بسیار ضعیف است

سعید مدنی

* اولاً به‌طور کلی باید تأکید کنم که چه در ارتباط با بحران کرونا و چه در ارتباط با بحران‌های زیست‌محیطی و بلایای طبیعی مثل سیل و زلزله و چه در ارتباط با بحران سیاسی، اساساً مدیریت بحران در ایران بسیار ضعیف است. ناکارآمدی فقط منحصر به امور جاری نیست. بلکه در مدیریت بحران هم این ناکارآمدی وجود دارد. سیاست‌های دولتی و عمومی را ببینید که در تمامی این موارد گویی اساساً اتفاقی در جامعه ایران رخ نداده است. گویی جامعه ایران در یک وضعیت باثبات و مطلوب قرار دارد و مسائل جاری هم به‌تدریج رو به حل است. درحالی‌که همه می‌دانیم در وضعیت بحرانی قرار داریم. باز برمی‌گردم به مفهوم بحران و تأکید می‌کنم که زمانی یک مسئله یا

مشکل تبدیل به بحران می‌شود که در چارچوب سازوکارهای موجود امکان حل آن وجود نداشته باشد. وقتی می‌گوییم جامعه ایران در وضعیت بحرانی است، به این معناست که سازوکارهای جاری امکان حل بحران را نمی‌دهد و باید سازوکارهای جدیدی به‌کار گرفته شود. این سازوکارهای جدید یعنی اصلاح و تحول ساختار.

* من فکر می‌کنم وضعیت حاصل از ویروس کرونا، یعنی این انزوای ناخواسته‌ای که ایجاد کرد و فاصله‌گذاری اجتماعی و محدودیت ارتباطات اجتماعی، زمینه مستعدی را برای توجه بیش از گذشته به ضرورت جمع‌گرایی فراهم می‌کند. اتفاقاً هم در نوع سیاست‌های اعمال‌شده در مواجهه با کرونا این را می‌بینیم، هم در گرایش عمومی به دورشدن هرچه سریع‌تر از فضایی که کرونا ایجاد کرده است و هم در مواجهه دولت‌ها با کرونا.

خشونت فرهنگی در

جامعه ایران

حسن محدثی

همدل یا همراه نیستیم تحقیر کنیم یا تخفیف دهیم. مورد دیگری که خیلی سؤال‌های جدی است و عمومیت دارد تولید برچسب است. یعنی ما مجموعه‌ای از برچسب‌ها را داریم که آن را بر روی اشخاص، ایده‌ها و هر چیزی که موضوع بحث ماست، می‌چسبانیم؛ به‌خصوص در دنیای مجازی به‌وفور این برچسب‌ها زدن‌ها دیده می‌شود. این برچسب‌ها مبتنی بر بررسی دقیق پدیده مورد نظر نیستند و ما از این برچسب‌های حاضر و آماده برای هر کسی که با آن زاویه داریم یا حتی همدلی داریم استفاده می‌کنیم. وقتی با کسی موافق هستیم برچسب‌های مثبت استفاده می‌کنیم. آن هم بدون این‌که بررسی دقیقی کرده باشیم.

من تصور می‌کنم که در جامعه ما آشکالی از خشونت فرهنگی وجود دارد که باید آن را به‌طور جدی مورد بررسی قرار داد. خشونت فرهنگی، خشونت است که ریشه در عناصر فرهنگی ما دارد و به نوع نگرش، اعتقادات و باورها و رفتارهای ما مربوط می‌شود که از دل آن آشکالی از خشونت بیرون می‌آید.

یکی از این مؤلفه‌های خشونت فرهنگی در جامعه ما آسان‌گیری در قضاوت درباره دیگران است. مؤلفه دیگری تحقیر شخصیت است. به‌آسانی به خود حق می‌دهیم شخصیت‌هایی را که با آن‌ها

توصیه‌های کرونایی

به تنهایی کافی

نیست

اباذر اشتری

است. * موضوع دیگر، مولفه‌های سرمایه‌ای اجتماعی حاکمیت است. در چند سال گذشته، بحران سرمایه اجتماعی ایجاد و مشارکت اجتماعی کاهش یافته است. مشاهده می‌شود که مردم در رویدادها و اتفاقات اجتماعی، مشارکت کمتری انجام می‌دهند. حجم پرونده‌های قضایی نیز نشان می‌دهد که مشارکت جامعه در اتفاقات کاهش پیدا کرده است. یکی از دلایل این کاهش مشارکت، کم شدن اعتماد است.

بسیاری از افراد از شبکه‌های ماهواره‌ای و تلگرام فیلترشده استفاده کرده و اخبار را از شبکه‌های خارجی دریافت می‌کنند. این نشان می‌دهد که اعتماد کم شده و باید فکری به حال آن شود. در نتیجه وقتی توصیه‌هایی انجام می‌شود، مردم به آن توجه نمی‌کنند و حتی برعکس عمل می‌کنند.

بنابراین در کنار مسائل اقتصادی و خانوادگی، بحث کاهش اعتماد نیز مطرح است و عمل به توصیه‌ها کم می‌شود. این موضوع بار سنگینی به نظام سلامت وارد می‌کند و از طرف دیگر باعث جان باختن بسیاری از هموطنان می‌شود.

مجموعه این مباحث نشان می‌دهد که در شرایط کنونی که بحران وجود دارد، در کنار توصیه‌ها باید اعمال فشارها انجام شود. این که حجم فشارها و محدودیت‌ها به موضوع اجتماعی و اقتصادی برگردد نیز باید جداگانه مورد بررسی قرار بگیرد. مناسب‌ترین محدودیت‌ها برای افراد متخلف می‌تواند محدودیت‌های اجتماعی یا اشتغال یا خروج از خانه یا جلوگیری از رانندگی باشد.

* (چرا مردم به توصیه‌ها گوش نمی‌دهند و حتی بر خلاف آن اقدام می‌کنند؟) از لحاظ خانوادگی که به مسائل اقتصادی متصل می‌شود، طبق هرم نیازهای مازلو که پنج مرحله است، اگر فردی یا جامعه‌ای نیازهای اولیه شامل سرپناه، پوشاک، خوراک، امنیت و بهداشت تامین نشود، به مراحل بعدی توجه نمی‌کند. یعنی توجه به بدن اعم از چاقی و لاغری یا ورزش کردن و داشتن رژیم غذایی یک مرحله بالاتر از رفع نیازهای اولیه محسوب می‌شود. به همین دلیل است که افراد فقیر به این موضوع توجه نمی‌کنند، زیرا درگیر نیازهای اولیه هستند. در این شرایط که مشکلاتی برای مسکن یا مسائل اقتصادی یا بی‌کاری وجود دارد، دیگر مرحله بالاتر معنی ندارد. به همین دلیل است که افراد توجهی به موضوع کرونا نمی‌کنند. بنابراین رفع نیازهای اولیه بسیار مهم است

* نکته دیگر، موضوع خستگی اجتماعی است. جامعه ایران و حتی بین‌الملل دچار خستگی اجتماعی شده‌اند. زیرا حدود پنج ماه است که خود را قرنطینه کرده و به درستی به محل کار نرفته و حتی در منازل دچار اختلافات شده‌اند. بسیاری از افراد دچار افسردگی از شرایط قرنطینه شده‌اند. برنامه‌های صداوسیما نتوانسته مردم را قانع کند و سرگرمی دیگری در این شرایط وجود ندارد. مسائلی مانند این‌ها باعث خستگی اجتماعی شده



عبدالکریمی: فکر بستن فضای مجازی و مقابله با تکنولوژی متعلق به افراد کوتاه قامت است؛ یعنی کسانی که فکر می کنند می توانند با اتوریته سیاسی و امنیتی هر کاری که دلشان می خواهد انجام دهند.

ایست برهنه معنی

دیدگاه

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

تکنولوژی از قدرت سیاسی خیلی جلوتر است

بیژن عبدالکریمی

* تکنولوژی در روزگار ما یک نیروی تاریخی است و به همین دلیل هیچ قدرت سیاسی، نظامی و امنیتی ای نمی تواند در برابر قدرت تاریخی تکنولوژی مقاومت کند. البته ممکن است حرکت هایی ایدایی برای محدود کردن تکنولوژی انجام گیرد، اما نهایتاً نمی توانند به هدفشان برسند.

به همه آنهایی که به هر دلیلی در صد بستن فضای مجازی هستند و فکر می کنند می توانند این کار انجام دهند باید گفت، تکنولوژی چنان با سرعت چشمگیری در حال تحول است که از

قدرت سیاسی خیلی پیشی گرفته است. همچنین باید به آنها گفت، اگر توانستید ماهواره ها را جمع کنید، در بستن فضای مجازی هم می توانید به موفقیت برسید.

همچنین باید این نکته را در نظر گرفت که تکنولوژی کارکردی دوگانه دارد و این طور نیست که بخشی، بخش دیگر را از فضای مجازی محروم کند. پس قدرت سیاسی اگر مردم را از فضای مجازی محروم کند، خودش هم از این امکان همه گیر محروم خواهد شد و این سیستم بوروکراتیک با این همه دستگاه های عریض و طویل به سیستم های جدید آلوده شده است.

در پایان تاکید می کنم؛ فکر بستن فضای مجازی و مقابله با تکنولوژی متعلق به افراد کوتاه قامت است؛ یعنی کسانی که فکر می کنند می توانند با اتوریته سیاسی و امنیتی هر کاری که دلشان می خواهد انجام دهند.

فشار اقتصادی، معنویات را کمرنگ کرده است

امان الله قرایی مقدم

صورت ربات در آورده و حساسیت ها و همدلی ها را کمرنگ کرده، اقتصاد هم تاثیر خود را می گذارد، بطوریکه شاهدیم شیء سروری بر جامعه حاکم شده است و افراد جامعه شخصیت خود را از اشیا می گیرند و ارزش افراد به پول آنها شده است.

بدون شک اقتصاد عامل موثری است که در تمام زمینه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و روحی و روانی جامعه تاثیر دارد. الان می بینیم که در شهرهای بزرگ، مادیات، افکار و ذهنیت مردم را شکل داده و معنویات کمرنگ شده است به طوری که موجب افزایش بی تفاوتی و سهل انگاری و "به من چه مربوطه" ها شده است.

سرمايه اجتماعی ما ضعیف شده است، مقام معظم رهبری هم چند سال پیش صحبت از ضرورت همدلی و یکپارچگی کردند و گفتند که باید همدلی و همبستگی را تقویت کنیم، اما ما چه کردیم؟ مسئولان چه کردند؟ همانگونه که تکنولوژی، انسان ها را به

سیاست گذاری های

حوزه ازدواج با

واقعیت جامعه

فاصله دارد

سید جواد میری

* متأسفانه مسئولین در مواردی که مربوط به حوزه فردی و روانشناختی است، ورود پیدا می کنند و در مسائلی که مربوط به مسائل اجتماعی و سیاست گذاری بنیادین در زیرساخت های اقتصادی است، دخالتی نمی کنند بنابراین مردم رفاه و اقتصاد مناسبی برای تشکیل خانواده و ازدواج ندارند.

* مسئله ازدواج آسان با مصوبات، قوانین و... اجرا نمی شود چرا که یک بخشی از ازدواج مربوط به مسائل فرهنگی مردم است و به ساختار ذهنی فرهنگی ایرانیان بازمی گردد.

* در جامعه ما جوانان از وقتی وارد دانشگاه شدند و از طریق رسانه های جمعی اطلاعات پیدا کردند، سطح شعور اجتماعی آنها بالا رفت اما وضع اجتماعی و اقتصادی ما هنوز مناسب نیست و اجازه نمی دهد آنها خود را شکوفا کنند چون شغل مناسب ندارند، پول تو جیبی خود را از پدرشان می گیرند و از لحاظ اقتصادی اجازه پیاده کردن افکار و عقاید خود را ندارند.

* شرایط ازدواج آسان در خانواده ها فراهم نیست و انجام امر ازدواج را منوط برگزاری انواع و اقسام مراسم ها و آداب و رسوم می دانند اما جامعه ما و سیاست گذاری ها می خواهند ازدواج آسان را بین جوانان فرهنگ سازی کنند در نتیجه این شکاف و فاصله باعث

ایجاد تعارض می شود. * یک بخش از مسائل اجتماعی به دغدغه های فقهی برمی گردد مثلاً در سنت اسلام ازدواج کردن مهم است و تاکید دارند باید به شکل آسان انجام شود اما در مقابل جامعه و واقعیت هستی اجتماعی ما چنین چیزی را نمی پذیرد پس در این میان کسانی که در حوزه سیاست اجتماعی قوانین وضع می کنند شناخت دقیقی از واقعیات هستی اجتماعی جامعه ایران در قرن ۲۱ ندارند همین عوامل باعث شده بسیاری از مصوبات و راهکارها به اهداف خود نرسند و موفق نشوند.

میری افزود: حال باید گفت چرا راهکارهایی که برای ازدواج پیشنهاد می دهیم موفق نمی شوند و منجر تسهیل در ازدواج نمی شود؟ جواب سوال این است که در حالی که هنوز خانواده ها طبق آداب و رسوم عمل می کنند و تجملات و بریز و پباش برایشان اهمیت دارد ما می خواهیم ازدواج آسان کنند پس برای اینکار مصوبه، قانون و... می گذاریم اما عملاً استقبالی از آنها نمی شود.

* مسئله مهم دیگر این است که نباید به ازدواج کوتاه مدت نگاه کنیم چرا که وقتی دونفر با یکدیگر ازدواج می کنند چند سال بعد صاحب فرزند می شوند پس کسانی که برای ازدواج سیاست گذاری می کنند نگاه استراتژیک ندارند و فقط نگاه به آمار ازدواج و تولید مثل می کنند در صورتی که ازدواج فقط همین نیست.

* به اعتقاد من سیاست گذاران امر ازدواج باید نگاه امید آفرینی را در کشور به وجود بیاورند تا جوانان انگیزه زندگی داشته باشند و زندگی مشترک خود را آغاز کنند.

جامعه ایرانی

- ♦ ۴۶ درصد مردم معتقدند صداوسیما واقعیت جامعه را منعکس نمی‌کند
- ♦ اعلام وضعیت قرمز ازدواج و طلاق در کشور
- ♦ وضعیت اجاره‌نشینی در ایران
- ♦ ساماندهی ۹۰ درصد از معزادان متجاهر در کشور
- ♦ اجاره خانه در شهر تهران ۲۷ درصد افزایش یافت
- ♦ فشار اقتصادی بار تکفل بر جمعیت شاغلان
- ♦ افزایش ۲۳ درصدی آمار خودکشی در ایران
- ♦ روند فزاینده خط فقر در ایران
- ♦ وضعیت نرخ تورم در کشور
- ♦ نرخ رشد جمعیت، زیر یک درصد
- ♦ رشد شاخص فلاکت در کشور
- ♦ بیش از ۶۰ درصد تلفات موتورسواران زیر ۴۹ سال هستند
- ♦ درصد جمعیت مبتلا به کمبود تغذیه در ایران کاهش یافت



آمارهای ارایه شده نشان می‌دهد که درصد تغییرات ازدواج در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۸۷ حدود ۶/۳۷ درصد تغییرات منفی داشته است؛ این در حالی است که جمعیت افراد در سن ازدواج در کشور بیشتر شده‌اند

اینست‌پنجاه

جامعه ایرانی

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

آیا صداوسیما واقعیت جامعه را منعکس نمی‌کند

یافته‌های نظرسنجی درباره میزان استفاده مردم از رسانه‌های مختلف نشان می‌دهد ۴۵/۸ درصد پاسخگویان بیشتر از صداوسیما، ۳۱/۲ درصد از شبکه‌های اجتماعی مجازی، ۱۰/۳ درصد از سایت‌های



اینترنتی، ۶/۹ درصد از شبکه‌های ماهواره‌ای و ۱/۳ درصد از روزنامه‌ها و مجلات استفاده می‌کنند. در یک طرح نظرسنجی تلفنی در خردادماه ۱۳۹۹، میزان استفاده مردم از رسانه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری طرح دربرگیرنده مردان و زنان بالای ۱۸ سال در کل کشور و تعداد افراد نمونه ۱۵۸۲ نفر بوده است. ۵۰ درصد از کل پاسخگویان را مردان و ۵۰ درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

یافته‌ها نشان می‌دهد الگوهای متفاوتی در میان زنان و مردان و گروه‌های مختلف سنی و تحصیلی در زمینه استفاده از صداوسیما وجود دارد؛ به نحوی که زنان (۵۲ درصد) بیش از مردان (۴۰/۷) مخاطب پروپاقرص برنامه‌های صداوسیما هستند. میزان انتخاب صداوسیما در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال (۲۴/۶ درصد) به طرز جالب توجهی کمتر از گروه‌های سنی ۳۰ تا ۴۹ سال (۴۶/۳) و افراد بالاتر از ۵۰ سال (۶۹/۶) است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد هرچه افراد از تحصیلات بیشتری برخوردار باشند، از صداوسیما به عنوان رسانه اصلی کمتر استفاده می‌کنند.

در میان برنامه‌های مختلف صداوسیما ۵۹/۳ درصد از کل پاسخگویان اخبار، ۵۵/۱ درصد فیلم و سریال، ۱۵/۸ درصد برنامه‌های ورزشی، ۱۴/۶ درصد برنامه‌های مستند، ۱۳/۶ درصد برنامه‌های طنز و ۱۱ درصد برنامه‌های کودک و نوجوان را بیشتر از سایر برنامه‌های این رسانه دنبال می‌کنند. لازم به ذکر است در این سؤال پاسخگویان از میان گزینه‌های متعدد می‌توانستند سه گزینه انتخاب نمایند.

در پرسشی از پاسخگویان پرسیده شده است: به نظر شما صداوسیما واقعیت جامعه را منعکس می‌کند؟ ۴۶/۵ درصد پاسخگویان به این پرسش پاسخ منفی داده‌اند و در مقابل، ۳۲/۶ درصد معتقدند صداوسیما واقعیت‌های جامعه را منعکس می‌کند.

اعلام وضعیت قرمز ازدواج و طلاق

در کشور

آمارهای مربوط به تعداد ازدواج به‌ازای یک طلاق نیز نشان‌دهنده شرایط نگران‌کننده در کشور است؛ در سال ۱۳۸۷ به ازای هر ۸ ازدواج یک طلاق داشتیم که در سال



۱۳۹۷ این عدد به ۱/۳ ازدواج یک طلاق کاهش یافته است. آمارهای ارائه‌شده نشان می‌دهد که درصد تغییرات ازدواج در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۸۷ حدود ۶/۳۷ درصد تغییرات منفی داشته است؛ این در حالی است که جمعیت افراد در سن ازدواج در کشور بیشتر شده‌اند. در حالی که در همین زمان طلاق ۳۲/۵۸ درصد تغییرات مثبت داشته است که نشان از روند کاهشی ازدواج و افزایشی طلاق در کشور هست که بسیار نگران‌کننده است. همچنین یافته‌های آماری نشان می‌دهد که نسبت طلاق به ازدواج در سال ۱۳۸۷ از ۵/۱۲ به ۷۷/۳۱ در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است که نشانه بدتر شدن این شاخص در کشور است.

همچنین تاملی بر آمارهای سازمان‌های حمایتی از قبیل بهزیستی و کمیته امداد نشان می‌دهد که حدود ۳۰ درصد از زنان سرپرست خانوار که تحت پوشش حمایت مستمر هستند حدود ۳۰ درصد را به خود اختصاص داده‌اند که این هم نکته دیگری است که نشان می‌دهد باید نسبت به این پدیده در کشور حساس‌تر بود.

تاملی بر یافته‌های آماری نشان می‌دهد که در تمام طول سال‌های مورد بررسی وضعیت ازدواج و طلاق در کشور وضعیت مطلوبی ندارد. طبق این یافته‌ها کاهش ازدواج زیر ۱۵ سالگی (حداقل در موارد ثبت‌شده) خود یک اتفاق خوب در کشور است. ولی علیرغم وجود افراد زیاد در سن ازدواج، روند کاهش ازدواج که می‌تواند دلایل متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانی داشته باشد نشانه خوبی در کشور نیست و می‌تواند تبعات مختلفی را به دنبال داشته باشد.

وضعیت اجاره‌نشینی در ایران

داده‌های مرکز آمار حاکی از آن است که ۲۴ درصد خانوارهای شهری و ۴،۵ درصد خانوارهای روستایی در سال ۹۸ اجاره‌نشین بوده‌اند.



بررسی داده‌های گزارش مرکز آمار از متوسط هزینه سالانه خانوار در سال ۹۸ حاکی از آن است که در بین هزینه‌های

غیرخوراکی یک خانوار شهری بیشترین سهم با ۴۸ درصد مربوط به هزینه مسکن، سوخت و روشنایی بوده و همچنین در بین هزینه‌های غیرخوراکی یک خانوار روستایی، بیشترین سهم با ۳۰ درصد مربوط به مسکن، سوخت و روشنایی بوده است.

از سوی دیگر بررسی نحوه تصرف مسکن مناطق شهری و روستایی در این سال نشان می‌دهد که بیش از ۲۴ درصد خانوارهای شهری اجاره‌نشین هستند. این در حالی است که این امار در مناطق روستایی بسیار پایین‌تر بوده و حدود ۴/۵ درصد خانوارهای روستایی در خانه‌های اجاره‌ای زندگی می‌کنند.

همچنین این گزارش بیانگر آن است که در سال گذشته ۶۷ درصد خانوارهای شهری و بیش از ۸۶ درصد خانوارهای روستایی در مسکن‌های ملکی ساکن بوده‌اند. همچنین حدود ۹ درصد خانوارها در مناطق شهری و روستایی در سایر انواع مسکن مانند خانه‌های سازمانی زندگی می‌کنند.

همچنین با بررسی روند آمار نحوه تصرف مسکن از سال ۹۳ تا سال ۹۸ متوجه می‌شویم که طی این سال‌ها درصد تصرف مسکن ملکی با افزایش روبرو بوده که این معنی خانه‌دار شدن تعداد بیشتری از خانوارها است. به نحوی که در این آمار از سال ۹۳ تا ۹۸ در مناطق شهری ۱،۴ درصد و در مناطق روستایی ۱،۳۹ درصد رشد داشته است.

در خرداد ماه امسال شاخص اجاره خانه در شهر تهران و در کل مناطق شهری نسبت به ماه مشابه سال قبل به ترتیب معادل ۲۷/۶ و ۳۰/۷ درصد افزایش داشته است.



ایستگاه خبری

جامعه ایرانی

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

اجاره خانه در شهر تهران ۲۷ درصد افزایش یافت

در خرداد ماه امسال شاخص اجاره خانه در شهر تهران و در کل مناطق شهری نسبت به ماه مشابه سال



قبل به ترتیب معادل ۲۷/۶ و ۳۰/۷ درصد افزایش داشته است.

شاخص اجاره خانه در شهر تهران در خرداد ماه امسال بیش از ۲۷ درصد افزایش داشته است.

به گزارش تجارت نیوز، تعداد معاملات مسکن انجام شده در خرداد ماه سال امسال بیش از ۱۰ هزار هشتصد فقره بود که نسبت به ماه مشابه سال قبل ۸۰/۱ درصد افزایش داشته است.

از میان مناطق ۲۲گانه شهر تهران، منطقه ۵ با سهم ۱۵/۵ درصدی از کل معاملات، بیشترین تعداد قراردادهای مبادعه نامه را به خود اختصاص داده است.

فشار اقتصادی بار تکفل بر جمعیت شاغلان

بررسی شاخص بار تکفل (نسبت اشتغال به جمعیت) به عنوان شاخص‌های مهم بازار کار نشان می‌دهد این شاخص در کشور طی سال‌های اخیر روند نزولی داشته و در سال ۱۳۹۰ به کمترین حد خود یعنی ۴۱ درصد رسیده است. هر چه مقدار شاخص بار تکفل معیشتی بزرگتر باشد، فشار وارده بر جمعیت شاغل برای تامین معاش افراد



تحت تکفل افزایش می‌یابد. از منظر دیگر می‌توان گفت کوچک بودن این شاخص بیانگر سطح مطلوب رفاه اقتصادی جامعه و قدرت پس‌انداز بیشتر و بزرگ بودن آن حاکی از کاهش سطح رفاه جامعه است.

بار تکفل در سال ۱۳۳۵ برابر ۸۵٫۷ درصد بود و روند رشد آن تا سال ۱۳۶۵ ادامه داشته است و بسیاری اوقات از گذشتگان شنیدیم که می‌گویند «در گذشته یک نفر کار می‌کرد و چند نفر می‌خوردند» اما در سال ۱۳۷۰ این رقم به ۷۸ درصد رسید و در ۱۰ سال بعد شاخص بار تکفل به ۴۳٫۴ درصد کاهش یافت و این روند کاهشی تا سال ۱۳۹۰ ادامه پیدا کرد و به کمترین حد خود یعنی ۴۱ درصد رسید.

کل معتادان کشور را شامل می‌شود و در تلاشیم برای داشتن جامعه کارگری پویا برای جهش تولید و رونق اقتصادی کشور آمار اعتیاد را در این قشر را به حداقل ممکن برسانیم.

آمار اعتیاد در بین کارمندان ادارات پایین است

براتی سده با اشاره به آمار پایین اعتیاد در بین کارمندان ادارات، اذعان کرد: در سازمان بهزیستی چند طرح برای فعالیت در سیستم‌های اداری و سازمانی پایه ریزی شده که از آن جمله می‌توان به طرح کیان (خدمات آموزش پیشگیری از مصرف مواد در ادارات) اشاره کرد و گفتنی است در ادارات دولتی آمار اعتیاد نگران کننده نیست و اعتیاد در این حوزه کمتر از یک درصد آمار معتادین کشور را تشکیل می‌دهد.

مصرف کنندگان را به‌عنوان سن اعتبار در نظر می‌گیرند که از این نظر میانگین مصرف مواد مخدر در کشور ۲۴ سال است که متأسفانه سن اعتیاد نسبت به سال‌های گذشته کاهش داشته است.

براتی سده در مورد وضعیت اعتیاد دانش آموزان اظهار کرد: سیاست ستاد مبارزه با مواد مخدر شفاف گوی است و در حال حاضر بر اساس بررسی‌های انجام شده ۲ درصد از دانش آموزان امکان مصرف مواد دارند (البته معتاد نیستند) و این تعداد از دانش آموزان مصرف کننده مستمر به شمار نمی‌روند که در این راستا آموزش و پرورش با طرح‌هایی مثل یاریگران زندگی برای پیشگیری از اعتیاد قشر دانش آموزی اقدامات خوبی را انجام داده است.

۲۰ درصد جامعه کارگری کشور به مصرف مواد مخدر اعتیاد دارند وی در خصوص وضعیت اعتیاد در جامعه کارگری کشور عنوان کرد: در خصوص کارگران در وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی و ستاد مبارزه با مواد مخدر و دبیرخانه این ستاد برای پیشگیری از سوء مصرف مواد در جامعه کار و تولید و صنعت تا کارگران برنامه‌های مشترکی تدارک دیده شده که از آن عنوان می‌توان به طرح کاج (پیشگیری از مصرف مواد در جامعه کار) اشاره کرد.

مدیرکل پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی کشور افزود: نزدیک به ۳ میلیون مصرف کننده مستمر مواد در جامعه کار و تولید کشور وجود دارد که ۲۰ درصد

ساماندهی ۹۰ درصد از معتادان متجاهر در کشور

مدیرکل پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی کشور گفت: با برنامه‌ریزی‌های انجام شده ۹۰



درصد معتادان متجاهر کشور جمع‌آوری و ساماندهی شد.

فرید براتی سده در جریان سفر به اردبیل برای بررسی وضعیت پیشگیری، درمان و کاهش آسیب‌های اعتیاد گفت: بر اساس اعلام دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر در حال حاضر ۲ میلیون و ۸۰۸ هزار نفر مصرف کننده مستمر مواد در کشور داریم که این رقم را می‌توان آمار رسمی معتادان کشور دانست.

وی افزود: نزدیک به ۳۰ هزار معتاد متجاهر در کشور وجود دارد که نزدیک به ۱۵ هزار نفر آن در تهران شناسایی شده و سال گذشته با برنامه‌ریزی‌های انجام شده ۹۰ درصد معتادین متجاهر کشور جمع‌آوری و ساماندهی شد و ده درصد باقیمانده را بعد از فروکش کرونا ساماندهی خواهیم کرد.

مدیرکل پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی کشور در خصوص پایین آمدن سن اعتیاد در کشور اظهار کرد: در منابع علمی میانگین سن

نرخ تورم بالا در سال‌های اخیر منجر به رشد قابل توجه خط فقر در شهر تهران و سایر نقاط کشور شده است. خط فقر در اردیبهشت ماه ۹۸ هشت میلیون تومان اعلام شد اما متأسفانه امروز نسبت به مدت مشابه سال گذشته خط فقر برای یک خانواده ۴ نفره به مرز ۹ میلیون تومان نزدیک شده است.

افزایش ۲۳ درصدی آمار خودکشی در ایران



براساس جدیدترین تحقیقات پژوهشگران رشته علوم اجتماعی آمار خودکشی در ایران طی مدت چهارساله ۱۳۹۴-۱۳۹۸ به میزان ۶۰ درصد افزایش نشان داده و هر سال ۱۵ درصد به آمار خودکشی در کشور افزوده شده است و خودکشی‌ها نیز متعلق به استان‌های مرزی و غرب کشور نبوده و دامنه خودکشی‌ها اکنون به سراسر کشور کشیده شده است. نکته قابل توجه اینکه آمار خودکشی‌ها در مدت سه ماهه نخست سال ۱۳۹۹ نسبت به مدت مشابه در سال گذشته افزایش معنی‌داری در تعداد پیدا کرده و حتی ماهیت و کیفیت آن متفاوت شده است. آمار خودکشی‌ها در ایران اکنون نسبت به سال ۱۳۹۸ با افزایش ۲۳ درصدی همراه بوده و ماهیت و کیفیت آن هولناک‌تر و وحشتناک‌تر بوده و در مدت کوتاه ۱۰ روزه استمرار داشته و به

روند فزاینده خط فقر در ایران



نرخ تورم بالا در سال‌های اخیر منجر به رشد قابل توجه خط فقر در شهر تهران و سایر نقاط کشور شده است.

خط فقر در اردیبهشت ماه ۹۸ هشت میلیون تومان اعلام شد اما متأسفانه امروز نسبت به مدت مشابه سال گذشته خط فقر برای یک خانواده ۴ نفره به مرز ۹ میلیون تومان نزدیک شده است.

این آمار در حالی منتشر شده است که، براساس بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، خط فقر خانوارهای چهار نفره در شهر تهران ظرف ۲ سال اخیر، از ۲,۵ میلیون تومان به ۴,۵ میلیون تومان رسید یعنی ۸۰ درصد افزایش یافت.

براساس بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، نرخ تورم بالا در سال‌های اخیر منجر به رشد قابل توجه خط فقر در شهر تهران و سایر نقاط کشور شده است. این موضوع در کنار کاهش قابل توجه درآمد سرانه منجر به رشد نرخ فقر در این سال‌ها شده است و شواهد موجود نشان از روند فزاینده این متغیر در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ دارد.

صورت زنجیره‌ای و سریالی در نقاط مختلف کشور مشاهده شده است. از دیگر نکات حائزاهمیت در خصوص روند خودکشی‌ها در کشور و رفتار افرادی که اقدام به این عمل کرده‌اند خودکشی فرد آسیب‌دیده در محیط بیرون از خانه و در محل کار و همچنین در انتظار عمومی بوده است. علاوه بر این، خودکشی‌ها در گذشته بیشتر شامل نوجوانان، جوانان و بزرگسالان در سنین ۱۵-۴۵ سال به روش‌هایی هولناک بود، اما امروزه خودکشی‌ها با روش‌های جدیدتر همراه شده و دامنه آن به کودکان نیز منتقل شده است و اخیراً جامعه شاهد خودکشی‌های دسته‌جمعی خانوادگی در کشور بوده و با این وصف می‌توان به جرأت از کاهش سن خودکشی و افزایش تلفات خودکشی کشور یاد کرد.

مشکلات اقتصادی، بیماری‌های روانی، آسیب‌های اجتماعی، مسائل سیاسی و فشارهای اجتماعی و فرهنگی از جمله دلایل اصلی خودکشی در کشور به شمار می‌آیند و اگر در گذشته عنوان می‌شد روند اقدام به خودکشی در ایران نسبت به جهان نگران‌کننده نیست و ایران در رتبه ۱۵۴ جهان و رتبه سوم خاورمیانه و کشورهای اسلامی قرار داشت، اکنون همزمان با رشد ایران در قعر جدول رتبه‌بندی شاخص فلاکت و صعود ایران به جایگاه دوم جهانی و رتبه اول خاورمیانه در شاخص فلاکت وضع متفاوت شده است.

وضعیت نرخ تورم در کشور

براساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران، از میان ۳۱ استان کشور ۱۶ استان نرخ تورم کمتر از کل کشور را دارند. در اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ بیشترین نرخ تورم ماهانه خانوارهای کشور مربوط به استان بوشهر با ۴/۷ درصد افزایش و کمترین نرخ تورم ماهانه مربوط به استان آذربایجان غربی با ۰/۶ درصد افزایش است.

نرخ تورم دوازده ماهه منتهی به اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ برای خانوارهای کشور به عدد ۲۹/۸ درصد رسید. بیشترین نرخ تورم دوازده ماهه مربوط به استان ایلام (۳۵,۸ درصد) و کمترین آن مربوط به استان‌های آذربایجان غربی و فارس (۲۶,۵ درصد) است. در این ماه، بیشترین نرخ تورم ماهانه خانوارهای شهری مربوط به استان بوشهر با ۴,۶ درصد افزایش و

کمترین نرخ تورم ماهانه مربوط به استان آذربایجان غربی با ۰,۳ درصد افزایش است.

نرخ تورم دوازده ماهه منتهی به اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ برای خانوارهای شهری به عدد ۲۹,۷ درصد رسید. بیشترین نرخ تورم دوازده ماهه مربوط به استان ایلام (۳۵,۴ درصد) و کمترین آن مربوط به استان فارس (۲۵,۳ درصد) است.





براساس گزارش های مرکز پژوهش های مجلس، ضریب جینی از سال ۹۲ صعودی بوده که این نشان دهنده تشدید نابرابری اجتماعی در کشور است.

ایستگاه خبری

جامعه ایرانی

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

نرخ رشد جمعیت، زیر یک درصد

بر اساس آخرین یافته ها نرخ رشد جمعیت کشور به زیر یک درصد سقوط کرده است. پیش از این محمد اسماعیل اکبری، مشاور عالی وزیر بهداشت، با اشاره به کاهش بیش از ۱۷۰ هزار نفری زاد و ولد گفته بود که جمعیت کشور در روند پیرشدن قرار دارد و نسبت سالمندان کمی بالاتر رفته است. ادامه این روند ایران را در ۳۰ سال آینده پیرترین کشور جهان خواهد کرد. آن طور که مشاور عالی وزیر بهداشت اعلام کرده، جهان در طول ۷۰ سال گذشته حدود ۵ سال پیرتر شده است، یعنی میانه سنی از ۲۶/۶ به ۳۱/۳ سال رسیده است.

رشد شاخص فلاکت در کشور

براساس تازه ترین داده های اعلام شده از سوی مرکز آمار ایران، میانگین شاخص فلاکت در کشور تا پایان سال ۹۸ به ۴۵٫۵ درصد رسید، رقمی که گفته می شود بدترین وضعیت در ۲۴ سال اخیر است. شاخص فلاکت مجموعی است از نرخ بیکاری و نرخ تورم. عددی که می توان براساس آن برآوردی از وضعیت اقتصادی و اجتماعی یک کشور داشت.



بیش از ۶۰ درصد تلفات موتورسواران زیر ۴۹ سال هستند

آمارهای سازمان پزشکی قانونی کشور نشان می دهد که ۶۱/۲ درصد از کشته های موتورسواران در سال گذشته ۱۸ تا ۴۹ ساله بوده اند، این آمار بیانگر حجم بالای تلفات تصادف موتورسیکلت ها در سنین جوانی است.

گروه سنی ۱۸ تا ۴۹ سال بیشترین آمار تلفات تصادف موتورسیکلت ها را در برمی گیرد و پس از آن تفکیک سنی سایر گروه ها عبارت است از کمتر از ۱۰ سال ۲ درصد، ۱۱ تا ۱۷ سال ۱۱/۲ درصد، ۵۰ تا ۵۹ سال ۹/۹ درصد، ۶۰ سال و بالاتر ۱۵/۶ درصد. رده سنی دو دهم درصد از تلفات سال گذشته نیز نامعلوم گزارش شده است.

در سال گذشته سه هزار و ۳۰۴ موتورسوار در حوادث رانندگی جان خود را از دست دادند. از این تعداد سه هزار و ۱۵۲ نفر مرد و ۱۵۲ نفر زن بودند.

آمار تلفات موتورسواران در سال گذشته (۱۳۹۸) نسبت به سال قبل از آن، ۱۱/۸ درصد کمتر شده است. در سال ۱۳۹۷ آمار تلفات موتورسیکلت سواران سه هزار و ۷۴۵ نفر گزارش شده بود. براساس آمارهای موجود بیشترین آمار تلفات موتورسواران در سال گذشته به ترتیب مربوط به استان تهران با ۳۲۱، خراسان رضوی با ۲۷۴ و اصفهان با ۲۶۹ نفر و کمترین آن مربوط به ایلام با ۱۵ و کهگیلویه و بویراحمد و اردبیل هر کدام با ۲۰ فوتی بوده است.

در این مدت استان های فارس (۷۲ نفر)، تهران (۶۵ نفر) و گلستان (۵۲ نفر) نیز بیشترین کاهش تلفات موتورسواران را نسبت به سال ۹۷ داشته اند.

در سال گذشته به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت چهار موتورسوار در کشور جان خود را از دست داده اند. استان های بوشهر (۸/۶)، یزد (۶/۷) و کرمان (۶/۶) بالاترین و استان های البرز (۰/۹)، اردبیل (۱/۵) و کرمانشاه (۱/۷) پایین ترین نرخ مرگ موتورسوار به ازای صد هزار نفر جمعیت کشور را داشته اند.

به طور کلی آمار تلفات موتورسیکلت سواران در کشور ۱۹/۵ درصد از کل تلفات حوادث رانندگی در سال گذشته بوده که در این میان استان گلستان بالاترین نسبت را به خود اختصاص داده است.

مطابق آمارهای سال گذشته سهم تلفات موتورسواران در مقایسه با کل تلفات حوادث رانندگی در استان های گلستان، هرمزگان و گیلان رقمی قابل توجه است. در استان گلستان سهم تلفات موتورسواران از کل تلفات ۳۲/۸ درصد، در استان هرمزگان ۲۹/۷ و در گیلان ۲۹/۴ درصد بوده است.

در مقابل استان های کرمانشاه (۶/۹ درصد)، ایلام (۹/۲ درصد) و اردبیل (۹/۶ درصد) پایین ترین درصد تلفات موتورسواران نسبت به کل تلفات حوادث رانندگی را داشته اند.

افزایش ۳۱ درصدی آمار خودکشی در اصفهان در

سه ماهه اول امسال

معاون اجتماعی بهزیستی استان اصفهان گفت: در سه ماهه اول سال ۹۹ در سطح استان اصفهان ۱۸۸ مورد اقدام به خودکشی و ۸۱ مورد هم دچار افکار خودکشی با این خط تماس گرفته اند که این آمار نسبت به مدت مشابه سال قبل ۳۱ درصد افزایش داشته است.

درصد جمعیت مبتلا به کمبود تغذیه در ایران

کاهش یافت

گزارش تازه سازمان ملل متحد درباره افزایش گرسنگی در سراسر جهان نشان می دهد، ایران طی سال های اخیر شاهد کاهش نسبی درصد شیوع کمبود تغذیه در کل جمعیت خود بوده است.

گزارش جدید سازمان ملل متحد (تدوین شده توسط فائو، صندوق بین المللی توسعه کشاورزی، یونسف، برنامه جهانی غذا و سازمان جهانی بهداشت) درباره وضعیت امنیت غذایی و تغذیه نشان می دهد که، درصد جمعیت دچار کمبود تغذیه در ایران از ۵/۲ درصد در سال های ۱۳۸۳-۱۳۸۵ به ۴/۷ درصد در سال های ۱۳۹۶-۱۳۹۸ کاهش یافته است با این حال و با وجود این بهبود وضعیت، تعداد خالص افرادی که از کمبود تغذیه رنج می برند طی این دوره زمانی از ۳/۶ میلیون نفر به ۳/۹ میلیون نفر افزایش یافته است.

کتابنامه

نگاهی به تازه‌های نشر در ایران

- ♦ اهمیت مانفیست کمونیست
- ♦ لیبرالیسم محافظه کار
- ♦ نیمه پنهان زنان ایران در آستانه قرن بیستم
- ♦ رساله آگوستین قدیسی
- ♦ مجلداتی جدید از آثار کروپتکین
- ♦ رویای وارونگی؛ نقد و بررسی سورئالیسم در ادبیات و هنر
- ♦ تاریخ تحلیلی جامعه‌شناسی دیوان سالاری در ایران
- ♦ تاریخ اروپای مدرن
- ♦ معماری ایرانی: دستگاه شناسی
- ♦ جامعه‌شناسی فرهنگ
- ♦ پاره‌های انسان شناسی جنگ و شهادت
- ♦ عقل سرخ
- ♦ ...و



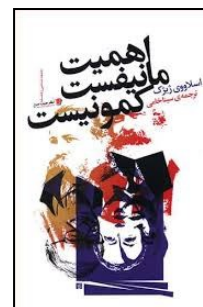
اثر جدید منصوره اتحادیه، انکشافی جدید در دنیای زنان و از خلال نامه‌ها و اسناد موجودی است که او در تحقیقات خود به بررسی آن‌ها دست زده است.

ایف‌بی‌سی

کتابنامه

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

اهمیت مانیفست کمونیست



کتاب «اهمیت مانیفست کمونیست» اثر اسلاوی ژیزک با ترجمه سینا خامی به تازگی از سوی نشر سیب سرخ روانه بازار کتاب شده است.

این کتاب در شش بخش با عناوین پایان نزدیک است اما نه آنچنان که می‌پنداشتیم، کدام اشباح امروزه تسخیرمان کرده‌اند، سرمایه جعلی و بازگشت به سلطه شخصی، محدودیت‌های استعمار، افق کمونیستی و پاره‌هایی از مانیفست کمونیستی منتشر شده است.

سینا خامی مترجم این اثر درباره اهمیت ترجمه آن عنوان کرد: اهمیت این متن، در پرداختن به نقاط حساسی است که امروزه به خط قرمز و البته توأمان پاشنه آشیل سرمایه‌داری متأخر بدل شده و آن عبارت است از سرمایه‌داران و کارآفرینان جعلی عصر جدید که به طرز دهشتناک با ارائه خدمات جعلی و صوری سعی در استفاده حداکثری از نیروی کارگران، کارمندان و حتی بیکارانی دارند که هیچ چیز ندارند جز همین بندهایی که به بها و بهانه‌ی همان خدمات جعلی و صوری به ایشان متصل شده.

لازم به یادآوری است سینا خامی؛ مترجم این اثر را از سال ۹۳ آغاز و در ابتدا بر حوزه شعر متمرکز می‌شود ولی کم‌کم به ترجمه متون نظری علاقه‌مند می‌شود و با حضور و همراهی شهریار وقفی‌پور به ترجمه این کتاب دست می‌زند.

کتاب اهمیت مانیفست کمونیست در ۵۱ صفحه و با قیمت ۱۰ هزار تومان منتشر شده است.

لیبرالیسم محافظه کار



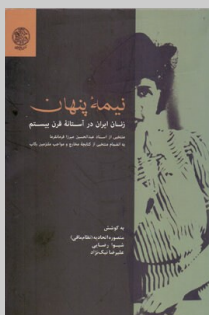
کتاب «لیبرالیسم محافظه‌کار» که گزیده‌ای از نوشته‌های مهم متفکران روز آنگلو ساکسون به شمار می‌رود چندی پیش با ترجمه‌ای از مرتضی مردیبا توسط انتشارات علمی و فرهنگی در ۹۴۴ صفحه و بهای ۸۵ هزار تومان روانه بازار نشر و اندیشه ایران شد. به دلیل استقبال قابل توجه مخاطبان از این اثر طی ۱۰ روز نخست پس از انتشار به چاپ دوم رسید.

مردیبا در این کتاب از متفکرانی چون استیون پینکر، کیت ویندشاتل، پل جانسون، مارک لی‌لا، الن بلوم، جورج نش، بوث فالر، کریستینا هاف سامرز، جیمز ویلسون، رابرت پاتنام، درک باک، هری لوئیس، نیل گراس، پیتیر سینگر توماس اسکنون، سوزان ولف، ریچارد پوسنر، جروج ویل، آلن راین، و سوزان بلک مور آرا و نظرانی تازه در حوزه زیست و رفتار و تفکر اجتماعی منتشر شده است.

این کتاب به گفته مترجم گزیده‌ای از آرا و نوشته‌های این متفکران در کتاب‌های مختلف آنهاست که در ایران تاکنون ترجمه و منتشر نشده است و نویسندگان آنها نیز در قید حیات هستند. همچنین مردیبا در مقدمه کوتاهش بر کتاب تأیید کرده است که گرایش سیاسی و فکری صاحبان آثار در این کتاب از از مدهای رایج روشنفکری نیست و در حوزه فکری آنگلو ساکسون شامل آمریکا، کانادا، انگلستان و استرالیا تعریف می‌شود.

نیمه پنهان زنان ایران در آستانه

قرن بیستم

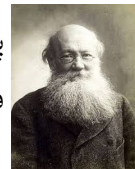


شر تاریخ ایران کتاب «نیمه پنهان، زنان ایران در آستانه قرن بیستم: منتخبی از اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما به انضمام منتخبی از کتابچه مخارج و مواجب ملتزمین رکاب» به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، شیوا رضایی و علیرضا نیک نژاد را با شمارگان هزار نسخه، ۲۴۸ صفحه و بهای ۷۰ هزار تومان منتشر کرد.

محتوای کتاب ممکن است برای مخاطبان کمی نامتعارف به نظر آید، چرا که از دو قسمت مختلف تشکیل شده است، ولی چون هر دو قسمت درباره شرایط زنان در آغاز قرن بیستم است، بی ارتباط با هم نیستند.

تعدادی از مکاتبات درج شده در کتاب نیز مربوط به زنان خانواده فرمانفرماست که علی‌رغم جنبه‌های خصوصی آن، می‌تواند برای شفافیت زندگانی زنان قشری از جامعه آن روز ایران مفید باشد. این مکاتبات حاوی انواع مسائل زنانه است. چانه زدن سر جهیزیه و مهریه، تدارک عروسی، آداب و رسوم و اعتقادات، رقابت و دشمنی میان همسران یک مرد و آسیب‌هایی که از آن ناشی می‌شد. البته این مسائل به هر حال در مقیاس‌های مختلف مشترک کل جامعه بود.

شرایطی که در این اسناد منعکس است، در ساختار جامعه، نحوه حکومت و وضع مالی کشور ریشه داشت که به آسانی قابل تغییر نبود. از دوره ناصری انتقاد روشنفکران موجب اصلاحات جسته‌گریخته‌اش در نظام مملکت شد ولی با این چندان مفید فایده قرار نگرفت.



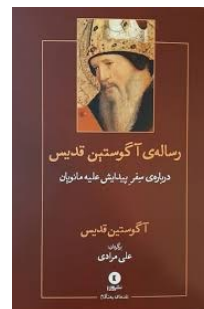
پیتر کروپتکین به رغم آن که یک اشرافزاده بود، اما به صف آنارشیست‌ها پیوست و تبدیل به یکی از نظریه‌پردازان و فعالان سیاسی آنارشیست و صد البته یکی از مخالفان برجسته لنین و نظریات او شد.

ایف‌بی‌ان

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

کتابنامه

رساله آگوستین قدیس



نشر ورا کتاب «رساله‌ی آگوستین قدیس: درباره سفر پیدایش علیه مانویان» را با ترجمه علی مرادی، در شمارگان ۲۰۰ نسخه، ۱۵۴ صفحه و بهای ۳۲ هزار تومان منتشر کرد. مترجم مقدمه مهمی را هم در شرح حال و اندیشه‌های آگوستین قدیس به کتاب اضافه کرده است.

آگوستین قدیس در دوره‌ای از زندگی خود به مدت ۹ سال پیرو کیش مانوی بود و در این مدت جهانبینی مانوی و زیر و بم این آیین را فراگرفت. او در پنج اثر به تفسیر و توضیح درباره سفر پیدایش پرداخته است که در برخی مستقیماً و در برخی نیز تلویحاً به نقد مانویت پرداخته است. اثر اول او عبارتست از «درباره سفر پیدایش علیه مانویان» که نگارش این اثر به سال‌های ۳۸۸ یا ۳۸۹ میلادی یعنی اوایل دوران فعالیت علمی آگوستین و پیش از اینکه به مقام اسقفی برسد، باز می‌گردد.

اثر دوم عبارتست از تفسیر لفظی سفر پیدایش: کتابی ناتمام، او این رساله را حدود ۳۹۳ میلادی نگاشت، اما موفق به تکمیل آن نشد و به طور ناقص رهاش کرد. اثر سوم عبارتست از سه بخش پایانی کتاب «اعترافات» که در آنجا به بحث درباره پیدایش می‌پردازد. اثر چهارم نیز عبارتست از «درباره سفر پیدایش: تفسیر لفظی» که حدود ۴۰۴ میلادی به نگارش آن پرداخت و کمی قبل از کتاب درباره تثلیث، آن را منتشر کرد. نوشته پنجم عبارتست از کتاب یازدهم از اثر بزرگ «شهر خدا» که حدود ۴۱۷ - ۴۱۸ آن را نوشت. بتوانند از آن استفاده کنند.

مجلداتی جدید از آثار کروپتکین



جلد چهارم این مجموعه با عنوان «مزارع، کارخانه‌ها و کارگاه‌ها» (ترکیب صنعت با زراعت و کار فکری با کار یدی) بسط ایده‌های کتاب «تسخیر نان» به عنوان جلد اول این مجموعه است. این کتاب هم که شامل ۳۴۵ صفحه است، موخره‌ای از مترجم درباره مجموعه آثار کروپتکین و نسبت آن اندیشه‌ها با جامعه ایران دارد.

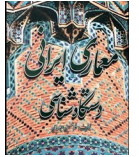
چاپ اول جلد سوم و چهارم این مجموعه، همزمان با انتشار چاپ دوم از جلد نخست با ترجمه رضا اسکندری است. از این مجموعه، جلد دوم با عنوان

«یاری متقابل: عامل تکامل» و «مزارع، کارخانه‌ها و کارگاه‌ها» نوشته پیتر کروپتکین با ترجمه هومن کاسبی منتشر شدند. «یاری متقابل: عامل تکامل» اصل از مجموعه آثار کروپتکین در زبان فارسی، شامل ۳۴۴ صفحه است. این کتاب که می‌تواند با عنوان فرعی «نقد ایده‌ی تنازع بقا در داروینیسم طبیعی و اجتماعی» معرفی شود، با بررسی نمونه‌ها و تحلیل‌های طبیعت‌شناختی از انواع یاریگری در حیات جانوری در فصل نخست به نقد نظریه داروین درباره‌ی محوریت رقابت در تکامل طبیعی آغاز می‌کند.

در فصل‌های بعدی، با مطالعات مردم‌شناختی از اشکال همکاری انسان‌ها در اقوام بدوی و مردمان غیرغربی در دو فصل بعد و نیز مطالعات تاریخی اروپای قرون وسطی در دو جلد بعدی و دو فصل پایانی پیرامون اروپای مدرن به نقد «داروینیسم اجتماعی» می‌پردازد که نظریه‌ی اجتماعی مسلط در اروپای نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم و آمریکای پیش از جنگ جهانی اول بود.

مجموعه‌ی «متون کلاسیک آنارشیسم» در نشر افکار علاوه بر ترجمه‌ی چهار کتاب از پیتر کروپتکین روس، شامل «آنارکوسندیالیسم» از رودلف رگر (رودولف راکر) آلمانی، «مالاتستا؛ زندگی و آثار» از اریکو مالاتستای ایتالیایی و نیز «فلسفه فقر» و «مالکیت چیست» از پی-ژوزف پرودون فرانسوی است.

سومین دوره جایزه احمد محمود که به خاطر وقایع متعدد در سال گذشته و اشاعه ویروس کرونا نتوانست اختتامیه‌ی همیشگی داشته باشد، با اعلام برگزیده خود در بخش رمان به شکل مجازی، تندیس و جایزه برنده را هم‌زمان با دوره چهارم در زمستان ۹۹ و در صورت ریشه‌کن شدن ویروس کرونا به او اهدا می‌کند. بنا بر نظر هیئت داوران بخش رمان متشکل از محمد حسینی، کامران سپهران و امیر نصری از میان نامزدهای نهایی پنج‌گانه متشکل از «اعترافات هولناک لاک‌پشت مُرده» از مرتضی برزگر، «پیاده» از بلقیس سلیمانی، «خاموش‌خانه» از ساناز زمانی، «شکوفه‌های عناب» از رضا جولایی و «قوها انعکاس فیل‌ها» از پیام ناصر، ضمن تقدیر و اهدای لوح ویژه به رمان «پیاده» اثر بلقیس سلیمانی، کتاب «قوها انعکاس فیل‌ها» از پیام ناصر را به عنوان بهترین رمان منتشرشده در سال ۱۳۹۷ انتخاب می‌کند



دستگاه‌ها ساختارهایی فضایی هستند که در کارکردهای مختلف می‌توان از آنها بهره گرفت. برای نمونه بناها در دستگاه گنبدخانه‌ای کارکردهایی همچون آتشکده، مسجد، مدرسه، آرامگاه و خانقاه داشته‌اند.

اینست نه‌مکتب

کتابنامه

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

تاریخ اروپای مدرن



کتاب «تاریخ اروپای مدرن» نوشته تی. سی. دبلیو بلنینگ و با ترجمه ابراهیم عامل محرابی از سوی انتشارات علمی و فرهنگی روانه بازار کتاب شد. این کتاب را یازده فیلسوف و مورخ برجسته جهان تألیف و در قالب کتابی در انتشارات آکسفورد منتشر کرده‌اند.

«معماری ایرانی: دستگاه شناسی»

کتاب «معماری ایرانی: دستگاه شناسی» نگاهی نو به معماری گذشته ایران دارد و با نگاهی تداومی به معماری گذشته ایران پرداخته است. به باور نگارنده، معماری ایرانی نیز چون موسیقی ایرانی که به دلیل وجود ردیف‌های دستگاهی تداوم یافته، دارای قالب‌ها و یا دستگاه‌هایی است که در تداوم آن نقش بنیانی داشته‌اند. همانگونه که نوازندگان و خوانندگان موسیقی دستگاهی ایرانی، با انتخاب یکی از دستگاه‌های هفت تا دوازده گانه، به اجرای کار خود می‌پردازند و خلاقیت خود را در آن چارچوب و قالب به نمایش می‌گذارند، معماران ایرانی نیز بر مبنای قالب‌ها یا دستگاه‌هایی که در ذهن خود داشتند به طراحی و اجرا می‌پرداختند.

تاریخ تحلیلی جامعه‌شناسی دیوان سالاری در ایران



تازه‌ترین اثر علی اکبر فرهنگی با عنوان «تاریخ تحلیلی جامعه‌شناسی دیوان سالاری در ایران» منتشر شد.

علی اکبر فرهنگی چهره شناخته شده دانشگاهی است که با کتاب‌ها و مقاله‌های خود خدمات بسیاری در زمینه‌های مدیریت و ارتباطات ارائه داده است. ایشان همچنین در سال ۸۴ به عنوان چهره ماندگار رشته مدیریت معرفی شد.

کتاب «تاریخ تحلیلی جامعه‌شناسی دیوان سالاری در ایران» در دو بخش و دوازده فصل تنظیم شده است. بخش اول دارای پنج فصل است که به بررسی ماهیت جامعه می‌پردازد، از تمدن‌های پیشامدرن عصر کشاورزی تا انقلاب صنعتی و ویژگی‌های جامعه صنعتی. و در بخش دوم نیز که هفت فصل دارد جامعه ایرانی را از زمان مادها و هخامنشیان تا صدر اسلام مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

رویای وارونگی؛ نقد و بررسی سورئالیسم در ادبیات و هنر



کتاب رویای وارونگی، اثر «بهروز اشرف سمنانی» پژوهشی جدید در حوزه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات است که از سوی انتشارات به‌نشر و با همکاری کانون اندیشه جوان به زیور طبع آراسته شده است.

این اثر به دو بخش کلی تقسیم‌بندی می‌شود. در بخش اول نویسنده به بررسی تاریخچه مکتب ادبی و هنری سورئالیسم می‌پردازد و نشان می‌دهد که این مکتب ریشه در شرایط تاریخی خاص اروپا در ابتدای قرن بیستم دارد و جنگ جهانی اول، اثری عمیق بر بنیانگذاران این سبک ادبی و هنری داشته است.

در بخش دوم این کتاب نیز نگاهی کلی به زندگی و آثار هنرمندان سورئالیست ایرانی انداخته شده است و گزیده‌ای از آثار سورئالیست‌های ایرانی همراه با تحلیل و تفسیر آن‌ها ارائه شده است، که تا پیش از این در تحقیقات درباره این مکتب مغفول مانده بود.

نمایشگاه کتاب. امسال برگزار نمی‌شود

سخنگوی شورای سیاست‌گذاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از مصوبه این شورا مبنی بر لغو برگزاری نمایشگاه در سال جاری خبر داد. ایوب دهقانکار اعلام کرد: طبق مصوبه این شورا، سی و سومین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سال جاری برگزار نخواهد شد. سخنگوی شورای سیاست‌گذاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با اشاره به جلسه غیرحضور این شورا (در روز شنبه مورخ ۲۸ تیرماه) گفت: بنا بر اعلام صریح دولت جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تکلیف همگانی در پیشگیری از شیوع ویروس کرونا و در راستای مصوبات ستاد ملی مقابله با کرونا، توصیه‌های وزارت بهداشت مبنی بر ضرورت رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی و پرهیز از برگزاری هرگونه تجمع در سطح کشور و همچنین نبود چشم‌انداز روشن در امکان برگزاری نمایشگاه در ماه‌های آتی، شورای سیاست‌گذاری نمایشگاه کتاب تهران برگزاری این دوره از نمایشگاه را در سال جاری منتفی دانست.

دهقانکار با اشاره به اهمیت و ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نمایشگاه کتاب تهران به عنوان بزرگ‌ترین رویداد فرهنگی کشور گفت: شورای سیاست‌گذاری علاقه مند بود حتی‌الامکان این نمایشگاه در سال جاری برگزار شود. دلیل اصلی طمأنیه و تأمل شورا در اعلام لغو نمایشگاه نیز امید به برگزاری آن در ماه‌های اخیر بود.

کتاب عقل سرخ، اثری است جامعه‌شناسانه در باب حیات پریرکت و شهادت سردار شهید «حاج قاسم سلیمانی» که به کوشش جمعی از جامعه‌شناسان و زیر نظر حجت الاسلام «حمید پارسانیا» گردآوری و تالیف شده است

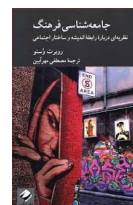


اینست نه‌مطلب

کتابنامه

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

جامعه‌شناسی فرهنگ



کتاب جامعه‌شناسی فرهنگ؛ نظریه‌ای دربارهٔ رابطهٔ اندیشه و ساختار اجتماعی، اثر روبرت وُسنو، ترجمه مصطفی مهرآیین، توسط نشر کرگدن منتشر شد. وسنو در پژوهش خود در پی پاسخ گفتن به سه پرسش بنیادی دربارهٔ جنبش‌های ایدئولوژیک اصلاح دینی، روشنگری و سوسیالیسم اروپایی است: چه شرایطی زمینه‌ساز شکل‌گیری این جنبش‌های ایدئولوژیک در تاریخ تحول سرمایه‌داری اروپا شد؟ چه عواملی منابع و فضای اجتماعی لازم برای تولید و رشد این گفتمان‌های فرهنگی را فراهم آورد؟ و چه عواملی ساختار درونی و محتوای این گفتمان‌ها را تعیین کرد؟ آنچه پژوهش وسنو را از پژوهش‌های پیشین متمایز می‌کند این است که او پاسخش را مبتنی بر دریافتی تازه از فرهنگ (دریافت عینی از فرهنگ و ایدئولوژی) و ساختار اجتماعی (ساختار به‌عنوان بانک یا ذخیرهٔ منابع) مطرح می‌کند. او در تقابل با سه نظریهٔ تطابق فرهنگی، مشروعیت طبقاتی و محرومیت نسبی و با به چالش کشیدن مفروضات ذهن‌گرایانه آنها، رویکردی تازه به مکانیسم‌های رابط میان اندیشه و ساختار اجتماعی عرضه می‌کند.

پاره‌های انسان شناسی جنگ و شهادت



کتاب «پاره‌های انسان شناسی جنگ و شهادت» به کوشش و ترجمه میثم مهدیار و سیروس ذوالفقاری منتشر شد.

در این کتاب هشت مقاله ترجمه و یک تألیف در کنار هم قرار گرفته‌اند. وجه مشترک این مقالات علاوه بر قلمرو آنان، یعنی مقوله جنگ و مفهوم شهادت در ایران، روش آن‌هاست. عمده این مقالات ذیل روش نشانه‌شناسی و زیبایی‌شناسی انتقادی قرار می‌گیرند و در برخی از مقالات نویسندگان تلاش کرده‌اند رویکردی پدیدارشناسانه در فهم مقوله دفاع مقدس / جنگ هشت‌ساله ایران از طریق تحلیل بازنمایی آن در ادبیات، هنرهای تجسمی و نیز فرهنگ و هنر عامه اتخاذ کنند.

همه انسان‌ها به یک شکل زندگی نمی‌کنند



انتشارات کتاب تداعی، رمان «همه انسان‌ها به یک شکل زندگی نمی‌کنند» اثر ژان پل دوبوا نویسنده فرانسوی کانادایی را به فارسی ترجمه و منتشر کرد. این رمان سال گذشته برگزیده جایزه گنکور شده بود.

دوبوا در حال حاضر در کار نویسندگی و سفرنامه‌نویسی در نشریه نوبل آبزواتور به‌عنوان گزارشگر به فعالیت مشغول است.

این رمان داستان زندگی خانواده‌ای در منطقه اسکاندیناوی را از زبان پسر آنها روایت می‌کند. خانواده‌ای که پدرش یک کشیش پروتستان است و مادرش صاحب یک سینما و شغل او و نمایشی برخی از آثار خاص در نهایت برای پدر مشکلاتی در کلیسای پروتستان به وجود می‌آورد که منجر به خلع مقام کشیشی او می‌شود و او به همراه پسرش از منطقه اسکاندیناوی راهی کبک کانادا می‌شود و زندگی متفاوتی که او در کبک و برخی شهرهای کانادا سپری می‌کند در نهایت او را به یک قتل‌وآدار و راهی زندان می‌کند.

نیکوئیان منتشر شد.

عقل سرخ



در این کتاب مجموعه مقالات و یادداشت‌های اصحاب علوم انسانی و اجتماعی در باب شخصیت و جهان‌مردی شهید والامقام حاج قاسم سلیمانی، ابعاد و احوال ظهور دوباره یک قهرمان و پهلوان در سپهر فرهنگ و سیاست، پیروزی خون بر شمشیر و جمع‌آوری شده است.

چاپ اول این کتاب در بهار ۹۹ و در ۵۶۶ صفحه و به قیمت ۷۲،۰۰۰ تومان منتشر شده است.

کتاب عقل سرخ؛ یادنامه علوم اجتماعی ایران برای حاج قاسم سلیمانی و جهان پس از شهادتش زیر نظر حمید پارسانیا و به اهتمام سید مجید امامی و آرزو



سفرنامه های جهانگردان خارجی به ایران هنوز هم یکی از بهترین منابع مهم تاریخ معاصر ایران هستند آنچه این گزارش را اهمیت می بخشد، تقارن آن با دوره ای است که ایران را قحطی بزرگ و سراسری ای فرا گرفته بود و در نتیجه افزوده شدن داده هایی چند در این زمینه بر دانسته های موجود.

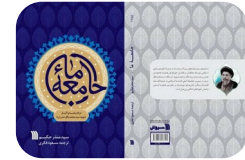
ایستگاههای معاصر

کتابنامه

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

جامعه ما

ایران در دوره قحطی



اثر و مقدمه مؤلف پرداخته و در شانزده فصل سامان یافته است. از لندن به جزیره مالت، از مالت به سوئز، از سوئز تا سیلان، از گال به کلمبو، کندی، مدرس و بمبئی، از مدرس به بمبئی تا بندرعباس، از بندرعباس به بوشهر، بوشهر، از بوشهر به برازجان، از برازجان به شیراز، شیراز، از شیراز به اصفهان، از شیراز به اصفهان (ادامه)، از اصفهان تا رشت، از رشت تا انزلی، از انزلی به آستاراخان و نیژنی نووگورود و خانه بخش های کتاب را تشکیل می دهد.

برای بیشتر ایرانیان، گرسنگی یا بدتر از آن، قحطی موضوعی است که معمولاً در جاهای دیگر دنیا رخ می نماید. آنان حتی خبر ندارند که زمانی نه چندان دور، ایران هم به گرسنگی و قحطی مبتلا شده است. بعد از سال ۱۳۲۵ شمسی که قحطی اندکی وجود داشته، ایرانیان گرسنگی گسترده دیگری را تجربه نکرده اند. ایرانیان زنده کمی سال های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۵ و قحطی های آن زمان را به خاطر دارند؛ هنگامی که نان کمیاب، گران و بی کیفیت شده بود. درباره این دوران منابع کمی به زبان فارسی وجود دارد که قحطی بزرگ را شرح داده باشد. همین منابع اندک در دسترس هم حجم اندکی دارند؛ گاهی فقط شعر هستند و هیچ یک از آنها همه داستان را شرح نمی دهد.

کتاب «ایران در دوره قحطی؛ روایتی از دیدار شرق و سفر رفت و بازگشت» نوشته ویلیام بریتل بنک است که در سال ۱۲۹۰ ه.ق از مجموعه کتاب های دانشگاه آکسفورد چاپ و منتشر شده است. نویسنده آن ماجراجوی کنجکاو اهل انگلستان است که در سال ۱۲۸۸ قمری سفری از جنوب ایران به شمال کشور داشته و دیده ها و شنیده های خود از این سفر را در بازگشت به انگلستان نوشته و منتشر کرده است. سیده فاطمه یاحسینی، مترجم کتاب می گوید: «با وجودی که حدود ۱۵۰ سال از انتشار این کتاب به زبان اصلی می گذرد و در منابع فارسی، پژوهشگران ایرانی بارها به آن استناد کرده اند اما ترجمه آن مانند بسیاری از منابع مشابه به تاخیر افتاده بود.»

این کتاب پس از یادداشت دبیر مجموعه به مقدمه مترجم، مقدمه دکتر ویلم فلور بر ترجمه فارسی این

کتاب «جامعه ما در اندیشه و آثار شهید سید محمدباقر صدر» نوشته سید منذر حکیم و با ترجمه مسعود فکری توسط انتشارات سروش منتشر و راهی بازار نشر شد.

این کتاب دربردارنده مجموعه گفتارهای آیت الله شهید سید محمدباقر صدر درباره دیدگاه اسلام به جامعه و چارچوب اسلامی فهم مسائل اجتماعی است. حجت الاسلام والمسلمین سید منذر حکیم که از شاگردان آیت الله سید کاظم حائری و از باورمندان به مکتب علامه صدر است برای استفاده هرچه بیشتر علاقه مندان به میراث فکری شهید صدر از اندیشه های اجتماعی وی، بخش های مرتبط در کتاب های گوناگون شهید صدر را گردآورده و کتاب حاضر را تدوین کرده است.

واژگان آذری و فارسی در زبان مردم تبریز



کتاب نوری بر تاریخ و فرهنگ ایرانی و زبان فارسی در خطه آذربایجان خواهد افکند و ارزش های آن در پژوهش های زبان شناسی بسی چشمگیر و قابل توجه خواهد بود.

یحیی ذکاء گردآورنده این مجموعه واژگان، بازمانده از نسلی است که عشق به ایران در خونشان اندر شده بود و با جانشان به در می رفت و تا آنجا که توانست در پیشبرد فرهنگ ایرانی تلاش کرد. او آذربایجانی میهن دوستی بود که عشق به سرزمین مادری خود را در سایه ایران بزرگ جستجو می کرد. او به دلیل آشنایی به زبان ترکی و علاقه و دلبستگی به زبان شیرین فارسی که رمز جاودانگی ایران است به جمع آوری این واژگان پرداخت. این کتاب با مقدمه ای از زنده یاد یحیی ذکاء و زندگی نامه او آغاز می شود و سپس خانم عبدی در مقدمه مسیوطی روش کار خود را توضیح داده است و در ضمن آن خواننده با تاریخچه به روز درآمدن این اثر آشنا می شود. بعد جدول آوایی زبان آذری و نمادهای لاتین آن در همان سبکی که مورد نظر استاد ذکاء بوده است آورده شده است. سپس صفحه اختصارات آمده و با متن اصلی در دو بخش؛ بخش اول واژگان آذری و فارسی و بخش دوم کوی های کهن تبریز کتاب به پایان می رسد.

کتاب «واژگان آذری و فارسی در زبان مردم تبریز»، اثر مرحوم دکتر یحیی ذکاء، به کوشش و تصحیح ایران عبدی، زیر نظر و با مقدمه ژاله آموزگار، از سوی انتشارات مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش های ایرانی و اسلامی) به طبع رسیده است. گردآوری و تألیف کتاب بنابر یادداشت مؤلف فقید آن حدود پنجاه سال طول کشید. به گفته رئیس مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ناگفته پیداست که انتشار این

معرفی شهدا در قالب آثار ادبی همچون رمان، یکی از شیوه‌های آشنایی نسل جوان با زندگی پر افتخار این ستاره‌های آسمان انقلاب اسلامی است. رمان عزیز نیز با همین هدف و جهت شناخت هرچه بیشتر نسل جوان با زندگی شهید چمران به رشته تحریر در آمده است.

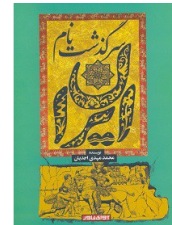


ایستگاه معنا

کتابنامه

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

سرگذشت نام ایران



«سرگذشت نام ایران» نوشته محمدمهدی احدیان از سوی انتشارات آوای خاور منتشر شد. این کتاب به شواهد نوشتاری برجای مانده از نام ایران در منابع مکتوب می‌پردازد.

«سرگذشت نام ایران» عنوان کتابی است که با مجموعه بزرگی از شواهد نوشتاری و مرتبط با نام ایران همراه است. چگونگی پیدایش و تکوین نام ایران، معنای تاریخی واژه ایران و آریان، شواهد نوشتاری برجای مانده از نام ایران در منابع مکتوب و مفهوم برخی واژگان مرتبط با آن از جمله آریا و عراق، موضوعاتی است که این کتاب به آنها می‌پردازد. نام ایران مهم‌ترین کلان‌جای نام در تمدن غرب آسیاست که در عرصه‌های تاریخ، جغرافی، فرهنگ و سیاست مشهور است. تداوم کاربرد جای نام ایران طی دوهزاره اخیر در حالی که خاستگاه و ریشه آن را تا ۳۷۰۰ سال پیش می‌توان جستجو کرد، اهمیت این کلان‌جای نام را در تمدن بشر نشان می‌دهد.

عزیز



رمان «عزیز» نوشته شه‌ریار زمانی درباره شه‌ید مصطفی چمران منتشر شد.

شه‌ریار زمانی درباره این رمان می‌گوید: «عزیز» داستان زندگی عارف مجاهد دکتر مصطفی چمران است که در همین عصر و دوران دیده به جهان گشوده و در این آب و خاک قد کشیده است، سپس هفت شهر عشق را طی کرده و دست آخر ققنوس‌وار آسمانی شده است.

او می‌افزاید: عزیز در قالب داستان مستند روایت شده است. داستان‌های مستند سابقه زیادی ندارد و به تازگی در ادبیات داستانی جا باز کرده است، اما به نظر می‌رسد این ژانر برای بیان تاریخ معاصر و شرح و بسط شخصیت‌های تاریخی و همچنین شکستن کلیشه‌ها ظرفیت خوبی داشته باشد و به نوعی از چهره‌های مشهور آشنایی‌زایی بکند.

فوییا



کتاب «فوییا» اثر ایوان وارد با ترجمه مرتضی منصف منتشر شد. این کتاب که درباره موضوع فوییا و ترس شدید از پدیده‌های طبیعی است، در ۵۰ صفحه و با قیمت ۱۰هزار تومان در انتشارات سیب سرخ راهی بازار کتاب شده است.

مرتضی منصف، مترجم کتاب درباره نویسنده این کتاب و زاویه طرح بحث فوییا توسط او گفت: ایوان وارد سرپرست بخش آموزشی موزه فروید در لندن است و از کتاب‌های منتشرشده این نویسنده به جز «فوییا»، می‌توان کتاب «ایده‌هایی در زمینه روانکاوی»، «مقدمه‌ای بر روانکاوی» و ... را نام برد.

معرفی داوران جایزه کتاب «ماه و سال کودک و نوجوان»

کارگروه‌های شعر کودک، شعر نوجوان، داستان کودک و داستان نوجوان، تعیین نامزدهای دریافت جایزه از سوی کارگروه‌ها و بررسی نهایی هیأت داوران برای معرفی یک کتاب در هر ماه است. این جایزه تمامی کتاب‌های حوزه کودک و نوجوان کشور حوزه کشورهای فارسی‌زبان را در بازه‌های زمانی ماه و سال مورد بررسی قرار می‌دهد. دبیرخانه اولین جایزه کتاب ماه و سال کودک و نوجوان در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آماده دریافت کتاب‌های فصل تابستان ناشران این حوزه است.

داوران فصل بهار نخستین جایزه کتاب «ماه و سال کودک و نوجوان» «کانون پرورش فکری برای دآوری کتاب‌های برتر ماه‌های فروردین، اردیبهشت و خرداد سال ۹۹ معرفی شدند.

بنا بر اعلام دبیرخانه جایزه کتاب ماه و سال کودک و نوجوان، حسین فتاحی، عباس جهانگیریان، آتوسا صالحی، محمود پوروهاب و اسماعیل آذری‌نژاد داوران جایزه فصل بهار هستند.

در این ترکیب تلاش شده است تا از حوزه شعر کودک، داستان کودک، شعر نوجوان، داستان نوجوان و مروج فعال کتاب داورانی حضور داشته باشند.

فرآیند انتخاب و بررسی آثار رسیده به دبیرخانه جایزه کتاب ماه و سال کودک و نوجوان شامل کارشناسی ابتدایی، بررسی کارشناسان شورای تخصصی شامل

طفلی به نام شادی، مجموعه‌ای از ۵ دفتر شعر است که «محمدرضا شفیعی کدکنی» استاد برجسته ادبیات فارسی سروده و روانه بازار کرده است.

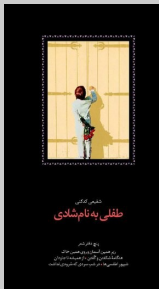


ایف بی بی

کتابنامه

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

طفلی به نام شادی



«طفلی به نام شادی»، تازه‌ترین مجموعه شعر محمدرضا شفیعی کدکنی منتشر شد. زیر همین آسمان و روی همین خاک، هنگام شکفتن و گفتن، از همیشه تا جاودان، شیپور اطلسی‌هاو در شب سردی که سرودی نداشت عنوان‌های این پنج دفتر است. محمدرضا شفیعی کدکنی در مقدمه «طفلی به نام شادی» آورده است:

در تمام مدت شاعری من - که عمری شصت و چند ساله دارد - من همچنان آدم عقب‌مانده‌ای باقی مانده‌ام که نه وزن را رها کرده‌ام و نه قافیه را و نه معنی را، نه عشق را و نه تأملات وجودی را و نه ایران را. برای اثبات عقب‌ماندگی یک شاعر سندی استوارتر ازین می‌توان یافت؟ آن هم در مملکتی که عقل اکثریت مردم آن به چشمشان است و چشمشان هم به روی صفحات روزنامه...

به هر حال، جای تأسف است که من در طول مدت شصت و اند سال شاعری، حتی برای نمونه، در یک مورد هم، نتوانستم وزن و قافیه و معنی و عشق و تأملات وجودی و ایران را به کناری نهم و آوانگارد شوم. بدبختی ازین بالاتر؟

زندگی شعری من، از همان دوران کودکی - که از هفت سالگی شعر می‌گفتم با وزن و قافیه درست - به گونه‌ای بوده است که گاه در یک روز ده تا شعر گفته‌ام و گاه ماه‌ها گذشته است و از شعر خبری نشده است. من هیچ وقت به سراغ شعر نرفته‌ام؛ همیشه او بوده است که به دیدار من شتافته و اختیار از من ربوده است.

این مجموعه با پنج دفتر در یک مجلد توسط نشر سخن منتشر شده است.

درآمدی بر جنبش دانشجویی در ایران



کتاب «درآمدی بر جنبش دانشجویی در ایران» (۱۳۵۷-۱۳۲۰) نوشته هوشنگ جیرانی منتشر شد. به گزارش ایسنا، این کتاب در ۱۳۶ صفحه و با قیمت ۲۰ هزار تومان از سوی نشر خزه منتشر شده است.

در معرفی «درآمدی بر جنبش دانشجویی در ایران» که در چهار فصل به بررسی تاریخی این جنبش در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ می‌پردازد آمده است: در فصل اول، تاریخچه مختصری از جنبش دانشجویی ایران در فاصله تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ارائه می‌شود.

فصل دوم کتاب از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا تابستان ۱۳۳۹ را که فضای سیاسی کشور بازتر شد، در بر می‌گیرد. همچنین فراز و فرود جنبش دانشجویی، نقش دانشجویان در نهضت مقاومت ملی و حرکت‌های سال ۳۲ به‌ویژه واقعه ۱۶ آذر دانشکده فنی را بررسی می‌کند.

فصل سوم به تحولات جنبش دانشجویی در سال‌های فضای باز سیاسی یعنی ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ اختصاص دارد، که در این فاصله تحولات و رویدادهای مهمی چون تشکیل جبهه ملی دوم و سازمان دانشجویی وابسته به آن رخ داد.

در فصل چهارم کتاب هم سعی شده است به‌طور خلاصه رشد گرایش‌های قهرآمیز که پایگاه دانشجویی داشت و رشد جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

شهر نابرابر



«شهر نابرابر» نوشته جان رنی شورت با ترجمه حمیدرضا تلخایی و فریدون گازرانی به تازگی راهی بازار شده است.

این کتاب با عنوان فرعی تجدید حیات شهری، جابه‌جایی و ایجاد نابرابری در شهرهای جهانیدر ۳۱۷ صفحه با قیمت ۶۰ هزار تومان در انتشارات آگاه منتشر شده است.

در معرفی این کتاب آمده است: در سال‌های اخیر علایق پژوهشی و عمومی زیادی درباره تغییر ماهیت شهرها شکل گرفته است. شهرها در سراسر جهان شاهد افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه زمین، ساختمان و تغییر جمعیت شهر مرکزی بوده‌اند که این امر با بیرون راندن فقرا و بازساخت افراطی فضای شهری تحقق یافته است.

کتاب شهر نابرابر راهنمایی در زمینه شهرگرایی معاصر و روایت سرگذشت تغییرات شهری است. این کتاب به بررسی نقش سرمایه نقدی، تجدید حیات جمعیت، ساخت آپارتمانها، میزبانی رویدادهای جهانی بزرگ، نقش ثروتمندان تازه و پیدایش طبقه متوسط تازه پرداخته و دلایل اصلی جابه‌جایی فقرا به حومه‌ها و آن سوی مرزهای شهری را می‌کاود. با توجه به مطالعات موردی از سراسر جهان، خوانندگان این کتاب در معرض بررسی پروژه‌های شهری شامل استفاده مجدد از فضاهای صنعتی قدیمی، سبزشازی شهرها و امنیتی شدن فضاهای عمومی هستند.

اتکای کتاب بر اقتصاد سیاسی، تحلیل فرهنگی-سیاسی و رویکردهای جغرافیای شهری است تا از این رهگذر، ماهیت چندوجهی این فرایند و جلوه جهانی آن را به تصویر بکشد.

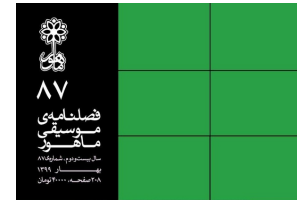
مجله

تازه‌های نشریات در ایران

- ♦ فصل‌نامه ماهور
- ♦ نشریه نمایش شناخت
- ♦ فصل‌نامه پیمان
- ♦ مجله سروش
- ♦ ماهنامه ادبی چوک
- ♦ مجله‌گاه نقد
- ♦ مجله فرهنگ‌بان
- ♦ فصل آزما
- ♦ ماهنامه آزما
- ♦ مجله بخارا
- ♦ نگاه نو
- ♦ ماهنامه نمایش
- ♦ مفاخر ماندگار
- ♦ ...و

گسترش ویروس کرونا و تحولات فرهنگی ناشی از آن، محور اصلی مطالب بسیاری از نشریات در دو ماه گذشته بوده است.

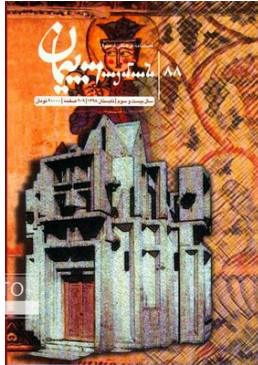
فصلنامه ماهور



نشریه نمایش‌شناخت



فصلنامه پیمان



هفتاد و هشتمین شماره فصلنامه موسیقی ماهور با مدیر مسئولی محمد موسوی و سردبیری ساسان فاطمی منتشر شد. محمد موسوی، بابک خضرای، آرش محافظ و سعید کردمافی عضو تحریریه این فصل‌نامه هستند.

در این شماره مقالاتی چون موسیقی در ایلام باستان. بو لاؤرگرن، ترجمه عسکر بهرامی، نقش چهارم ها و پنجم ها در ساخت بستر نغمگی دستگاه های موسیقی ایرانی (بخش دوم). منطق باستانی- صفی‌الدینی ملایمت‌ها امروزه تا چه حد کار می‌کند؟ نوشته بابک خضرائی، انعطاف دستگاه: جوهری یا عرضی؟ (بخش اول). تأملاتی بر خاستگاه‌های نظری، کارگانی و جغرافیایی دستگاه در موسیقی کلاسیک ایرانی نوشته سعید کردمافی، بوی گل و افیون: دوگانه‌ی انقلاب/ اصلاح و نقد برنامه گله در مجله‌ی موزیک ایران (۱۳۴۳-۱۳۳۴) نوشته کامیار صلواتی آمده است. همچنین شاهو عبدی و سپنتا حامدی نژاد یادداشت‌هایی را منتشر کرده‌اند.

مصاحبه رادیویی با دماوندی، رامتین نظری جو (برگردان از منبع صوتی، توضیحات و آوانگاری) از دیگر مطالب این شماره است. علاوه بر آن در بخش نقد و بررسی یادداشتی درباره کتاب ریتم کودکان در ایران، اثر ساسان فاطمی. و نقد پارسی و مسئله اپرای ترجمه‌شده (۱۸۷۰-۱۸۲۰). گرین شندر، ترجمه آرش محافظ آمده است «محمد موسوی» نیز در این شماره یادداشتی نوشته است.

فصلنامه تخصصی تئاتر نمایش‌شناخت که یکی از معدود نشریات غیردولتی تئاتر ایران محسوب می‌شود به سردبیری نظر احمدی و مشاوره علمی ناظرزاده کرمانی، حسین اسماعیلی و سعید فرهودی از سال ۹۷ فعالیت خود را آغاز کرده و در همین مدت کوتاه مورد اقبال بسیاری از بزرگان و اهالی تئاتر قرار گرفته است. شماره جدید این مجله که در شرایط سخت فعلی و با وجود همه‌گیری بیماری کرونا منتشر شده حاوی مطالب پرشمار و بسیار متنوعی است.

از جمله می‌توان به سرمقاله آن با عنوان پسا کرونا و آینده تئاتر به قلم مسعود دلخواه و مطالبی دیگر در همین راستا همچون تئاتر و دیجیتال‌ایسم در عصر بحران پاندمی از کریستیان هوتر با ترجمه محمدعلی بهبودی و یادداشت‌هایی چندگانه به قلم علیرضا کوشک‌جلالی اشاره کرد.

همچنین در این شماره گفتگوهایی با دو تن از اساتید برجسته حوزه تئاتر قطب‌الدین صادقی و داریوش مودبیان انجام گرفته. شماره هفتم نمایش‌شناخت نیز همچون شمارگان پیشین این مجله تخصصی حاوی چندین پرونده ویژه و مفصل، همچون پرونده تئاتر نو که در بخشی از آن برای نخستین بار پژوهشی دست‌اول به قلم زنده‌یاد مجید فلاح‌زاده با عنوان عقده اودیپ پاریس منتشر شده است و در بخشی دیگر اسماعیل نجار نیز با همکاری صبا بابانیا مقاله‌ای علمی-پژوهشی با عنوان نمایشنامه مرداب و تولیدیک اکو تئاتر فمینیستی را ارائه داده‌اند

هشتاد و هشتمین فصلنامه فرهنگی ارمنیان تحت عنوان «پیمان» در بیست و سومین سال انتشار خود تابستان ۹۸ در قالب ۲۰۹ صفحه و با قیمت ۲۰ هزار تومان روانه بازار شد.

مطالب این شماره پیمان بنا بر خط مشی فرهنگی- اجتماعی آن، به معرفی بخشی دیگر از تاریخ کهن و فرهنگ باستانی ارمنیان می‌پردازد. هدف از انتخاب مقاله‌های این شماره کنکاش در هویت ملت ارمنی و شناخت هرچه بیشتر اندیشه‌های آنان است. این کنکاش و شناخت را گامی دیگر در راه تحکیم روابط سالم اجتماعی و گسترش اصول همزیستی مسالمت آمیز عنوان شده است.

نویسندگان این شماره، در مقالات جداگانه، به سه موضوع درباره تاریخ حضور ارمنیان در مناطق گوناگون پرداخته‌اند. موضوع این مقالات بررسی آثار اجتماعی جوامع ارمنی در ایران، آرتساخ و بیت‌المقدس است. این مناطق صدها سال شاهد حضور پربار و سازنده ارمنیان بوده‌اند.

دو مقاله از این شماره نیز به سنت به کارگیری هنرهایی مانند نگارگری، خطاطی، تذهیب و حجاری برای بیان آرمان‌ها و باورهای معنوی ارمنیان پرداخته است.



مجله سروش تصویر روی جلد این شماره خود را به مرحوم «محمدعلی کشاورز» هنرمند فقید ایرانی که به تازگی دارفانی را وداع گفته، اختصاص داده است

این شماره معنا

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

مجله

فصلنامه فرهنگبان



چهارمین شماره از فصلنامه فرهنگی و هنری «فرهنگ بان» با سردبیری مرتضی هاشمی پور، ویژه زمستان ۹۸ در ۲۸۰ صفحه و بهای ۳۵ هزار تومان منتشر شد. صاحب امتیاز این نشریه موسسه فرهنگبان (اندیشه گستر) علی حسینیخانی است.

این شماره دارای بخش‌های اندیشه، تاریخ، ایران در جهان، زبان و ادبیات، ارمغان مینوی، داستان، ترجمه ادبی، معرفی و نقد کتاب و یادنامه است. در بخش یادنامه یاد و خاطره حسن سالاری، احسان اشراقی و امیرکاووس بالاژاده که زمستان سال ۹۸ جامعه فرهنگی کشور را تنها گذاشته و به دیار باقی شتافتند، گرمای داشته شده است.

در بخش اندیشه این شماره این مطالب منتشر شده است: «درس‌های تاریخ» نوشته آیزایا برلین و ترجمه نرگس حسن‌لی، «افسانه‌هایی درباره زبان» نوشته محمد راسخ مهند و «گفت و گوهای میان متنی» نوشته جمال الغیطانی و ترجمه زهرا جلال زاده. در بخش تاریخ نیز مقاله «پاورقی نویسی در ایران» نوشته محمدحسین خسروپناه درج شده است. «درباره زروان گرایی» نوشته ریچارد فرای و ترجمه شهروز خنجری نیز مطلب منتشر شده در بخش «ایران در جهان» است. اما مطابق با روال شماره‌های پیشین مفصل‌ترین بخش این شماره از نشریه فرهنگبان به معرفی و نقد کتاب اختصاص پیدا کرده است. همه صفحات تبلیغات این شماره از فرهنگبان نیز به سیاق گذشته به تبلیغات پیرامون کتاب‌های تازه منتشر شده اختصاص پیدا کرده است.

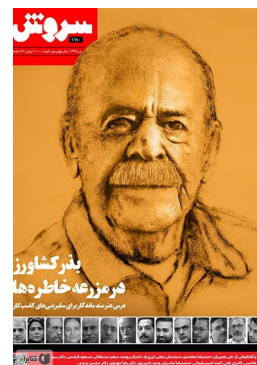
ماهنامه الکترونیک (پیدی‌اف) ادبیات داستانی ایران است که به سردبیری مهدی رضایی، اولین شماره آن در شهریور سال ۸۸ منتشر شد و همچنان ادامه دارد. کانون فرهنگی چوک، متعلق به هیچ سازمان و نهاد خاصی نیست و برخاسته از همت عده‌ای جوان دوست‌دار ادبیات است که قصد دارند در جهت ارتقای فرهنگ و ادبیات فارسی در حوزه داستان تلاش کنند.

مجله گاه نقد



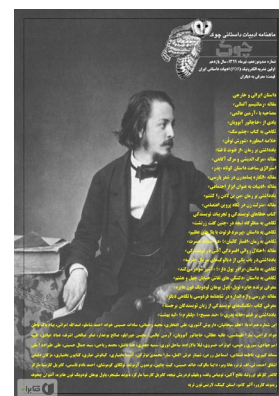
سومین شماره مجله «گاه نقد» با موضوع «تاریخ ایران باستان» منتشر شد. این شماره از این ماهنامه به بررسی و تحلیل «تاریخ ایران باستان» در فضای نشر کشور می‌پردازد و به واکاوی فرایند پدیدارشدن کشفیات باستان‌شناسی و شرق‌شناسی و بازتاب یافته‌های آن‌ها در کتاب‌های تاریخ می‌پردازد. از این روی مهم‌ترین و معتبرترین کتاب‌های تاریخ ایران باستان نقد و بررسی می‌شوند و نگاهی سرتاسری به سپهر نشر کشور انداخته خواهد شد. «گفتار»، «دیدار»، «نقدوار»، «هشدار» و «رهیار» بخش‌های گوناگون این شماره هستند که هر کدام از زاویه‌ای ویژه به ایران باستان در آینه کتاب‌ها نگریسته‌اند.

مجله سروش

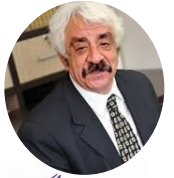


جدیدترین شماره مجله سروش در نوبت تیرماه ۱۳۹۹ منتشر شد. بررسی پرونده یک قتل، میراث قتل رومینا در فرهنگ مجازی، زامی‌های زنده در رسانه‌ها، ما مبهوت بودیم و تراژدی رومیناهایی که رسانه‌ای نمی‌شوند، از جمله عناوینی هستند که در این شماره از مجله می‌خوانید. ماهنامه سروش در هر شماره به مهم‌ترین موضوعی که مورد توجه محافل رسانه‌ای، کارشناسان و افراد جامعه قرار داشته، می‌پردازد و با گفتگو، تهیه گزارش و یادداشت از موضوع مورد نظر، شما را با ابعاد مختلف آن آشنا می‌کند.

ماهنامه ادبی داستانی چوک



ماهنامه ادبیات داستانی چوک - شماره ۱۱۹ منتشر شد. نگاهی به کتاب چشم سگ، یادداشتی در باب یکی از دیالوگ‌های سریال غریبه، یادداشتی بر رمان من بن لادن را کشتم و... از جمله عناوینی هستند که در این شماره از مجله می‌خوانید. چوک نخستین



درگذشت «فریبرز رئیس دانا» بر اثر بیماری کرونا باعث شد تا مجله نگاه نو، تصویر روی جلد این شماره خود را به رئیس دانا اختصاص داده و یاد او را گرامی بدارد.

ایفب/بنا/مجله

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

مجله

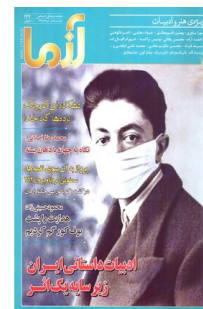
فصل آزما



«فصل آزما» شامل گفت و گوهایی درباره ادبیات منتشر شد.

این شماره از فصل آزما با این مطالب همراه است: گفت و گو با محمود، در جستجوی دولت آبادی، گفت و گو با کوروش صفوی، با گلی امامی، حرف هایی درباره ترجمه و ادبیات، گفت و گو با محمدعلی سپانلو، محمدرضا اصلانی، ندا عابد و هوشنگ اعلم و گفت و گو با ابوتراب خسروی.

ماهنامه آزما



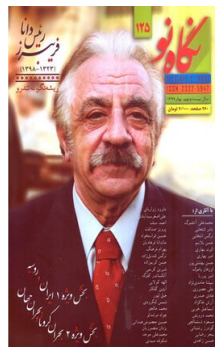
ماهنامه «آزما» با پرونده صادق هدایت با عنوان «ادبیات داستانی ایران زیر سایه یک اثر» و تصویر

ماسک زده این نویسنده منتشر شد.

شماره جدید این ماهنامه با یادداشت هایی از هوشنگ اعلم - سردبیر - با عنوان دهکده ای با دهها کدخدا و ندا عابد - مدیرمسئول - با عنوان جهان رودر رو با نام های جدید آغاز می شود. سپس با یک دریچه حرف « ادامه پیدا می کند؛ در این بخش این مطالب آمده است: به یاد نجف دریابندری، مردی که یادمان داد رندانه خندیدن را درباره حسین توفیق، سایه ای که در روشنائی گم شده، و اعتباریابی زیر سایه شکوه

بهار درباره ماجرای خاکسپاری کاووس بالا زاده در مزار مهرداد بهار.

نگاه نو (تیر)



شماره جدید نگاه نو با دو بخش ویژه ایران و روسیه و بحران کرونا و بحران جهان و عکس روی جلد فریبرز رئیس دانا منتشر شد.

به گزارش ایسنا، بخش ویژه ایران و روسیه با این مطالب همراه است: ویژگی های ساختار قدرت در روسیه نوشته حسن بهشتی پور، روابط ادبی امروز ایران و روسیه نوشته آبتین گلکار، سیمای ایران و ایرانی از چشم همسایه شمالی نوشته جواد مرشدلو، پیوسته ایران: وضعیت کنونی مطالعات ایران شناسی در روسیه از گودرز رشتیانی و تأثیر تحولات سیاسی بین المللی بر روابط ایرانی و روسیه از الهه کولایی.

تاریخ نگاری با چسب و قیچی از نادر انتخابی، سکوت مرد زبان نوشته حسین معصومی همدانی، طرحی از چالش های فهم هویت در ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ نوشته حسین فراستخواه و اولین کاربرد واژه سوسیالیسم در مطبوعات فارسی زبان داخلی نوشته شکوفه میبیدی مطالب بخش مقاله نگاه نو هستند.

بخارا



صد و سی و هفتمین شماره مجله «بخارا» منتشر شد. این شماره از مجله همراه است با مقالاتی از: محمدرضا شفیعی کدکنی، محمد احصایی، ایرج پارسی نژاد - ژاله آموزگار، مسعود جعفری جزی، بهاءالدین خرمشاهی، عبدالحسین آذرنگ، حسن میرعابدینی، احمد جلالی، جهانبخش نورائی، سرگه بارسقیان، پریسا نظری، علی قیصری، علی معظمی، ناصرالدین پروین، محمود آموزگار، میلاد عظیمی، علیرضا هاشمی نژاد، مصطفی حسینی، سایه اقتصادی نیا، سجاد آیدنلو، مجید دهقانی، بهرام گرامی، بهمن بازرگانی، مهدی به خیال، هاشم رجبزاده، مجید سلیمانی، حامد خاتمی پور، سروش حبیبی، عبدالرحمن نجل رحیم، حسن ذوالفقاری، بیژن هنری کار، داریوش رحمانیان، حامد فولادوند، سیروس پرهام، مریم مطهری راد، گلنوش زنجان پور، یاسمین غلامرحمانی، سوری احمدلو و نگین آنالویی.

این شماره «بخارا» دارای بخش های ویژه ای از جمله یادنامه استاد زنده یاد سیدمحمد محیط طباطبایی که حاوی مقالاتی است از ایرج افشار، عباس زریاب خویی، عبدالحسین زرین کوب، محمد امین ریاحی، سیدابوالقاسم انجوی شیرازی، پرویز اذکایی، احمد آرام، ضیاءالدین سجادی، ناصرالدین پروین، سعید میرمحمدصادق و مقالاتی منتخب از محمد محیط طباطبایی با تصاویری منتشر شده است.

گسترش فضای مجازی و افزایش هزینه‌های چاپ نشریات، باعث تولد مجلاتی شده است که به صورت کاملاً مجازی، در شبکه‌های اجتماعی و تارنماهای فرهنگی منتشر می‌شوند.

اینترنت به نفع ما

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

مجله

صدای بخارا



نخستین شماره «صدای بخارا» در فضای مجازی منتشر شد.

بر اساس خبر رسیده، این برنامه نسخه‌ای شنیداری است که هر ماه با توجه به رویدادهای فرهنگی و هنری تهیه و تولید می‌شود.

صدای بخارا شماره نخست خود را به ساخت موضوعاتی در پیوند با روز پاسداشت زبان پارسی و حکیم ابوالقاسم فردوسی، گرامیداشت حکیم عمر خیام و یادنامه ای به مناسبت درگذشت نجف دریابندری اختصاص داده است.

صدای بخارا با سردبیری علی دهباشی، حاصل همکاری حسین رحمانی و امیرحامد موسوی است که در صفحه اینستاگرام و کانال تلگرام بخارا در دسترس علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

غزاله عربگل، مهتاب بخشی و رضا کریمخانی نیز در این رویداد همکاری دارند.

سه نقطه



دوازدهمین شماره از مجله طنز سه نقطه منتشر شد. به گزارش ایستا، این شماره از مکتوب طنز [جد+] فارسی سه نقطه با مطالب سراسری اهل قلم، تهرانشهر، پرونده: امید در روزگار کووید ۱۹، تعطیلات خود را چگونه گذرانید؟، درباره طنز، نیمخط و ... همراه است.

در بخش سراسری اهل قلم در تمثیت امور کروئینایی نوشته علی اکبر قاضی زاده، تا رعیت قرنطینه آموز نوشته یوسفعلی میرشکاک، رینگ خونین نوشته سیدمحمد صاحبی، آگاهی سفتاویرو نوشته کورش علیانی، عیسی‌آمریکایی‌ها و مولا علی ایرانی‌ها نوشته محمدحسین جعفریان و پاساژ، سس تک‌نفره، جیغ لنت ترمز نوشته افشار مقدم آمده است.

همچنین بخش تهرانشهر با مطالبی از فریدون مجلسی، سیداکبر میرجعفری، سعید مروتی و ... و بخش پرونده با مطالبی از فریدون صدیقی، وحید عظیمی، احسان رضایی و ... همراه است.

درباره طنز این شماره از سه نقطه را نیز محمود فرجامی، اسماعیل امینی و فاطمه فهیمی نوشته‌اند.

وزن دنیا



شماره ششم مجله وزن دنیا با مروری بر یک قرن شعر عاشقانه ایران از ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۹ با تیتراژ یک از دوست دارم منتشر شد.

به گزارش ایستا، در این شماره وزن دنیا می‌توانیم از شاعران استان‌های تهران، آذربایجان غربی، البرز، ایلام، خوزستان و سمنان شعر بخوانیم. علاوه بر شعر این استان‌ها، دو بخش هم‌زبانان و کارگاه وزن دنیا بازتاب دهنده شعرهای شاعران کشورهای فارسی‌زبانی همچون افغانستان و تاجیکستان و شاعرانی از کشورهای دیگر است که به زبان فارسی شعر می‌نویسند و بخش دوم، منعکس‌کننده شعرهای آرسالی مخاطبان مجله است.

در بخش تعریف و تبصره این شماره، پرونده ای می‌خوانید درباره مروری بر یک قرن شعر عاشقانه ایران از ۱۳۰۰ تا ۱۳۹۹. از شاعرانی که در این پرونده به شعرهای عاشقانه آن‌ها پرداخته شده می‌توان به نیما یوشیج، مهدی اخوان ثالث، فریدون

توللی، نادر نادرپور، شاملو، فریدون مشیری، هوشنگ ابتهاج، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری، م آزاد، نصرت رحمانی، یدالله رویایی، حمید مصدق، منوچهر آتشی، محمدعلی سپانلو، خسرو گل‌سرخ، اسماعیل خوبی، احمدرضا احمدی، بیژن الهی، رضا براهنی، حسین منزوی، شهیار قنبری، اردلان سرفراز، محمد مختاری، سیدعلی صالحی، علی باباچاهی، شمس‌لنگرودی، ایرج جنتی عطایی و گراناز موسوی اشاره کرد.

در این بخش گفت‌وگویی با علی باباچاهی درباره شعر عاشقانه در ایران و کتاب عاشقانه‌ترین‌هایش منتشر شده است. همچنین در میزگردی با حضور محمدرضا اصلانی، حافظ موسوی، مه‌ری بهفر و آتفه چهارمحالیان به بررسی شعر عاشقانه امروز ایران و پهنه معانی و مفاهیم آن پرداخته شده است.

نگاه نو (خرداد)



شماره جدید فصل‌نامه نگاه نو ویژه آثار زنان ایرانی و با تصویر روی جلد ژاله آموزگار منتشر شده است. صد و بیست و چهارمین شماره از این مجله در بخش فرهنگی-هنری-ادبی با نوروز: جشن طبیعت، جشن ایرانیان نوشته ژاله آموزگار همراه است و با پرونده‌ای با عنوان ادای دین به زنان ایرانی با مقدمه امیلی جمشیدی، نوش آفرین انصاری نوشته فائزه اعیان، ژاله آموزگار نوشته رها موسوی، ایران درودی نوشته سحر آزاد، حورا یآوری نوشته نگین یآوری، گلی ترقی نوشته الهه خسروی یگانه، رخشان بنی‌اعتماد نوشته مینا اکبری، مریم زندی نوشته امیلی امرایی، فاطمه معتمدآریا نوشته گیسو فغفوری و نغمه ثمینی نوشته فرزانه ابراهیم‌زاده.



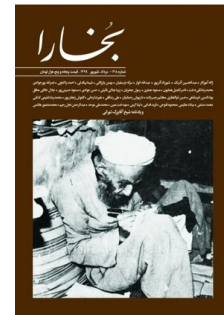
آخرین شماره اندیشه پویا منتشر شد. در این شماره گزارشی از شرح زندگی «نجف دریابندری» نویسنده و مترجم ایرانی و همراه با یادداشت‌هایی درباره وی، به زیور طبع آراسته شده است.

این شماره چیست

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

مجله

بخارا (ویژه تابستان)



مجله بخارا تابستانی، ویژه نامه علامه شیخ آقابزرگ تهرانی منتشر شد.

به گزارش ایسنا، در معرفی این شماره از «بخارا» آمده است: یکصدوسی و هشتمین شماره مجله بخارا که تصویر علامه شیخ آقابزرگ تهرانی را بر روی جلد دارد منتشر شد و از صبح شنبه (چهارم مردادماه) در کتابفروشی‌ها و دکه‌های روزنامه‌فروشی توزیع خواهد شد.

بخش ویژه یادنامه این علامه بزرگ حاوی مقالاتی است از: محمدرضا شفیعی کدکنی، عبدالحسین طالعی، ایرج افشار، محمدرضا حکیمی، رسول جعفریان، مهدی بامداد، کیوان سمیعی، سیدمحمد روضاتی، احمد پاکتچی، سیدمحمدمنصور طباطبایی، محسن معینی، سیدعبدالعلی حسینیون، سیدکاظم موسوی بجنوردی و عبدالله انوار.

همچنین عکس‌ها و دستنویس‌های منتشرنشده‌ای از علامه شیخ آقابزرگ تهرانی در این بخش آماده است.

مفاخر ماندگار

همین شماره دومانه فرهنگی «مفاخر ماندگار» از سوی انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی منتشر شد.

مصاحبه اصلی این دومانه در این شماره به گفت و گوی اختصاصی با احمد مهدوی

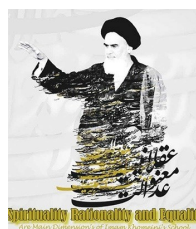
دامغانی استاد بازنشسته دانشگاه هاروارد اختصاص پیدا کرده است.

همچنین آثار و گفتارهایی از حسن بلخاری، مهدی



محقق، محمدرضا شفیعی کدکنی، سیدمصطفی محقق داماد، غیاث الدین طه محمدی، سیدجمال الدین دین پرور، میرجلال الدین کزازی، حسین کلباسی اشتری، منوچهرصدوقی سها، اصغر دادبه، رسول جعفریان، نجفعلی حبیبی، سیدعبدالله انوار، توفیق سبحانی، سیدصادق خرازی، مهدی حجت، کاوه خورابه، وحیدرضا قربانی، نادره جلالی، غلامرضا امیرخانی، سیداحمدرضا خضری، علی رواقی، محمد جعفری‌باقری و سیدمحمد منصور طباطبائی نیز در این دومانه منتشر شده است.

اگو اسلام



مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشارات بین‌المللی الهدی اقدام به انتشار ۲۶۸ شماره نشریه «اگو اسلام» ویژه بزرگداشت مقام و جایگاه حضرت امام خمینی (ره) به زبان انگلیسی کرده است.

مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشارات بین‌المللی الهدی وابسته به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی اقدام ویژه «اگو اسلام» به انتشار ۲۶۸ شماره نشریه بزرگداشت مقام و جایگاه حضرت امام خمینی (ره) مشتمل بر هشت مقاله به زبان انگلیسی کرده است. این نشریه فرهنگی، تحلیلی - خبری حدود سی سال است که به قلم صاحب نظران حوزه‌های مختلف، با رویکردی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، پیوسته به چاپ رسیده و در بیش از ۱۲۰ کشور جهان عرضه شده است

ماهنامه

نمایش



جدیدترین شماره ماهنامه نمایش، ویژه خرداد ۱۳۹۹ با نگاه ویژه به تئاتر و مرگ منتشر شد.

جدیدترین شماره ماهنامه نمایش، ویژه خرداد ۱۳۹۹ با نگاه ویژه به تئاتر و مرگ منتشر شد. در بخش

نگاه ویژه شماره ۲۴۹ ماهنامه نمایش به تئاتر و مرگ پرداخته شده است.

در این راستا مقاله‌های تصاویر شمایل‌نگارانه در تئاتر تادئوش کانتور نوشته دنیل جروولد با ترجمه مجید کیانین، ارائه مرگ؛ اشیا نمایشی غیرعادی در اجرای کلاس مرده تادئوش کانتور نوشته جاکوب یانتون با ترجمه سمیه یعقوبی و گفت‌وگو: گروه ووستر از تئاتر آوانگارد تادئوش کانتور الهام می‌گیرد، اجرایی لهستانی به سبک آمریکایی نوشته جان سلتز با ترجمه سمیه طیبی منتشر شده‌اند.

آرشیو ملی



رییس پژوهشکده اسناد در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران با اشاره به شرایط شیوع ویروس کرونا از ارائه نسخه دیجیتال نشریه «آرشیو ملی» در سایت کتابخانه ملی خبر داد.

غلامرضا عزیزی با اعلام این خبر، در توضیح انتشار نسخه دیجیتال نشریه «آرشیو ملی» گفت: به منظور کاهش هزینه‌های تولید، چاپ و تکثیر نشریات در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برنامه‌هایی پیش‌بینی شد که با توجه به شرایط پیش آمده و شیوع ویروس کرونا برآن شدید نسخه نشریات را به صورت دیجیتال ارائه دهیم.

وی تاکید کرد: به همین منظور شماره‌های ۱۸ تا ۲۰ نشریه «آرشیو ملی» به صورت نسخه دیجیتال ارائه می‌شود.

گیشه

تازه‌های سینمای ایران





شبا هت یکی از کاراکترهای فیلم شنای پروانه با «وحید مرادی» یکی از لات‌های معروف تهران، موجب اعتراض خانواده او به این فیلم شد.

ایست برهنه‌سخت

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

گیشه

معرفی و نقد فیلم شنای پروانه

شنای پروانه

کارگردان: محمد کارت

خلاصه داستان: فیلمی از زنی به نام پروانه (طناز طباطبایی) در حین شنا در استخر در فضای مجازی منتشر می‌شود. حالا هاشم شوهر پروانه (امیر آقایی) و برادرش حجت (جواد عزتی) به دنبال انتقام گرفتن از کسی که این فیلم را منتشر کرده هستند، اما...

نظر منتقدان

علی منصوری: دقیق‌ترین کلمه‌ای که می‌توان درباره‌ی فیلم شنای پروانه گفت، «درست» است. شنای پروانه فیلم درستی است. فیلمی که هیاهوی روشنفکرانه ندارد. ناتوانی در انتقال حرفش را پشت ابهام‌گویی پنهان نمی‌کند. از مسئله‌ای که در آن ناآگاه است، سخن نمی‌گوید. سنگ بزرگی بر نمی‌دارد و تنها یک فیلم خوب می‌سازد.

فیلم شنای پروانه از غیرت می‌گوید از حجتی که عزت می‌شود برای فرزندی که قرار است باشد و عزتی که حجت می‌شود برای سرنوشت. سرنوشتی که گاه در مبل قرمز پنهان می‌شود، گاه در پشت تابلوی از مونا لیزا بهتر یافت می‌شود و گاه پای سفره‌ی یک خانواده در جنوب شهر رخ می‌نماید. با آنکه فیلم شنای پروانه اثر متوسطی در داستان، ساخت، شخصیت‌پردازی، ریتم و فضا سازی است اما بدون شک دو مسئله این فیلم را در بین آثار سینمای ایران متمایز می‌کند اولین و مهمترین مسئله یک روح ایرانی پایین شهری در خلال شخصیت‌پردازی و فضا سازی فیلم است و دومین مسئله برآمده از همین روح است که پایان‌بندی درخشان این فیلم است. پایان‌بندی‌ای که در آن قهرمان فیلم به یکباره هدفی که در طول فیلم دنبال می‌کند را تغییر می‌دهد و به سمت از بین بردن شرارت می‌رود حتی اگر در این راه برادر خود را از دست دهد. اینکه حجت (با بازی جواد عزتی) در این تصمیم، به دام انتقام شخصی نمی‌افتد و مصیب را با پول خودش به

کام مرگ می‌کشاند ابتکار بسیاری است که به واقع فیلم را با یک جهش بزرگ به سمت جهانی امیدبخش می‌کشاند. بازی جواد عزتی در این فیلم بسیار کنترل شده و به دور از اغراق‌های همیشگی این بازیگر است و همین موضوع برای تماشاگر بداعت غیر منتظره‌ای دارد به شکلی که هر لحظه این انتظار از او می‌رود که شیر درون خود را بفراند تا به نوعی نقش مشابهی که در فیلم لاتاری ایفاگر آن بود را به نمایش بگذارد اما به واقع کنشگری حجت در این فیلم اساسا جنس متفاوتی دارد و دقیقا نقطه‌ی مقابل کاراکتر عزتی در لاتاری است.

برادر نوشین در لاتاری یک بی‌مغز غیرتی ساده‌لوح است که تنها به فکر این است که خشم ناشی از ظلم به خواهرش را جایی خالی کند و خلاص شود اما حجت به عنوان برادر هاشم (با بازی امیر آقایی) یک انسان باهوش و با فکر و غیرتمند است که همانقدر که به بیرون آمدن برادرش می‌اندیشد به آبروی پروانه نیز اهمیت می‌دهد. نشانه‌ی این هوشمندی دقیقا یکی از سکانس‌های اولیه‌ی فیلم شنای پروانه است یعنی زمانی که به او خبر یک فاجعه را داده‌اند و او عملا وارد یک وضعیت پیچیده شده است اما در مقابل سلیبی مشتری، فقط عذرخواهی می‌کند و همچنین منطق عقلی خود را نیز در چند جمله کوتاه به خوبی بیان می‌کند که کار بد و ناقص انجام نمی‌دهد تا تماشاگر فیلم، یک کاراکتر درست و پیوسته با اصولی ثابت را در طول فیلم ببیند.

بدون شک جواد عزتی دقیقا برای ایفای چنین نقشی، مستحق تشویق و ستایش است چرا که کنشگری کاراکترش به شکل نقشی که او در لاتاری بازی می‌کرد، در این فیلم کاملا بیهوده و بی‌منطق می‌نمود اما همین که او به سمت یک بازی متناسب با کاراکتری که در فیلمنامه خلق شده می‌رود نشانه‌ی یک بلوغ حرفه‌ای در این بازیگر توانمند است.

اما در این بین فقط عزتی و همچنین پدر حجت و هاشم توانسته‌اند که از پس نقش‌های پیچیده خود

بربیایند اما دیگر بازیگران متاسفانه در این کار موفق نیستند و حتی گهگاه موجب ضعف فیلم هم شده‌اند. نمونه‌ی بارز این مسئله بازی به شدت بد و آگزجری امیر آقایی در نقش هاشم است که البته مشکل اصلی این کاراکتر بیشتر به شخصیت‌پردازی آن در فیلمنامه بازمی‌گردد و جای مانور بسیار کمی نیز دارد اما به هرحال آن دلچسپی همیشگی که در امیر آقایی شاهد هستیم را در این نقش مشاهده نمی‌کنیم.



صوفیا نصر الهی: محمد کارت را نمی‌شود متهم کرد که به سندروم فیلم‌هایی مثل «ابد و یک روز» یا «مغزهای کوچک زنگ زده» مبتلا شده و فیلم «شنای پروانه» را ساخته است. او قبل از همه با مستند «خون مردگی» علاقه‌اش را به طبقه‌ی حاشیه‌ی شهر و به خصوص دار و دسته‌های شرور و خلافکار نشان داده بود. «شنای پروانه» تا امروز قابل توجه‌ترین فیلم جشنواره است و البته این خطر در کمین کارگردان جوانش است که فیلم را بیش از اندازه تحسین کنند و از مسیرش منحرف شود. «شنای پروانه» شروع خیلی خوبی دارد. زنی ترسیده و حرکت دوربینی که اضطراب او را به تماشاگر القا می‌کند. اسم زن پروانه است و خیلی زود متوجه می‌شویم که او همسر هاشم یکی از گنده‌لات‌های شرور است که فیلمی از او در فضای مجازی منتشر شده و حالا از عکس‌العمل شوهرش واهمه دارد. آغاز

بازی جواد عزتی در فیلم شنای پروانه، با تحسین گسترده منتقدان روبرو و از او به عنوان بازیگری توانمند و هوشمند که از پس ایفای نقش دشوار خود، به خوبی برآمده یاد شده است.



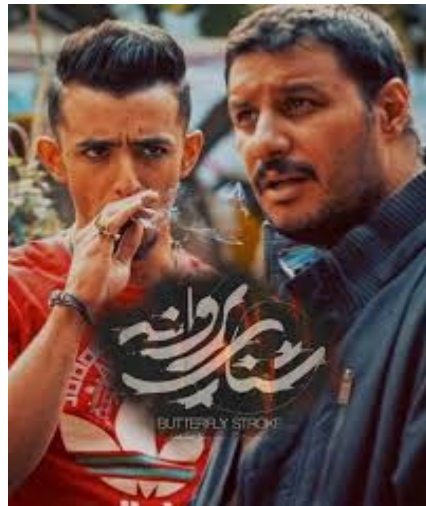
ایست برهنه معنا

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

گیشه

بزند. اما داستان لو نمی‌رود. بی‌مزه و کلیشه‌ای نمی‌شود. تکنیک‌های فیلمبرداری توی چشم مخاطب فرو نمی‌رود. یک روایت ساده، اما دلپره‌آور. فیلم شنای پروانه، داستانی در جامعه ماست. بخشی که آشنا نیست برای خیلی‌ها. اما چه بخواهیم چه نخواهیم درون همین جامعه است. شما بگویید زیر پوسته. مثل اولین باری که اسم وحید مرادی را شنیدیم. خبرش را خواندیم. دیدیم عجب دنیایی دارند. طرفدار و هواداری دارند. گنده لات و نوچه‌ای. مرام و مسلکی. آداب و آیینی؛ و همچنان دارند؛ و همچنان هستند، اما خیلی از ما بی‌خبریم که هستند. در فیلم شنای پروانه پا به پای جواد عزتی که حجت است در فیلم، سر می‌کشیم به محل‌های که آشنا نیست. نه از آن‌ها که مرسوم‌اند در فیلم‌ها و آدمایشان تکراری است. دلمان می‌تپد، می‌لرزیم، یکی باید دست حجت را بگیرد که داداش من نرو. تو که سر به راه بودی نرو. می‌رود، تاوان دارد، اما می‌رود؛ اگر نرود با گیره بال‌های پروانه، چه کند؟! فیلم شنای پروانه شاید شاهکار نباشد، اما داستان خوبی است. مثل آرامش غمباری که صبح فردای حادثه، هوار می‌شود روی دل حجت. روی دل بیننده. مثل دردی که باید بماند گوشه جگر تا همیشه و بیرون نریزد هیچ‌وقت... مثل آنچه هست، ولی بهتر که بگوییم نیست. مثل آن‌ها هستند، بهتر

ترسناک افتاده. دنیا دور سرش می‌چرخد. هر طرف، همه‌جا شکارچپانی سر فرو برده، تله او را تماشا می‌کنند انگار. پروانه تلاش می‌کند سرپا بماند. تلاش می‌کند انرژی از دست‌رفته‌اش را جمع کند. باید شجاع باشد تا نجات بیابد. اما وحشت و بی‌پناهی است که از حدقه چشمان طنز طباطبایی سر ریز می‌کند توی صورت شهر. تلاشی بی‌هوده برای مخفی کردن موها. موهایی سمج که زیر روسری آرام و قرار نمی‌گیرند. حجاب پروانه سر لچ افتاده انگار. مهار این



حجاب دشوار است دیگر. خیلی دشوار. فیلم شنای پروانه، درباره پروانه‌هاست. تکلیف قصه زود روشن می‌شود. حادثه اتفاق می‌افتد و بعد مخاطب است که دنبال قهرمان راه می‌افتد تا از عاقبت ماجرا سر در بیاورد. یک گیره سر، که باز و بسته شدنش مثل بال زدن پروانه‌هاست. این گیره باید وجدان انسان را زنده نگه دارد. تا تکلیف تله گذار و تله انداز را یک سره کند. لوکیشنی داریم همان ابتدا. با آتشی که زبانه می‌کشد. خطرناک به نظر می‌رسد. آتش یعنی این محل همان جایی است که

باید سره از ناسره جدا شود. چکش بخورند آهن‌ها و آدم‌ها. اما این درهای فرو رفته هیچ وقت مثل روز اول نمی‌شوند. بدون رنگ نمی‌شود. رنگ دارند آهن‌ها و آدم‌ها که نمی‌دانی زیر ظاهرشان چه باطنی است. کارگردان فیلم شنای پروانه یکی دو نکته باریک گنجانده، برای بیننده باهوش که حدس‌هایی

فیلم با به هم ریختن شهر توسط دار و دسته‌ی هاشم تکان دهنده از کار درآمده. فیلم محمد کارت



بی‌واسطه‌تر و ژورنالیستی‌تر از فیلم هومن سیدی با آدم‌های این طبقه برخورد می‌کند. درامش گزارش‌گونه است اما به همان نسبت در شخصیت‌پردازی‌ها هم به صورت گذری و در حد یک معرفی صرف عمل می‌کند. جواد عزتی بازی خوبی دارد. هر چند همان جواد عزتی جنوب شهری فیلم «جان دار» دوماری و پورامیری است که اتفاقاً این جا هم در نوشتن فیلمنامه با محمد کارت همکاری داشته‌اند. بازی کوتاه طنز طباطبایی شایسته‌ی دیده شدن برای نقش مکمل زن است. امیر آقایی گریم بحث‌برانگیزی دارد که او را شبیه وحید مرادی کرده و اگر بخواهیم منصف باشیم بیشتر تاثیر چهره‌پردازی‌اش تکان دهنده است تا داد و بیدادهایی که می‌کند. بعد از مدت‌ها یک دوربین روی دست در فیلم می‌بینیم که واقعا کارکرد دارد و به حس فیلم کمک زیادی می‌کند. اجرای محمد کارت هم علاوه بر فیلمبرداری و بازی‌های خوب قابل قبول و استاندارد است. فقط کارگردان در گرفتن بعضی نماها باید خست بیشتری به خرج می‌داد. این میزان از خشونت و چرکی تماشاگر را دلزده می‌کند. قبول که واقعیت این آدم‌ها و آن محله همین است. اصلا به فرض که واقعیت از این هم چرک‌تر و سیاه‌تر باشد اما وقتی در درامت هیچ نقطه‌ی روشن و آدم دوست‌داشتنی نداشته باشی نتیجه‌اش این می‌شود که مثل «شنای پروانه» تاثیرگذاری‌ات را از دست می‌دهی. وقتی نقطه عطف فیلم اتفاق می‌افتد و تکلیف آدم بده قصه مشخص می‌شود عملاً تکان نمی‌خوریم. از این آدم‌ها توقع هر چیزی را داریم.

زهرآ فدایی: فیلم شنای پروانه با ریتمی نفسگیر شروع می‌شود. پروانه‌ای که در تله‌ای



که نبینیمشان. مثل قسم‌های معتاد و مشروب‌فروش، گناهکار و آدم‌فروش، که شاید اعتقادی دارند ته ته دلشان، راحت‌تر که بگوییم ندارند. سنگ بگذاریم روی ننگ و تمام...



فیلم جهان با من برقص، تلاش کرده است تا مسئله مرگ را با رویکردی متفاوتی مورد بحث قرار دهد.

اینترنت

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

گیشه

سرفشی و نقد فیلم جهان با من برقص

روستایی که به تصویر کشیده می‌شود شبیه روستاهایی که می‌شناسیم نیست. قطعا نقش سینا کرمانی‌زاده را در به تصویر کشیدن قاب‌های خوش آب و رنگ فیلم «جهان با من برقص» «نباید نادیده گرفت. جهانی که سروش صحت خلق کرده و از آن به عنوان جهان شخصی‌اش یاد می‌کنیم به کمک رنگ و نور و فیلمبرداری کرمانی‌زاده روی پرده تصویر شده است.

از نکته‌های مثبت فیلم می‌شود به گروه بازیگرانش اشاره کرد. به جز سیاوش چراغی‌پور که به نظر می‌رسد کمی در شیرین‌کاری زیاده‌روی می‌کند بقیه‌ی گروه بازیگران فیلم به گرمای آن اضافه می‌کنند.

اما مشکل از همین جا شروع می‌شود که این گرما و بامزگی کافی نیست. لحن فیلم یکنواخت



است و قرار هم نیست که از جایی به جای دیگر برسد و به همین دلیل نیاز به شاه‌سکانس‌هایی داشت که در حال حاضر فیلم فاقد آن است. نیاز به دیالوگ‌ها و ترانه‌ها و موسیقی داشت که به فیلم حس و حال بیشتری بدهد. جوی نیاز دارد که از چنین سکانس‌هایی ناشی شود.

با وجود کم و کسری‌هایش فیلم را دوست دارم و اثر قابل‌تاملی است چون فیلمساز جهان خودش را ساخته است. در روزگاری که فیلمسازان ما دائم دوربیشان روی مصائب اجتماعی می‌چرخد این نوع جالبی است.

هر وقت دیگری ذهنمان را مشغول کرده است اما برخوردها با مرگ آن چیزی است که تفاوت‌ها را شکل می‌دهد و نگاه کارگردان به مرگ در فیلم جهان با من برقص مختص به خودش است.

فیلم اسم بامسمایی دارد. جهان هم نام کاراکتر اصلی فیلم است و هم استعاره‌ای از دنیایی که دل‌مان می‌خواهد به کاممان باشد و به سازمان برقصد و نمی‌خواهد در شرف مرگ است. جهانی که از شهر کنده و بعد از جدایی از همسرش به دل طبیعت رفته. جهانی که در این سال‌ها با همدم شدن با روستاییان و پرورش گاو و اسب و کشاورزی به نظر می‌رسد که دوباره به زندگی دل داده و به آرامش رسیده که دلش نمی‌خواهد از آن جدا شود. اگر کتاب

تاتار خندان غلامحسین ساعدی را خوانده باشید کاراکتر جهان کمی یادآور قهرمان آن کتاب است.

در تاتار خندان دکتر بعد از یک شکست عشقی خودش را به یک روستای دورافتاده در حقیقت تبعید می‌کند.

بعد از دل‌زندگی روزمره و عادی روستاییان به کشف زندگی می‌رسد. جهان که به نظر می‌رسد معنای زندگی را کشف کرده محکوم به مرگ است اما فیلم مرگ را بهانه‌ای قرار می‌دهد تا رفتار آدم‌ها با یکدیگر، عشق و خشم و نفرتشان را در چنین شرایطی به تصویر بکشد و به همین دلیل هم به نظرم با این که فیلم اجتماعی نیست بیشتر از هر فیلم دیگری به درد حال و روز امروز ما می‌خورد. دوستان جهان به روستا می‌روند تا برای تولدش یک‌بار دیگر دور هم جمع شوند. جمع دوستانه‌ای که به دلایل مختلف خیلی از آن‌ها از هم فاصله گرفته‌اند. دو نفرشان دلخوری عمیق دارند. یکی مهاجرت کرده و از راه دور با آن‌ها گپ می‌زند. بقیه هم پی‌زندگی خودشان رفته‌اند. مرگ احتمالا تنها چیزی است که می‌تواند آن‌ها را دور هم جمع کند.



جهان با من برقص

کارگردان: سروش صحت

خلاصه داستان: دوستان جهانگیر برای آخرین تولد او دورهم جمع شده‌اند. این موقعیت موجب می‌شود آن‌ها درباره زندگی و خودشان فکر کنند.

نظر منتقدان

صوفیا نصراله‌هی: فیلم جهان با من برقص بدشانسی آورد. اولین فیلم سروش صحت از وقتی اکران شده کشور در معرض اتفاقات مهیب قرار گرفته و مردم حال و حوصله‌ی سینما رفتن ندارند. رئیس انجمن سینماداران گفته که در عرض دو هفته‌ی اخیر سینماها ۵۰ درصد افت فروش داشته‌اند که طبیعی است. این وسط اما فیلمی که پتانسیل فروش داشت و حیث شد «جهان با من برقص» بود. راستش از آن فیلم‌هایی نیست که دیدنش را بشود به همه توصیه کرد با این حال در این روزها سوژه‌اش که در حقیقت مرگ است و روابط بین آدم‌ها که حول مرگ شکل می‌گیرد، قابل‌تامل است. دلیل این که می‌گویم نمی‌شود دیدنش را به همه توصیه کرد به خاطر شیوه‌ی اجرایی سروش صحت در روایتش از مرگ است که به گفته‌ی خودش همیشه جزو دغدغه‌های اصلی‌اش بوده است. مرگ برای ما مفهوم آشنایی است. این روزها که بیشتر از



زمان اکران اولین فیلم بلند سروش صحت، با وقوع بحران‌هایی همچون شیوع بیماری کرونا همراه شد و نتوانست استقبال کافی از مخاطبان را بدست آورد.

ایستگاه سینمایی

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

گیشه

یاسمن خلیلی فرد: جهان با من برقص، نخستین فیلم بلند سینمایی سروش صحت است که پیش‌تر تجربه‌ی ساخت چند سریال موفق را در تلویزیون داشته است. فیلم او اثری حرفه‌ای، لطیف و در عین حال متفکرانه است با شخصیت‌هایی که به خوبی می‌شناسیمشان. جهان با من برقص فیلمی است که با لحنی طنز به یکی از تلخ‌ترین حقیقت‌های زندگی بشر یعنی مرگ می‌پردازد. صحت، که خود فیلمنامه‌ی فیلمش را نوشته است، به درستی از نشانه‌ها و اسلوب‌های زانری در جهت دستیابی به واقع‌ای مهلک استفاده می‌کند؛ واقع‌ای که آدم‌های قصه با شوخی‌ها، نمک‌پرانی‌ها و بعضاً دعوایها و بگومگوهایشان آن را به‌شدت باورپذیر و تلطیف‌شده می‌کنند. سروش صحت ضمن آن که می‌کوشد فضای کار خود را کاملاً رئالیستی از آب درآورد و جوه سوررئالی را نیز در بطن کارش قرار می‌دهد تا به موازات رخدادهای کاملاً واقع‌گرایانه‌ی داستان، بر بُعد ماورایی و غیرمادی آن نیز تسلط داشته باشد.

موسیقی ذهنی جهان (با بازی خوب علی مصفا) و آن مینی‌بوس قرمز در حال گذر به ظرافت بر نشانه‌هایی دلالت می‌ورزند که فیلمساز از بیان مستقیم آن‌ها اجتناب کرده است؛ مفاهیمی که در لایه‌های زیرین متن کار قابل خوانش‌اند.

سروش صحت در جهان با من برقص ثابت می‌کند که مهارت بسیاری در روایت‌پردازی دارد و درام را بی‌نقص و بی‌سکته جلو می‌برد. او از هیچ‌یک از شخصیت‌هایش غافل نمی‌شود و به میزان مساوی به همه‌شان توجه نشان می‌دهد و روابطشان را با یکدیگر موشکافانه بررسی می‌کند و تفاوت جهان ... با دیگر نمونه‌های مشابه آن شاید همین همین باشد که فیلمساز تمرکز خود را به صورت همه‌جانبه بر شخصیت اصلی درحال احتضارش نشانه نرفته و گاه با برجسته ساختن دیگر شخصیت‌های فیلم و ارجحیت یافتن آن‌ها بر شخصیت اصلی علاوه بر تکامل شخصیت اصلی به وسیله‌ی اطرافیانش، سایه‌ی سنگین مرگ بر کل فضای قصه را نیز کمرنگ و بی‌اهمیت می‌کند و بر لزوم جدی نگرفتن مرگ تأکید می‌ورزد. جهان با من

برقص حاصل مجموعه‌ی درستی از انتخاب‌هاست که به خلق فیلمی شسته‌رفته و قابل‌اعتنا منجر شده است.

ایرنا: سروش صحت نویسنده، بازیگر و کارگردانی تلویزیونی است که در عرصه طنز یکی از کاردرست‌ترین حوزه خود است. کارگردانی که طنز را خوب شناخته و حالا با اولین تجربه کارگردانی سینمایش نشان داد که در عرصه سینما نیز حرف‌هایی جدی برای گفتن دارد.

سروش صحت توانست با اولین فیلم سینمایی خود، جهان با من برقص برنده سیمین بهترین در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر شود. درامی کم‌دی که با نویسندگی مشترک سروش صحت و ایمان صفایی ساخته شد.

در دی ماه سال گذشته جهان با من برقص به اکران درآمد و با بدشمنی اکرانش با شیوع کرونا همراه شد اما در همین شرایط نیز در گیشه هاز آن استقبال خوبی شد و فروشی خوبی داشت و اکنون در نمایش



تمامی شخصیت‌های در فیلم می‌توانید ارتباط بگیرید و برای همیشه این فیلم را در آرشیوتان نگه دارید تا هر زمان که حالتان درگگون بود آن را ببینید و حالتان خوب شود.

زومجی: سروش صحت برای ساخت اولین فیلم سینمایی اش بهترین انتخاب ممکن را داشته. او با در نظر گرفتن وضعیت کلی سینمای ایران و آثار اجتماعی که روی پرده سینما رفته، دست روی سوژه‌ای گذاشته که مخاطب چند سال اخیر سینما احتمالاً استقبال مناسبی از آن خواهد کرد. داستان فیلم جهان با من برقص با تلخی آغاز می‌شود. قصه درباره مرگ شخصیت اصلی داستان است! این آغاز داستان در سینمای ایران بهانه بسیار خوبی برای آغاز یک تلخی بی پایان است اما خوشبختانه صحت از مسیر متفاوتی وارد ماجرا شده و تلخی اثر را از بین برده است. تماشای جهان با من برقص فارغ از مشکلاتی که در فیلمنامه دارد، حس خوشایندی به مخاطب می‌دهد. شخصیت‌های دوست داشتنی و شوخی‌هایی که که اغلب شان در اجرا

گرفته‌اند و برخی ارجاعات به سینماگران جهانی از جمله بونوئل و آنتونیونی، نشان از این دارد که صحبت در اولین ساخته سینمایی اش به اندازه کافی در کارگردانی مسلط بوده و می‌دانسته که قرار است قصه اش چه سمت و سویی داشته باشد. سیر تغییر روحیات شخصیت‌ها مسیر نسبتاً خوبی را طی می‌کند تا اینکه به نقطه‌ای برسد که بتواند حرف مورد

نظرش را به مخاطب بزند. تقابل آنها با یکدیگر و جنگ و دعوایشان در طول داستان کنایه‌ای به وضعیت امروز ماست که زیبایی‌های زندگی را به حال خود رها کرده ایم و به مسائل بی‌ارزشی پرداخته ایم که روی زندگی مان تاثیر گذاشته است و چه بد که بخش بزرگی از روزگار مان به چنین اشتباهاتی می‌گذرد.

خانگی به نمایش گذاشته شده است. جهان با من برقص با طنزی زیرکانه یکی از پرمسئله‌ترین مسائل انسان و بشریت یعنی مرگ را به تصویر می‌کشد. در این فیلم روایت از مرگ داده می‌شود که فارغ از پایان‌بندی فیلم مخاطب با لحظه لحظه آن قربانیت را حس می‌کند.

فیلمی که به دور از ابتدالی که گریبان‌گیر اکثر فیلم‌های سینمایی ایران شده است با محتوا و لحنی مناسب مسئله مرگ را مطرح می‌کند و باعث خنداندن و تفکر مخاطب می‌شود.

جهان با من برقص فیلمی است که حالتان را خوب می‌کند و همان لحظه که تیتراژ فیلم بالا می‌آید دوست دارید که از ابتدا باز آن را ببینید... فیلمی که با

کاغذ اخبار

مروری بر اخبار فرهنگی خرداد و تیر ۱۳۹۹

- ♦ ساخت یک مستند درباره زندگی «مرحوم حسنیعلی البرز»
- ♦ راهیابی دو انیمیشن ایرانی به جشنواره هیروشیما
- ♦ رضا افضلی درگذشت
- ♦ دسترسی به برخی منابع مرجع انتشارات کتابخانه ملی رایگان شد
- ♦ غلامرضا سحاب درگذشت
- ♦ تغییر گروه‌بندی رده‌های سنی در کتاب‌های کانون
- ♦ سید عباس صالحی: کرونا به اقتصاد حوزه نشر و چاپ ضربه زده
- ♦ انتصاب رییس جوان به ریاست حوزه هنری



به منظور پاسداشت یاد استاد نجفی در عرصه ترجمه و تشویق مترجمان در اعتلای زبان فارسی، مرکز فرهنگی شهر کتاب مراسم چهارمین دوره جایزه ابوالحسن نجفی را در بهمن سال جاری برگزار می‌کند.

اینست **کتاب**

کاغذ اخبار

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

رویدادهای فرهنگی تیر و خرداد ۱۳۹۹

ساخت يك مستند درباره زندگی

«مرحوم حسینعلی البرز»

مجموعه دو قسمتی (۴۵ دقیقه‌ای) «صفر و بی نهایت» درباره زندگی مرحوم حسینعلی البرز، از مشاهیر علمی - آموزشی کشور در حال تولید است. طبق اعلام دست اندرکاران، این مجموعه با توجه به ضرورت معرفی هر چه بیشتر شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار کشورمان تولید می‌شود.

جلیل فرجاد - بازیگر نقش مرحوم حسینعلی البرز - در کنار فرهاد معماری - از همکاران دانشگاه هنر، علی صابری و بنیامین صفاپور در این مجموعه به ایفای نقش می‌پردازد و کارگردانی مجموعه را مهدی ضحاک و سجاد فرامرزی به طور مشترک برعهده دارند.

اسناد بنیاد البرز، کتاب چهره ماندگار وقف به قلم منوچهر فقیه و روزنامه‌های اطلاعات و کیهان از منابع استفاده شده در این مستند هستند.

تصویب‌برداری از افرادی که مرحوم حسینعلی البرز را درک کرده‌اند و دانشجویان و افراد موفق که از بنیاد البرز جایزه گرفته‌اند و همچنین بازسازی زندگی مؤسس بنیاد فرهنگی البرز از دوران کودکی تا لحظه مرگ و پیشرفت بنیاد بعد از انقلاب اسلامی در بیش از ۲۰ محل مختلف، از مراحل ساخت مجموعه «صفر و بی نهایت» است.

راهیابی دو انیمیشن ایرانی به

جشنواره هیروشیما

انیمیشن کوتاه «خرچنگ» ساخته شیوا صادق‌اسدی، همراه با انیمیشن «گرگم و گله می‌برم» به کارگردانی امیرهوشنگ معین از تولیدات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به هجدهمین جشنواره بین‌المللی

انیمیشن هیروشیما ۲۰۲۰ راه یافت.

جشنواره دوسالانه انیمیشن هیروشیما یکی از مهم‌ترین جشنواره‌های انیمیشن جهان و مورد تایید جایزه آکادمی اسکار برای فیلم‌های کوتاه است که امسال از ۳۰ مرداد تا ۳ شهریور ۱۳۹۹ برابر با ۲۰ تا ۲۴ آگوست ۲۰۲۰ بدون حضور مخاطبان در شهر هیروشیما ژاپن برگزار خواهد شد.

رضا افضلی درگذشت

رضا افضلی (شاعر، پژوهشگر و استاد دانشگاه) پنجشنبه، ۱۹ تیرماه در سن ۷۲ سالگی بر اثر سکته مغزی در بیمارستان جوادالائمه مشهد، درگذشت. رضا افضلی متولد دهم مهرماه ۱۳۲۷ در فریمان بود. او همچنین رییس انجمن «کافه داش آقا» مشهد بود. «در شهر غم گرفته پاییز» اولین اثر شعری او بود که در سال ۵۷ به چاپ رسید. «نگاهی از ساحل به دریا»، «آهوی ارغوانی» و «شناخت‌نامه محمد قهرمان» از دیگر کتاب‌های افضلی به شمار می‌روند.

دسترسی به برخی منابع مرجع

انتشارات کتابخانه ملی رایگان شد

با توجه به شیوع ویروس کرونا و تعطیلی دانشگاه‌ها و نبود امکان مناسب به منابع فیزیکی، دسترسی رایگان به منابع اصلی و مرجع انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی در حوزه آرشیو، اسناد، کتابداری و نسخه پژوهی به همت اداره کل پژوهش و آموزش سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران فراهم شد.

پژوهشگران، اساتید، دانشجویان و دیگر علاقه‌مندان برای استفاده از این منابع رایگان و دسترسی برای مشاهده یا دریافت فایل pdf می‌توانند به صورت رایگان به این منابع دسترسی پیدا کنند.

غلامرضا سحاب درگذشت

غلامرضا سحاب پیشکسوت صنعت چاپ و نشر پیش از ظهر امروز سه‌شنبه ۱۷ تیر درگذشت. وی که متولد ۱۳۲۷ بود آثار مهمی در حوزه جغرافیا و مطالعات جغرافیایی در کارنامه دارد.

اصول علم جغرافیا: جغرافیای محمد صفی‌خان نسخه برابر اصل (شناخت از سه کتاب درسی جغرافیایی)، اطلس شصت سال کارتوگرافی (نقشه‌نگاری) آثار قلمی استاد عباس سحاب ۱۳۷۳ - ۱۳۱۳ شمسی، اسناد تصویری کلات نادری و سرخس، پسر طبیعت (قصه‌های بن یقظان)، دومین اطلس جغرافیایی دوره قاجار: شامل نقشه‌های ایران، تهران و قاره‌های جهان در یکصد و بیست سال قبل و ... از جمله آثار غلامرضا سحاب هستند.

وی فرزند عباس سحاب بنیان‌گذار مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب و کارتوگراف (نقشه‌نگار) معروف بود.

پس از درگذشت وی بسیاری از مسئولان سیاسی و فرهنگی کشور همچون وزیر امور خارجه، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدیرکل دفتر چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیام‌های تسلیتی را صادر کردند.

انتشار فراخوان جایزه «ابوالحسن

نجفی»

به منظور پاسداشت یاد استاد نجفی در عرصه ترجمه و تشویق مترجمان در اعتلای زبان فارسی، مرکز فرهنگی شهر کتاب مراسم چهارمین دوره جایزه ابوالحسن نجفی را در بهمن سال جاری برگزار می‌کند و از بهترین ترجمه رمان و مجموعه داستان کوتاهی که در سال ۱۳۹۸ منتشر شده، با اهدای جایزه و نشان ابوالحسن نجفی تقدیر می‌کند.

بتین گلکار با ترجمه رمان «آشیانه اشرف» اثر



علیرضا راهب از شاعران، ترانه‌سرایان و نظریه‌پردازان ادبی که در صفحه شخصی اینستاگرامش از ابتلایش به ویروس کووید ۱۹ خبر داده بود، پنجشنبه ۵ تیرماه در بیمارستان آتیه درگذشت.

ایستگاه‌های معنی

کاغذ اخبار

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

ایوان تورگنیف، محمد همتی با ترجمه رمان «مارش رادتسکی» اثر یوزف روت و زینب یونسی با ترجمه رمان «زلیخا چشم‌هایش را باز می‌کند» اثر گوزل یاخینا برگزیدگان سه دوره‌ی گذشته این جایزه بوده‌اند. مهستی بحرینی، ضیا موحد، حسین معصومی همدانی، عبدالله کوثری، موسی اسوار، ابوالفضل حری و آبتین گلکار هیات داوران چهارمین دوره جایزه را تشکیل می‌دهند و علی اصغر محمدخانی دبیری این دوره از جایزه را بر عهده دارد.

تغییر گروه‌بندی رده‌های سنی در کتاب‌های کانون

دسته‌بندی سنی مخاطبان کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پس از سال‌ها تغییر کرده و تقسیم‌بندی جدیدی برای تولید آثار ارایه شده است.

این تغییر در شیوه دسته‌بندی گروه‌های سنی محصولات کانون پرورش فکری با بررسی تجربه‌های جهانی و شرایط بومی صورت گرفته است.

در دسته‌بندی جدید، گروه‌های سنی همچون «نوزاد»، «۲+»، «نوگام»، «۴+»، «نوباوه»، «۷+»، «نوخوان»، «۹+»، «نونهال»، «۱۲+»، «نونگاه»، «۱۵+»، «نوجوان» و «اولیای تربیتی، مربیان و پژوهش‌گران» نام‌گذاری شده است.

در ساختار جدید، کمترین سن لازم برای مطالعه، پشت جلد کتاب‌ها درج شده و سقفی برای هر گروه سنی تعیین نشده، بلکه فقط ابتدای آن اعلام شده است. در پشت جلد کتاب‌های جدید کانون جدولی افقی طراحی شده که هر خانه آن به یکی از رده‌بندی‌های سنی اختصاص دارد و گروه سنی کتاب مورد نظر با رنگ سبز تعیین می‌شود.

علیرضا راهب درگذشت

علیرضا راهب از شاعران، ترانه‌سرایان و نظریه‌پردازان ادبی که در صفحه شخصی اینستاگرامش از ابتلایش به ویروس کووید ۱۹ خبر داده بود، پنجشنبه ۵ تیرماه در بیمارستان آتیه درگذشت.

راهب متولد سال ۱۳۴۶ در تهران و دانش‌آموخته رشته حقوق از دانشگاه تبریز بود. راهب شعر را از سال‌های دهه ۶۰ آغاز کرد. او یک دوره ده‌ساله در شهر تبریز سکونت داشت و این فرصت مناسبی بود تا زبان و ادبیات ترکی را بیاموزد. از جمله آثار علیرضا راهب می‌توان به «دو استکان عرق چهل گیاه»، «عشق پاره وقت» و «به احترام سی و پنج سال گریه نکردن» اشاره کرد.

سید عباس صالحی: کرونا به اقتصاد حوزه نشر و چاپ ضربه زده

سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در جلسه علنی امروز (یکشنبه ۲۵ خرداد) مجلس شورای اسلامی گفت: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در چند حوزه فعالیت‌های زیادی داشته است که نخستین آن حوزه فرهنگ است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه داد: نهاد کتابخانه‌های عمومی از نهادهای وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است؛ امسال ما ۳۶۵ کتابخانه عمومی از جمله ۵ کتابخانه مرکزی را ساختیم که هر یک تبدیل به باشگاه کتابخانه‌ای شده‌اند.

وی گفت: طرح‌های مختلف کتابخوانی را برگزار کردیم که در کتابخوانی رضوی یک میلیون نفر شرکت کردند. ۳۵ پروژه ناتمام وجود دارد که ۳۳ پروژه پیشرفت ۶۵ درصدی داشته‌اند و امیدوارم مجلس برای به اتمام رساندن این پروژه‌ها به ما کمک کند.

وی تأکید کرد: ۷ هزار و ۴۰۰ نفر در نهاد

کتابخانه‌های عمومی مشغول به کار هستند که حقوق سالانه آنان ۴۰۰ میلیارد تومان است که اگر آن ۵۰ درصدی که به مابقی نهادها داده می‌شود به این نهاد داده شود، بیش از ۵۰۰ میلیارد تومان خواهد شد که دولت تنها ۲۰۰ میلیارد و شهرداری زیر ۲۰۰ میلیارد پرداخت می‌کند. اعتبار به دست آمده از نیم درصد شهرداری‌ها نیز کمتر از ۲۰۰ میلیارد است، بنابراین مجموع این اعتبارات تکافوی پرداخت حقوق پرسنل نهاد کتابخانه‌ها را نمی‌دهد.

صالحی با بیان اینکه در صورت کمک مجلس می‌توان دغدغه پرسنل نهاد کتابخانه‌ها را برای تامین هزینه‌های معیشتی رفع کرد، ادامه داد: تعامل مجلس و وزارت فرهنگ برای افزایش حقوق این قشر بسیار موثر است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از سخنانش خاطر نشان کرد: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حوزه نشر و چاپ اقدامات خوبی انجام داده است اما باید بگویم بیماری کرونا به اقتصاد حوزه نشر و چاپ ضربه زده است.

صالحی ادامه داد: حدود ۳۰ هزار باشگاه کتابخوانی در کشور با ۳۰۰ هزار عضو در کشور در حال فعالیت است که پرداخت یارانه‌های فصلی به کتابفروشان یکی از راهکارها برای گسترش کتابخوانی در کشور است.

صالحی بیان کرد: ۲۵ هزار کانون فرهنگی و هنری مساجد با بیش از ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار عضو ثابت در حال فعالیت است که اسامی این افراد در پرتال مساجد وجود دارد. اساسنامه کانون فرهنگی و هنری مساجد شورای انقلاب فرهنگی تصویب و به قرارگاه فرهنگی و اجتماعی تبدیل شد.

وی با اشاره به فعالیت‌های وزارت فرهنگ و ارشاد در حوزه سینما تصریح کرد: خوشبختانه در این حوزه هم شاهد اتفاقات بسیار خوبی بودیم،



حدود ۳۰ هزار باشگاه کتابخوانی در کشور با ۳۰۰ هزار عضو در کشور در حال فعالیت است که پرداخت یارانه های فصلی به کتابفروشان یکی از راهکارها برای گسترش کتابخوانی در کشور است.

ایستاد بنیاد معنی

رصدنامه فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی شماره سه خرداد و تیر ۱۳۹۹

کاغذ اخبار

بهبود وضعیت اقتصاد سینمایی، زیرساخت ها و حضور در همایش های بین المللی از جمله این دستاوردها است که منجر به کسب ۲۰۵ جایزه بین المللی برای اهالی سینما شده است همچنین به زیرساخت های سینما در مناطق محروم توجه ویژه ای شد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به فعالیت های وزارتخانه متبوع خود در حوزه رسانه و مطبوعات، تصریح کرد: با بهبود وضعیت رسانه و مطبوعات در سال های اخیر شاهد فعالیت های مطلوب این حوزه به عنوان مکمل امنیت و سلامت بودیم. ۴ کارگروه در معاونت مطبوعات به شکل منظم تشکیل جلسه می دادند. فعالیت های اصحاب رسانه در زمان شیوع کرونا به همکاری با کادر درمانی از جمله اقدامات مثبت رسانه ها در سال اخیر بود.

انتصاب رییس جوان به ریاست حوزه

هنری

محمد مهدی دادمان به ریاست حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی منصوب شد.

به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه خبری حوزه هنری، حجت الاسلام محمد قمی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی در حکمی محمد مهدی دادمان را به ریاست حوزه هنری منصوب کرد.

محمد مهدی دادمان متولد ۱۳۶۷ در تهران است. او فارغ التحصیل مهندسی صنایع از دانشگاه صنعتی شریف است و مشغول به تحصیل دروس حوزوی در حوزه علمیه علی بن موسی الرضا (مشکات) است. سال ۸۴ مدال نقره المپیاد ادبیات را کسب کرد و از آن زمان تاکنون عضو بنیاد ملی نخبگان است.

دادمان پیش از انتصاب به عنوان مسئول حوزه هنری، از مدتی پیش به عنوان قائم مقام سازمان تبلیغات اسلامی منصوب شده بود.



هیچ کارمے برامے ماندگار شدن نکرده ام
همیشه پشت به آفتاب
رومے برف راه رفته ام
واژه ها به آخر خط رسیده اند
و من
با این که هرگز به ستون هیچ روزنامه ام
تکیه نداده ام
باز هم نتوانستم زبان پر رنگم بسازم
تا به آن زبان بنویسم
وقتمے تو نیستم
حوض کوچك خانه، سراب بزرگمے است
تا بنویسم
در این ثانیه ها که معکوس مے شمارند
مے توان نمرد
اما نمے توان زندگمے کرد

مردوم علیرضا راهب



ایف بی بی سی